



## رموز و اسرار اعداد در قرآن

پدیده بی نظیری که در قرآن وجود دارد، در هیچ کتاب نوشته دست بشر یافت میشود. هر یک از عناصر قرآن

دارای ترکیبی است ریاضی: سوره ها، آیات، لغات، تعداد حروف، تعداد کلمات هم خانواده، تعداد و انواع اسم های

الهی، طرز نوشتن بعضی لغات، عدم وجود یا تغییر عمدی بعضی حروف در بعضی لغات و بسیاری از عوامل

دیگر قرآن بغیر از محتوایش، همگی دارای ترکیبی خاص هستند. سیستم ریاضی قرآن دو جنبه مهم دارد: (۱)

انشاء ریاضی، و (۲) ساختمان ریاضی قرآن که شامل شماره سوره ها و آیات است. بخاطر این کد ریاضی جامع،

کوچکترین تغییر در متن یا ساختمان ترکیبی قرآن، بلافاصله آشکار میشود.

بسادگی قابل درک

غیر قابل تقلید

برای اولین بار در تاریخ، ما کتابی داریم با اثبات نویسندگی الهی\_ ترکیب ریاضی ماوراء انسانی.

خوانندگان این کتاب به آسانی میتوانند معجزه ریاضی قرآن را بررسی کنند. کلمه خدا (الله) در سراسر قرآن با

حروف بزرگ و پر رنگ نوشته شده است. در گوشه سمت چپ پایین هر صفحه، مجموع تعداد دفعاتی که کلمه

"خدا" از ابتدای قرآن تا آن صفحه تکرار شده است، نوشته شده. شماره نوشته شده در گوشه سمت راست پایین

صفحه، مجموع شماره آیاتی است که کلمه "خدا" در آنها تکرار شده است. آخرین صفحه کتاب، یعنی صفحه

۶۰۴، جمع کل تعدد تکرار کلمه "خدا" را در قرآن نشان میدهد که ۲۶۹۸ مرتبه است، یا ۱۴۲۱۹. مجموع شماره

آیاتی که داری کلمه "خدا" است، میشود ۱۱۸۱۲۳، این عدد هم بر ۱۹ قابل قسمت است:

$$(۱۹۶۲۱۷=۱۱۸۱۲۳).$$

عدد نوزده مخرج مشترک سراسر سیستم ریاضی قرآن است.

این پدیده بتنهایی اثبات غیر قابل تقلیدی است که نشان میدهد قرآن پیغام خدا است به دنیا. هیچ بشری نمیتوانسته

حساب ۲۶۹۸ تکرار کلمه "خدا" و تعداد شماره آیاتی را که کلمه "خدا" در آنها تکرار شده است، داشته باشد. این

پدیده خصوصاً غیر ممکن است و قتیکه در نظر داشته باشیم (۱) که قرآن در زمان جهالت و نادانی آشکار شد، و

(۲) سوره ها و آیات وحی شده از نظر زمان و مکان وحی با هم فاصله بسیاری داشتند. ترتیبی که سوره ها و

آیات در ابتدا فرستاده شد، بکلی با آخرین ترتیب قرار گرفتن شان (ضمیمه ۲۳) فرق داشت. اما، سیستم ریاضی

قرآن تنها به کلمه "خدا" محدود نیست؛ بلکه بسیار گستره، بسیار پیچیده، و کاملاً جامع است.

حقایق ساده

مانند خود قرآن، کد ریاضی قرآن از بسیار ساده تا بسیار مشکل تغییر میکند. حقایق ساده مشاهداتی است که بدون

هیچ وسایلی میتوان آنها را بررسی کرد. حقایق پیچیده به کمک ماشین حساب یا کامپیوتر قابل رویت است.

بررسی حقایق زیر به هیچ وسیله ای احتیاج ندارد، اما خواهشمند است بخاطر داشته باشید که همه اینها به متن

عربی اصلی اشاره دارد:

۱. اولین آیه (۱:۱)، معروف به "بسم الله، شامل..... ۱۹ حرف است.

۲. قرآن دارای ۱۱۴ سوره است که میشود..... ۱۹۶ .

۳. مجموع آیات در قرآن ۶۳۴۶ است که میشود..... ۱۹۲۳۴ .

[۶۲۳۴ آیه شماره گذاری شده است و ۱۱۲ آیه (بسم الله) شماره گذاری نشده است که میشود ۶۲۳۴

= [۶۲۳۴+۱۱۲] توجه کنید که ۶+۴+۳+۶ میشود..... ۱۹ .

۴. بسم الله ۱۱۴ مرتبه تکرار شده است، با وجود غیبت مرموز آن در سوره ۹ (درسوره ۲۷ دو بار تکرار شده

است) و ۱۱۴ = ..... ۱۹۶ .

۵. از غیبت بسم الله در سوره ۹ تا بسم الله اضافی در سوره ۲۷، دقیقاً..... ۱۹ سوره است.

۶. مجموع شماره سوره ها از ۹ تا ۲۷ (+۲۶+۲۷.....+۹+۱۰+۱۱+۱۲+) = ۳۴۲ یا ..... ۱۹۱۸ .

۷. این مجموع (۳۴۲) همچنین مساوی است با مجموع کلمات بین دو بسم الله سوره ۲۷، و ۳۴۲

= ..... ۱۹۱۸ .

۸. اولین آیات معروفی که اول وحی شد (۹۶:۱-۵) شامل ..... ۱۹ کلمه است.

۹. این اولین وحی ۱۰ کلمه ای، دارای ۷۶ حرف است ..... ۱۹۴ .

۱۰. سوره ۹۶ که از نظر ترتیب زمانی اولین سوره است، دارای ..... ۱۹ آیه است.

۱۱. این اولین سوره از نظر ترتیب زمانی، از آخر قرآن ..... ۱۹ همین است.

۱۲. سوره ۹۶ شامل ۳۰۴ حرف عربی است، و ۳۰۴ میشود.....۱۹۱۶.

۱۳. آخرین سوره فرستاده شده (سوره ۱۱۰) شامل.....۱۹ کلمه است.

۱۴. اولین آیه از آخرین سوره وحی شده (۱۱۰:۱) شامل..... ۱۹ حرف است.

۱۵. ۱۴ حرف مختلف عربی، ۱۴ "پاراف قرآنی" مختلف (مانند ا. ل. م، از ۱:۲) را تشکیل میدهند که در

ابتدای ۲۹ سوره قرار دارند. مجموع این اعداد میشود  $۱۴+۱۴+۲۹=۵۷$  یا ۱۹۳.

۱۶. مجموع ۲۹ سوره ای که "پارافهای قرآن" در آنها آمده است میشود:

$۸۲۲=۶۸+۵۰+۲+۷+۳+۷$ ، و  $۸۲۲+۱۴$  (۱۴ مجموعه پارافها) میشود ۸۳۶، یا ۱۹۴۴.

۱۷. بین اولین سوره پاراف دار (۲) و آخرین سوره پاراف دار (۶۸)، ۳۸ سوره بدون پاراف وجود

دارد.....۱۹۳۸.

۱۸. بین اولین و آخرین سوره های پاراف دار.....۱۹ مجموعه پاراف دار و بدون پاراف وجود دارد.

۱۹. ۳۰ عدد مختلف در قرآن تکرار شده است: ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲،

۱۹، ۲۰، ۳۰، ۴۰، ۵۰، ۶۰، ۷۰، ۸۰، ۹۹، ۱۰۰، ۲۰۰، ۳۰۰، ۱۰۰۰، ۲۰۰۰، ۳۰۰۰، ۵۰۰۰، ۵۰۰۰۰، ۱۰۰۰۰۰،

مجموع این اعداد میشود ۱۶۲۱۴۶، که میشود.....۱۹۸۵۳۴.

۲۰. حتی اگر اعداد تکراری را از عدد فوق حذف نماییم حاصل جمع ۱۶۲۱۴۶ ( $۱۹*۸۵۳۴$ ) خواهد بود.

۲۱. يك کیفیت مخصوص به قرآن مجید اینست که ۲۹ سوره با حروف رمزي شروع میشود که معني ظاهري

ندارند، این علامات در هیچ کتاب دیگری و در هیچ جایی دیده نمی شوند. این حروف در ابتدای سوره های قرآن

بخش مهمی از طرح اعدادی اعجاز آمیز می باشد که بر عدد ۱۹ بنا شده است. اولین نشانه این ارتباط اینست

که ۲۹ سوره از قرآن با این علامات شروع میشود. تعداد حروف الفبا در این رموز ۱۴ و تعداد خود رمزها نیز ۱۴

میباشد. هرگاه تعداد سوره ها (۲۹) و حروف الفبا (۱۴) را با تعداد رمزها (۱۴) جمع کنیم ، حاصل جمع ۵۷ (۳\*۱۹)

خواهد بود.

۲۲. خداوند توانا بما یاد میدهد که در هشت سوره و سوره های شماره ( ۱۰، ۱۲، ۱۳، ۱۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۳۱) دو آیه

اول که با این رموز آغاز میشوند حاوی و حامل معجزه قرآن هستند، باید توجه داشت که قرآن کلمه " آیه " را بمعنی

معجزه بکار برده است . باید کلمه آیه دارای معانی متعددی باشد که یکی از آنها معجزه است و نیز باید دانست که

خود کلمه معجزه در هیچ جای قرآن بکار برده نشده است. بدین جهت قرآن مناسب تفسیر نسلهای گوناگون بشریت

است مثلاً نسلهای قبلی (پیش از کشف اهمیت حروف رمزی قرآن) کلمه آیه را در این هشت سوره ، آیه نیم بیتی می

پنداشتند ، ولی نسلهای بعدی که از اهمیت این رموز با خبر شدند آیه را به معنی معجزه تفسیر کرده اند. بکار بردن

کلمات چند معنایی و مناسب برای همه نسلهای بشر در زمانهای گوناگون خود یکی از معجزات قرآن است.

۲۳. سوره قاف که با حرف ق شروع می شود (شماره ۵۰) شامل ۵۷ (۳\*۱۹) حروف ق است.

۲۴. سوره دیگری در قرآن " حروف ق را در علامت رمزی خود دارد (سوره شورا شماره ۴۲) که اگر حروف ق

را در این سوره شمارش نمائید، ملاحظه خواهید کرد که حرف ق ۵۷ (۳ \* ۱۹) بار تکرار شده است.

۲۵. بدین ترتیب در مییابید که دو سوره قرآنی فوق الذکر (شماره ۵۰ و ۴۲) به اندازه همدیگر (۵۷، ۵۷) شامل

حرف ق هستند که مجموع آن دو با تعداد سوره های قرآن (۱۱۴) برابر است. چون سوره ق بدین نحو آغاز می

شود : "ق و القرآن المجید" تصور حرف ق به معنی قرآن مجید می نماید و ۱۱۴ ق مذکور گواه ۱۱۴ سوره های

قرآن است. این احتساب اعداد آشکار و گویا ، مدلل می دارد که ۱۱۴ سوره قرآن ، تمام قرآن را تشکیل می دهند و

چیزی جز قرآن نیستند.

۲۶. آمار کامپیوتر نشان میدهد که فقط این دو سوره که با حرف ق آغاز می شود ، دارای تعداد معینی ق (۵۷)

مورد ) هستند ، گوئی خداوند توانا می خواهد با اشاره و کنایه بفرماید که خودش تنها از تعداد حروف الفبا در

سوره های قرآن با خبر است.

۲۷. يك نمونه در آیه ۱۳ از سوره ق مدلل می دارد که هر کلمه و در حقیقت هر حروف در قرآن مجید به دستور

الهي و طبق يك سیستم اعدادي بخصوصي که بیرون از قدرت بشر است گنجانیده شده است این آیه می فرماید "

عاد ، فرعون و اخوان لوط " در تمام قرآن مردمی که لوط را نپذیرفتند ، قوم نامیده می شوند. خواننده بلافاصله

متوجه می شود که اگر بجای « اخوان » در سوره ق کلمه « قوم » بکار برده می شد چه اتفاقی می افتاد . در این

صورت ذکر کلمه قوم بجای اخوان، حرف « ق » در این سوره ۵۸ بار تکرار می شد و عدد ۵۸ به ۱۹ قابل

قسمت نیست و لذا با تعداد ۵۷ « ق » که در سوره شورا مطابقت نمی کرد و جمع آن دو با تعداد سوره های قرآن

برابر نمی شد ، بدین معنی که با جایگزین کردن يك کلمه بجای دیگری نظم قرآن از بین می رود.

۲۸. تنها سوره ای که با حرف « ن » آغاز میشود ، سوره قلم است ( شماره ۶ ) این سوره ۱۳۳ « ن » دارد که

به ۱۹ قابل قسمت است ( ۱۹×۷ ).

۲۹. سه سوره اعراف (شماره ۷) مریم ( شماره ۱۹ ) و ص ( شماره ۳۸ ) که با حروف « ص » شروع میشوند،

جمعاً ۱۵۲ حرف « ص » دارند ( ۱۹×۸ ).

۳۰. در سوره طه (شماره ۲۰) جمع تعداد حروف « ط » و « هـ » ۳۴۴ میباشد ( ۱۸ × ۱۹ ) .

۳۱. در سوره « یس » تعداد حروف « ی » و « س » ۲۸۵ میباشد ( ۱۵×۱۹ ).

۳۲. در هفت سوره ۴۰ تا ۴۶ که با رمز « حم » شروع میشوند تکرار حروف ۲۱۶۶ میباشد ( ۱۴×۱۹ ) بنابراین

تمام حروف اختصاری که در ابتدای سوره های قرآن قرار دارند . بدون استثناء در روش اعدادی اعجاز آمیز قرآن

شرکت دارند. باید توجه داشت که این روش اعدادی قرآن ، در مواردی ساده و در خور فهم اشخاص معمولی است

، اما در موارد دیگر ، بسیار مشکل و پیچیده بوده و برای درک آنها اشخاص تحصیل کرده باید از ماشینهای

الکترونیکی کمک بگیرند .

۳۳. در سوره های شماره ۲ و ۳ و ۷ و ۱۳ و ۱۹ و ۳۰ و ۳۱ و ۳۲ که با رمز « الم » شروع میشوند تعداد حروف الف ،

لام ، میم جمعاً ۲۶۶۷۶ مورد و قابل قسمت به ۱۹ میباشد ( ۱۹\*۱۴۰۴ ).

۳۴. در سوره های ۲۰ و ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ و ۳۶ و ۴۲ که با رمز « طس » یا یکی از دو حرف مزبور ( ط ، س ) آغاز

میشوند تعداد دو حرف « ط » و « س » ۴۹۴ مورد میباشد ( ۱۹\*۲۶ ).

۳۵. در سوره های ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۴ و ۱۵ که با رمز « الر » آغاز می شوند تعدا الف ، لام ، راء به اضافه تعداد (

راء ) تنها در سوره سیزدهم ، ۹، ۹۷ مورد است که این عدد قابل قسمت بر عدد ۱۹ می باشد ( ۱۹\*۵۱۱ ).

۳۶. در سوره هایی که با رمز یکی از حروف "ط" "س" و "م" آغاز می شوند ، تعداد حروف طاء و سین و میم

۹۱۷۷ مورد می باشد ( ۱۹\*۴۳۸ ).

۳۷. در سوره رعد ( شماره ۱۳ ) که با حرف رمزي "المرا" آغاز می شود ، تعداد حروف (الف ، لام ، میم ، را )

۱۵۰۱ مورد می باشد ( ۱۹\*۷۹ ).

۳۸. در سوره اعراف (شماره ۷) که با حروف رمزي "المص" شروع می گردد تعداد وقوع "الف" ۲۵۷۲ مورد ،

حرف "لام" ۱۵۲۳ مورد ، حرف "میم" ۱۶۵ و حرف "ص" ۹۸ مورد که جمعاً عدد ۵۳۵۸ بدست می

آید ( ۱۹\*۲۸۲ ).

۳۹. در سوره مریم (شماره ۱۹) که با حروف "کهیصص" شروع می شود ، تعداد حروف (کاف ، ها ، یا ، عین ،

صاد) ۷۹۸ مورد می باشد ( ۱۹\*۴۲ ).

۴۰. در سوره شورا (شماره ۴۲) که با حروف "حم عسق" شروع می شود ، تعداد حروف (حا ، میم ، عین، سین

، قاف ) ۵۷۰ مورد می باشد ( ۱۹\*۳۰ ).

۴۱. در سیزده سوره ای که حرف "الف" در لغت رمزي آنهاست (سوره های شماره ۲ ، ۳ ، ۷ ، ۱۰ ، ۱۱ ، ۱۲ ،

۱۳ ، ۱۴ ، ۲۹ ، ۳۰ ، ۳۱ ، ۳۲ و ۱۵ ) جمع الف های موجود ۱۷۴۹۹ مورد می باشد ( ۱۹\*۹۲۱ ).

۴۲. در سیزده سوره فوق الذكر جمع حروف "لام" ۱۸۷۰ مورد می باشد ( ۱۹\*۶۲۰ ).

۴۳. در هفده سوره ای که حروف "میم" در لغت رمزي آنها ست (سوره های شماره ۲ ، ۳ ، ۷ ، ۱۳ ، ۳۲ ، ۲۶

، ۲۸ ، ۲۹ ، ۳۱ ، ۳۰ ، ۴۰ ، ۴۱ ، ۴۲ ، ۴۳ ، ۴۴ ، ۴۵ ، ۴۶ ) جمع حروف "میم" ۸۶۸۳ مورد می باشد

(۱۹\*۴۵۷).

در تاریخ ، کتابی سراغ نداریم که مانند قرآن طبق يك سیستم عددی تنظیم شده باشد بر این حقیقت علاوه بر ۴۳ بند

پیشین ، موارد زیر نیز گواه صادقی است:

الف: کلمه "الله" ۲۶۹۸ مرتبه در قرآن تکرار شده که مضربی از عدد ۱۹ است (۱۴۲ \* ۱۹) و تعداد حروف "

بسم الله الرحمن الرحيم" نیز ۱۹ مورد می باشد. مسئله جالب اینکه در سوره اخلاص بعد از "قل هو الله احد" جمله

" الله الصمد" آمده در صورتی که اگر "هو الصمد" می آمد ، جمله صحیح بود. از نظر دسترو زبانی باید "هو "

می آمد اما با این حال "الله" آمده است ، اگر بجای "الله" "هو" می آمد ، سیستم ریاضی قرآن بهم می ریخت و این

مسئله شباهت زیادی دارد به همان "اخوان" و "قوم" در سوره "ق".

ب: مورد جالب دیگر در سوره مریم حروف مقطعه که بعضی می باشد که بصورت حروف آغازین آمده است ، این

حروف در سوره مریم ، بصورت جداگانه ، با این تعداد بکار رفته اند: حرف "ك" ۱۳۷ مرتبه، حرف "ه" ۱۶۸

مرتبه ، حرف "ي" ۳۴۵ مرتبه ، حرف "ع" ۱۲۲ مرتبه، حرف ص" ۲۶ مرتبه. جمع این ارقام به این صورت

است:

$۳۴۵ + ۱۶۸ + ۱۳۷ + ۱۲۲ + ۲۶ = ۸۹۷$  که مضروب عدد ۱۹ می باشد (۱۹\*۴۷) یعنی مجموع تکرار حروف

پنجگانه (ك، ه ، ي ، ع ، ص)، سوره مریم (سوره شماره ۱۹) علاوه بر آنکه بر عدد ۱۹ (تعداد حروف بسم الله

الرحمن الرحيم) قابل تقسیم است، بر عدد ۱۴ (که تعداد حروف مقطعه است) نیز قابل تقسیم می

باشد (۱۴\*۵۷=۷۹۸).

پ: در قرآن بعضی از کلمات با کلمه های دیگر که از نظر معنی با همدیگر تناسب دارند یکسان به کار رفته اند.

مثلاً :

۱- کلمه "حيوه" ۱۴۵ بار با مشتقات آن در قرآن بکار رفته است و به همان تعداد (۱۴۵ بار) کلمه "موت یا

مرگ" با مشتقاتش بکار رفته است.

۲- کلمه "دنیا" ۱۱۵ بار و کلمه "آخرت" هم ۱۱۵ بار بکار رفته است.

۳- کلمه "ملائکه" ۸۸ بار در قرآن آمده است و کلمه "شیاطین" نیز به همان تعداد ۸۸ بار بکار برده شده اند.

۴- "حر" یعنی گرما ۴۰ بار و کلمه "برد" یعنی سرما نیز ۴۰ بار بکار برده شده اند.

۵- کلمه "مصائب" ۷۵ بار و کلمه "شکر" نیز ۷۵ بار

۶- کلمه زکات ۳۲ بار و کلمه "برکات" نیز ۳۲ بار .

۷- کلمه "عقل" و مشتقات آن ۴۹ بار و کلمه "نور" نیز با مشتقاتش ۴۹ بار .

۸- کلمه "یوم" به معنی روز و "شهر" به معنی ماه در قرآن به ترتیب ۳۶۵ بار و ۱۲ بار بکار رفته اند.

۹- کلمه "رجل" به معنی مرد ۲۴ بار و کلمه "امراه" به معنی زن نیز ۲۴ بار در قرآن بکار رفته اند.

۱۰- کلمه "امام" بصورت مفرد و جمع ۱۲ بار در قرآن آمده است.

آیا اینها تصادفی است؟

ت: تفاوتهایی در حدود يك ده هزارم. ضمن بررسی سوره مریم و زمر دیدم که نسبت "درصد" مجموع حروف (

ك، ه، ي، ع، ص) در هر دو سوره مساوي است با اینکه باید در سوره مریم بیش از هر سوره دیگر باشد زیرا

این حروف مقطعۀ فقط در آغاز سوره مریم قرار دارد. اما هنگامیکه محاسبات مربوط به نسبت گیری حروف دو

سوره را از رقم سوم اعشار بالاتر بردم روشن شد که نسبت مجموع این حروف در سوره مریم يك ده هزارم

(۰/۰۰۰۱) بیش از سوره زمر است. این تفاوتهاي جزئي راستي عجيب و حيرت آوراست.

نتیجه:

۱- يك مؤلف هر قدر هم که توانا باشد هر گز نمی تواند در ذهن خود حروف و اعدادي به اندازه معین بگیرد

سپس از آنها مقالات و یا کتابي بنویسد که همچون قرآن حتي شماره ها و حروف و کلمات آن نیز به اندازه و

شمرده شده در آید مثلاً حروف مقطعۀ "الم" به ترتیب "الف" بعد "لام" و سپس "میم" از دیگر حروف در سوره

هاي مربوطه بیشتر باشد. از طرف دیگر تعداد حروف مقطعۀ ۱۴ حرف باشد یعنی درست نصف تعداد حروف

الفبای عربي. اگر مشاهده کردیم انساني در مدت ۲۳ سال با آن همه گرفتاري ؛ سخني آورد که نه تنها مضامين

آنها حساب شده و از نظر لفظ و معنی و محتوا در عالیترین صورت ممکن بود ؛ بلکه از نسبت ریاضی و عددی

حروف چنان دقیق و حساب شده بود که نسبت هر يك از حروف الفبا در هريك از سخنان او يك نسبت دقیق

ریاضی دارد. آیا نمی فهمیم که کلام او از علم بی پایان پروردگار سرچشمه گرفته است؟

۲- رسم الخط اصلی قرآن را حفظ کنید. تمام محاسبات فوق در صورتی صحیح خواهد بود که به رسم الخط اصلی

و قدیمی قرآن دست نزنیم مثلاً اسحق و زکوه و صلوا را به همین صورت بنویسیم نه بصورت اسحاق و زکات و

صلاه . در غیر اینصورت محاسبات ما بهم خواهد ریخت.

۳- عدم تحریف قرآن. در قرآن مجید حتی کلمه و حرفی کم و زیاد نشده و الا بطور مسلم محاسبات کنونی روی

قرآن فعلی صحیح از آب در نمی آمد و کلمات و حروف حساب شده نظام کنونی حروف قرآن را بکلی به هم می

ریخت. پس این نشانه دیگری بر عدم کوچکترین تحریف در قرآن مجید است.

حال فرموده پیامبر اسلام را یاد آوری می کنم که فرمود:

«عجائب و شگفتیهایی قرآن پایان ناپذیر است و قرآن ظاهرش خوشایند و باطنش عمیق است. عجائبش را نمی

توان شمرد و غرائش هرگز کهنه نشود مؤمن هرگاه قرآن بخواند بوی عطر ماندنی از دهانش خارج شود.»

«امیدوارم خوانندگان گرامی در انجام وظیفه دینی و کتب ثواب اخروی و خشنودی پروردگار ، تاجایی که می

توانند این معجزه را نشر و گسترش دهند تا اعجاز قرآن بیش از پیش روشن گشته و این کتاب شریف و گرانقدر

از مظلومیت خارج و قانون زندگی واقعی گردد.

در پایان با تمام وجود و با فریادی بلند به امت اسلامی می گویم ای ملت اسلامی قرآن را بخوانید و عمل کنید که

سعادت بشر در آن نهفته است.

این خلاصه فشرده ای بود از معجزات ساده.

منبع: نور ایمان

## اسرار و رموز ۵۰ کلمه از آیت الکرسی

«آیه الکرسی» دارای ۵۰ کلمه است که در هر کلمه آن برکتی وجود دارد.

مدیرگروه تفسیر بنیاد بین المللی علوم و حیانی اسراء گفت: «آیه الکرسی» دارای ۵۰ کلمه است که در هر کلمه آن

برکتی وجود دارد.

حجت الاسلام والمسلمین «حسین اشرفی» مدیرگروه تفسیر بنیاد بین المللی علوم و حیانی اسراء در رابطه با ویژگی

خاص «آیه الکرسی» مبنی بر «غرر الآیات» بودن عنوان کرد: «غرر» جمع غَرّه و به معنای درخشندگی و

برجستگی است که معمولاً در لغت نیز به سفیدی موجود در پیشانی گاو و یا گوساله به دلیل دورنمای خاص آن،

غره گفته می شود.

وی اظهار داشت: هر آیه ای از آیات قرآن، شأن و منزلت خاص خودش را دارد که با این شأن و جلالت از دیگر

آیات ممتاز می شود اما برخی آیات، درخشش، برجستگی، نقش کلیدی و زیربنایی ویژه ای دارد از این رو به آیاتی

که این درخشندگی و این برجستگی را دارد غرر آیات گفته می شود.

\* «توحید» مهم ترین ویژگی «آیه الکرسی» از نظر مرحوم علامه طباطبایی است

این شاگرد آیت الله جوادی آملی به بیان معیارهای «غرر الآیات» پرداخت و گفت: کلیدی بودن آیات قرآن، آن

آیات کلیدی که دیگر معارف به آن برمی گردد، می تواند راهگشای فهم بسیاری از آیات و روایات معصومان باشد.

همچنین اتقان و استحکام، جمع بین برهان و عرفان، علو متن و متین بودن آن و محتوای بسیار در یک متن کوتاه

که به لحاظ ادبی آن را ایجاز اعجاب انگیز می گویند از جمله خصایص ممتاز آیه الکرسی به شمار می رود.

وی مهم‌ترین ویژگی «آیه‌الکرسی» از نظر مرحوم علامه طباطبایی(ره) را بحث توحیدی آن دانست و

خاطر نشان کرد: ایشان آیات «غرر» را از آیاتی بر می‌شمرد که توحیدی است به دلیل اینکه همه مسائل اسلامی

و قرآنی اعم از عقاید، اخلاق، احکام و حقوق به نوعی به توحید باز می‌گردد.

### \* «آیه‌الکرسی» سرور تمام قرآن و معارف دینی است

حجت‌الاسلام اشرفی با بیان اینکه توحید، زیربنای تمام معارف و اعمال شایسته است، اظهار داشت: بنابراین

بیشترین آیات کلیدی، آیات توحیدی است شاید بتوان گفت علامه طباطبایی غالب آیات توحیدی و برجسته را غرر

آیات می‌داند از این رو شاگرد ایشان علامه جوادی آملی یک توسعه‌ای در غرر آیات داده‌اند.

وی در خصوص اینکه چرا مرحوم علامه طباطبایی، آیه‌الکرسی را سید و غرر آیات بر شمرده است به وجود چند

روایت در جوامع روایی شیعه اشاره کرد و گفت: روایت نخست به سخنی از امام صادق(ع) بر می‌گردد که ایشان

فرموده‌اند: «ابوذر از پیامبر(ص) پرسید از میان آیاتی که بر شما نازل شد، کدام یک از همه برتر است حضرت

فرمودند: «آیه‌الکرسی»، همچنین از امام علی(ع) روایت شده است که می‌فرمایند: «بارها شنیده‌ام که حضرت

رسول(ص) می‌فرمودند «سید الکلام القرآن» آقای تمام سخنان، قرآن است و آقای تمام قرآن سوره مبارکه بقره و

آقای سوره بقره و معارف قرآن «آیه‌الکرسی» است لذا این روایات باعث می‌شود «آیه‌الکرسی» غرر نامیده

شود.

دبیر گروه تفسیر بنیاد بین‌المللی علوم و حیانی اسراء عنوان کرد: پیامبر اکرم(ص) در ذیل همین حدیث به حضرت

امیر(ع) فرمودند: یا علی(ع) در آیه‌الکرسی ۵۰ کلمه است که در هر کلمه‌ای از آن برکتی وجود دارد.

وی افزود: در روایت دیگری از رسول خدا (ص) سؤال شد کدام آیه اعظم آیات قرآن است شروع به خواندن

آیه‌الکرسی کردند و فرمودند: «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي

الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ

كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ.»

عالی‌ترین اسامی خداوند در «آیه‌الکرسی» نهفته است

حجت‌الاسلام اشرفی با بیان اینکه در میان روایات، روایات بسیار زیبایی هست که از آنها نیز به غرر روایات یاد

می‌شود، گفت: در صفحه ۳۶۰ کتاب «مجمع‌البیان» روایتی از امام باقر(ع) آمده است که می‌فرمایند: «ان لكل

شيء ذروة و ذروة القرآن آية الكرسي»؛ هر چیزی اوج و قله‌ای دارد که اوج قرآن کریم «آیه‌الکرسی» است، البته

جنبه توحیدی آیه‌الکرسی بسیار مهم است. در «آیه‌الکرسی» عالی‌ترین اسماء حسنا الهی از جمله؛ حی، قیوم،

العلی، العظیم و مانند آن وجود دارد.

وی اظهار داشت: آخرین نکته در خصوص غرر آیات بودن «آیه‌الکرسی» روایتی است که در آن علی

علیه‌السلام می‌فرمود: «رسول خدا(ص) به من خبر داد که «آیه‌الکرسی» از گنج‌های زیر عرش پروردگار به

ایشان عطا شده است که قبل از پیامبر(ص) به هیچ کسی عطا نشده بود» لذا این آیه از اختصاصات حضرت

رسول(ص) و از گنجینه‌های زیر عرش پروردگار به شمار می‌رود.

مدیرگروه تفسیر بنیاد بین‌المللی علوم و حیاتی اسراء با تاکید بر اهمیت، عظمت و خواص آیه‌الکرسی تصریح کرد:

هر چه در عالم طبیعت است مسبوق به وجود غیر طبیعی آن در مخزن غیبی است و این نکته مهمی است که در

آیه ۲۱ سوره «حجر» آمده است «وَإِنْ مِّنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ»؛ هر چه در عالم وجود دارد گنجینه‌های آن در

نزد خداست.

وی خاطرنشان کرد: از این آیه شریفه فهمیده می‌شود هر چیزی نه تنها یک خزینه بلکه خزانه‌هایی دارد و این

مسئله بیانگر آن است که خزانه‌های الهی متعدد هستند، همچنین آنچه در روایت اخیر وجود دارد این نکته را

می‌رساند که «آیه‌الکرسی» یکی از آن گنجینه‌ها و خزینه‌های الهی است که بحث توحیدی یعنی معرفی خود خدا و

توحید صفاتی را به نحو احسن بیان می‌کند.

حجت‌الاسلام اشرفی در پایان گفت: «آیه‌الکرسی» اثر شفا و شفاعت دارد و می‌خواهد ما را با توحید ناب آشنا

کند که اگر توحید در زندگی انسان سایه افکند بسیاری از مسائل دیگر حل خواهد شد چرا که بازگشت بسیاری از

معارف و احکام دین به مسئله توحید است.

آیت الکرسی یعنی چه:

تعریف کرسی در آیه ای که به آیه الکرسی معروف شده است

کرسی از ریشه (ک- ر- س) گرفته شده و به معنی اتصال یافتن اجزای یک ساختمان به هم می‌باشد و نیز

کرسی را تخت هم می‌گویند که بر آن می‌نشینند که در این زمینه می‌توان برای کرسی سه معنی آورد

(۱) علم الهی: کرسی همان جسم بزرگ کیهانی است که زمین، خورشید و آسمان و نیز سایر اجزای آسمان را در

برمی‌گیرد.

(۲) جسم بزرگ کیهانی: کرسی را همان یک جسم و جرم بزرگ کیهانی تصور کرد که تمام اجزائی که در آسمان و

زمین ... است در آن جای می گیرد که از حضرت علی (ع) نقل شده است که آسمان و زمین و تمام موجودات در

داخل این کرسی قرار دارند که چهار فرشته به اذن خداوند آن را حمل می کنند.

(۳) قدرت و سلطنت الهی: کرسی را همان جهان هستی است که این جهان تمام تحت سلطه و قدرت حضرت

احدیت بوده و هیچ جنبه ای از دایره قدرت و احاطه و سیطره او خارج نمی شود و بدون اذن او هیچ تغییری

ایجاد نمی شود.

(۴) عرش: در لغت همان کرسی است که عرش در لغت فارسی به معنی رکن و اساس هر چیز و یا سقف خانه گفته

می شود بنا بر این با توجه به این دو تعریف در مورد کرسی و عرش متوجه می شویم که کرسی ظاهر و عرش

باطن هر چیز را گویند.

## شان نزول آیه الکرسی

در قرآن کریم آیاتی که بر پیامبر اسلام نازل می شد دارای علت و سببی بود که به اذن خداوند توسط فرشتگان

برای رسول اکرم(ص) فرستاده می شد که در مجموع به آنها شان نزول می گویند . و سبب نزول آیه الکرسی

در سوره بقره احتمالا این بوده که قوم یهود معتقد بودند که خداوند تبارک و تعالی پس از خلقت آفرینش آسمانها و

زمین و... خسته شده و برای رفع خستگی روی کرسی نشست که آیه مبارک آیه الکرسی بر رد عقاید منحرف

کننده قوم یهود نازل شد.

رسول اکرم(ص) در هنگام خواندن آیه الکرسی تبسم می کردند و می فرمودند : آیه الکرسی گنج بزرگ و رحما

نی است که زیر عرش (همان کرسی) به من نازل شد و نیز در روایت آمده است که هنگام نزول آیه الکرسی

هزار فرشته تا رسیدن به حضرت رسول اکرم(ص) این آیه مبارک و عظیم را همراهی می کرد.

آیه الکرسی منشأ خیر و برکتی است که خداوند تبارک و تعالی توسط رسول اکرم(ص) در سوره مبارک بقره به

انسان عطا فرموده است و خداوند می فرماید: این آیه عظیم الشان و با برکت را به بندگانم هدیه می کنم و به همین

دلیل است که پیغمبر عزیز ما به پیروانش توصیه می کند که آیه الکرسی را مورد توجه خاص قرار دهند و

تلاوت کنند تا از منشأ خیر و برکت آن بهره گیرند.

عکس العمل شیطان هنگام نزول آیه الکرسی

امام محمد باقر از امیر المومنین (ع) روایت فرموده: هنگامی که آیت الکرسی نازل شد رسول خدا (ص) فرمود

آیه الکرسی آیه ای است که از گنج عرش نازل شده و زمانی که این آیه نازل گشت هر بتی که در جهان بود با

صورت به زمین خورد.

در این زمان ابلیس ترسید و به قومش گفت: "امشب حادثه ای بزرگ اتفاق افتاده است باشید تا من عالم را بگردم

و خبر بیاورم.

ابلیس عالم را گشت تا به شهر مدینه رسید مردی را دید و از او سوال کرد: "دیشب چه حادثه ای اتفاق افتاد"

مرد گفت "رسول خدا فرمود: "آیه ای از گنج های عرش نازل شد که بت های جهان به خاطر آن آیه همگی با

صورت به زمین خوردند. ابلیس بعد از شنیدن حادثه به نزد قومش رفت و حادثه را به آن ها خبر داد.

آیت الکرسی سید آیات قرآن

پیامبر به حضرت علی (ع) فرمود: "یا علی! من سید عرب-مکه سید شهر هاست- کوه سینا سید همه کوه هاست-

جبرئیل سید همه فرشتگان است — فرزندان سید جوانان اهل بهشتند- قرآن سید همه کتاب هاست — بقره سید همه

سوره های قرآن است — ودر بقره یک آیه است که آن آیه ۵۰کلمه دارد و هر کلمه ۵۰ برکت دارد و آن آیت

الکرسی است.

پاداش کسی که آیت الکرسی را زیاد می خواند

عبدالله بن عوف گفته است: " شبی خواب دیدم که قیامت شده است و من را آوردند و حساب من را به آسانی

بررسی کردند. آنگاه مرا به بهشت بردند و کاخ های زیادی به من نشان دادند. به من گفتند: درهای این کاخ را

بشمار ؛ من هم شمردم ۵۰ درب داشت. بعد گفتند: خانه هایش را بشمار. دیدم ۱۷۵ خانه بود. به من گفتند این خانه

ها مال توست. آن قدر خوشحال شدم که از خواب پریدم و خدا را شکر گفتم. صبح که شد نزد ابن سیرین رفتم و

خواب را برایش تعریف کردم. او گفت : معلوم است که تو آیه الکرسی زیاد می خوانی. گفتم : بله ؛ همین طور

است. ولی تو از کجا فهمیدی. گفت برای اینکه این آیه ۵۰ کلمه و ۱۷۵ حرف دارد. من از زیرکی حافظه او

تعجب کردم. آنگاه به من گفت : هر که آیه الکرسی را بسیار بخواند سختی های مرگ بر او آسان می شود.

داستان نزول

رسول اکرم (ص) فرمود: چون خدای متعال خواست سوره ی حمد و آیه های شهادت (۱۸و ۱۹ آل عمران) و قل

اللهم (۲۶-۲۷ آل عمران) و سوره توحید و آیه الکرسی را به زمین نازل کند همگی به عرش الهی چنگ زدند در

حالی که بین آن ها و خداوند حجابی نبود.

سپس فرمودند : پروردگارا ما را به خانه پر گناه و به سوی کسانی که عصیان و گناه می کنند می فرستی ؛ در

حالی که ما پاک و مطهر هستیم. سپس خدای متعال فرمود: "به عزت و جلال خودم سوگند ، هیچ کس شما را بعد

از نماز نخواند مگر این که او را در مرتبه بالای قدس جای دهم که از نعمت های آن استفاده کنند و در هر روز

۷۰ بار به او با نظر رحمت خود بنگرم و در هر روز ۷۰ حاجت او را برآورم هر چند که بسیار گناه کرده باشد که

کمترین آن دعاها و حاجت ها و آمرزش گناهان باشد. او را از هر دشمنی پناه می دهم و برای پیروزی بر هر

دشمنی یاریش می دهم و مانعی به جز مرگ برای بهشت رفتن او نباشد. (یعنی بعد از مرگ بلافاصله به بهشت

می رود)

آیت الکرسی برای حفظ چشم

بعد از هر نماز دستان را روی چشم بگذارید و بعد از خواندن آیت الکرسی بگویید: "اللهم احفظ حدقتی بحق حدقتی

علی بن ابیطالب(ع)"

امان نامه الهی

امام کاظم (ع) فرمود: از بعضی پدران بزرگوارم شنیدم که کسی داشت سوره حمد را می خواند پس حضرت

فرمود: هم شکر خدا را به جای آورد و هم به پاداش رسید. بعد حضرت شنید که سوره توحید می خواند فرمود:

ایمان آورد و ایمنی به دست آورد و سپس شنید که سوره قدر می خواند فرمود: راست گفت و آمرزیده شد و بعد

شنید که آیت الکرسی می خواند فرمود: خداوند خالق , امان نامه برایش فرو فرستاد.

قرآن برتر است یا تورات؟

روایت شده که از پیامبر (ص) پرسیدند: قرآن برتر است یا تورات؟ فرمودند: در قرآن آیه ای است که از تمام

کتابهایی که خداوند بر پیامبرانش نازل فرموده بهتر و برتر و والاتر است و آن آیه الکرسی است.

پیامبر فرمودند با فضیلت ترین آیه ای که بر من نازل شد آیه الکرسی است.

پیامبر فرمودند آیه الکرسی وسوره توحید عظیم تر از همه چیزهایی است که دون و پست تر از خداست.

پیامبر (ص) فرمودند: دانش بر تو گوارا باد. سوگند به کسی که جان محمد در دست اوست این آیه دارای دو زبان

و دو لب است که در عرش الهی تسبیح و تقدیس خدا می گوید.

رسول خدا (ص) فرمود: در شب معراج دو لوح را دیدم ، که در یک لوح سوره حمد و در لوح دیگر کل قرآن

قرار داشت که سه نور از آن می درخشید . پس گفتم ای جبرئیل این نوره چیست؟ جبرئیل در جواب گفت : آن سه

نور یکی سوره توحید و یکی سوره یاسین و دیگری آیه الکرسی می باشد.

پیامبر (ص) فرمودند: در معراج در آسمان هفتم دیدم که ملائکه حجاب سوره نور را می خوانند ، خزان کرسی آیه

الکرسی و حمله عرش سوره مومن را می خوانند.

امام صادق (ع) فرمود: همانا من از آیه الکرسی برای بالا رفتن درجات استفاده می کنم.

امام صادق (ع) فرمودند: هرگاه سوره حمد و توحید و قدر را با آیه الکرسی بخوانید و بعد از آن برخیزید و و رو

به قبله حاجات خود را از خدا بخواهید که حاجاتتان بر آورده خواهد شد زیرا اسم اعظم هستند.

امام علی (ع) فرمودند اگر شما از آثار معنوی آیه الکرسی آگاه بودید در هیچ حال خواندن آن را ترک نمی کردید.

امام محمد باقر (ع) فرمودند: هر کس یک بار آیه الکرسی را بخواند خداوند هزار ناراحتی از ناراحتی های دنیا و

هزار سختی آخرت را از او دور می کند که کمترین ناراحتی دنیا فقر و کمترین سختی آخرت فشار قبر است.

رسول خدا در خواب به دختر خویش فرمودند: ترازوی اعمال خویش را با آیه الکرسی سنگین گردان. زیرا

هرکس آن را قرائت نماید آسمان وزمین با فرشتگانش به جنبش و حرکت در آیند و خداوند را با صدای بلند به

پاکی یاد کنند و او را بزرگ بدارند و تسبیح گویند. پس از آن تمامی فرشتگان از خداوند می خواهند که گناه

خواننده آیه الکرسی را ببخشند و از خطا و لغزشش در گذرد.

رسول خدا (ص) فرمودند: هرکس آیه الکرسی را یک بار بخواند اسم او از دیوان اشقیاء و انسان های بد محو می

شود.

امام رضا (ع) به نقل از پیامبر فرمودند: هر کس ۱۰۰ مرتبه آیه الکرسی را بخواند چنان باشد که همه عمر خود

را عبادت کرده باشد.

بعد از نماز

پیامبر فرمودند: هر کس آیه الکرسی را بعد از نماز بخواند هفت آسمان شکافته گردد و به هم نیاید تا خداوند متعال

به سوی خواننده آیت الکرسی نظر رحمت افکند و فرشته ای را بر انگیزد که از آن زمان تا فردای آن کارهای

خویش را بنویسد و کارهای بدش را محو کند.

رسول اکرم (ص) فرمود: یا علی بر تو باد به خواندن آیه الکرسی بعد از هر نماز واجب. زیرا به غیر از پیغمبر

و صدیق و شهید کسی به خواندن آن بعد از هر نماز محافظت نمی کند و هر کس بعد از هر نماز آیه الکرسی را

بخواند به جز خداوند متعال کسی او را قبض روح نمی کند و مانند کسی باشد که همراه پیامبران خدا جهاد کرده تا

شهید شده است و فرمود: بعد از مرگ بلا فاصله داخل بهشت می شود و به جز انسان صدیق و عابد کسی بر

خواندن آیه الکرسی مواظبت نمی کند.

در روایتی از امام باقر آمده است: "هر کس آیه الکرسی را بعد از هر نماز بخواند از فقر و بیچارگی در امان شود

و رزق او وسعت یابد و خداوند به او از فضل خودش مال زیادی بخشد."

رسول اکرم فرمودند که هر کس آیه الکرسی را بعد از هر نماز واجب بخواند نمازش قبول درگاه حق می گردد و

در امان خدا باشد و خداوند او را از بلاها و گناهان ننگه دارد.

جهت نور چشم بعد از هر نماز دست بر چشم بگذارد و آیه الکرسی بخواند و بگوید: "اعیذ نور بصری بنور الله

الذی لا یطفی"

خداوند به موسی بن عمران وحی فرمود: کسی که بعد از نماز واجبش آیه الکرسی بخواند خداوند متعال به او قلب

شاکرین – اجر انبیا و عمل صدیقین را عطا فرماید و چیزی جز مرگ از داخل شدن او به بهشت جلوگیری نمی

نماید. مداومت نمی نماید به آن مگر پیامبر یا صدیق یا کسی که از او راضی شده ام و یا شخصی که شهادت را

روزی او می نمایم.

زیادی علم و حافظه

پیامبر (ص) روایت کرده است که فرمودند : ۵ چیز حافظه را قوی می گرداند: خوردن شیرینی – گوشت نزدیک

گردن – عدس – نان سرد و خواندن آیت الکرسی

عالمی گوید : هر که علم می خواهد بر پنج چیز مواظبت می کند:

۱- پرهیزکاری در آشکارا و پنهان ۲- خواندن آیت الکرسی ۳- همیشه با وضو بودن ۴- نماز شب خواندن حتی

اگر دو رکعت باشد. ۵- غذا خوردن به منظور نیرو گرفتن نه شکم پر کردن.

سفر

امام صادق (ع) فرمود: سفر را با دادن صدقه و یا با خواندن آیت الکرسی آغاز کنید. کسی که در سفر هر شب آیه

الکرسی را بخواند هم خودش در سلامت باشد و هم چیزهایی که همراه اوست.

حاجت

اگر برای کسی کار مهمی پیش آمده باشد و بخواهد که زود انجام شود و به صحرایی رود که در آنجا کسی نباشد و

خطی دور خود بکشد و رو به قبله با تواضع بنشیند و ۷۰ بار آیه الکرسی را بخواند . بدون شک در آن روز

حاجات او بر آورده شود . این کار تجربه شده است و شکی در آن نیست.

رسول اکرم (ص) فرمودند: هرگاه برای حاجت از خانه ی خود بیرون آمدی آیه الکرسی را بخوان که حاجتت به

خواست خدا برآورده گردد.

امام علی (ع) فرمودند: هرگاه یکی از شما اراده حاجتی کند پس صبح روز پنج شنبه در طلب آن بیرون رود و در

وقت بیرون رفتن آخر سوره آل عمران ( آیه ۹۰ تا آخر) و آیه الکرسی و سوره قدر و حمد را بخواند ، زیرا که

در خواندن این ها حوائج دنیا و آخرت برآورده می شود.

در روایت آمده است هر کس آیت الکرسی را در وقت غروب بخواند حاجتش برآورده گردد.

## خواص آیه الکرسی

فایده اول - اینکه ده موضع است در آیت الکرسی که وقف است هرکه در وقت تلاوت آن ملاحظه نماید و به هر

وقف که برسد بایستد و یک انگشت تا کند ابتدا از انگشت خنصر دست راست که همان انگشت کوچک است

شروع کند تا به انگشت ابهام که همان انگشت شصت است و سپس دست چپ نیز به همین ترتیب و آنچنان دست

فراهم آورد و متوجه درگاه بینباز شود بر مراد و مطلبی که دارد طلب نماید بعد از آن سه مرتبه سوره الم نشرح را

بخواند و سه مرتبه قل هو الله احد بعد از آن ابتدا فتح را از انگشت ابهام دست چپ آغاز نماید و هر انگشت را به

فاتحه بگشاید و دستها را به جمیع اعضای خود بمالد و سه مرتبه بر خود بدمد از جمیع امراض علل در امان خدا

قرار گیرد .

فایده دوم - اگر کسی را مهمی پیش آید که در آن عاجز و معطل بماند و علاج آنرا نتواند بایستی که غسل نماید و

وضو سازد و به نیت آن مهم آیت الکرسی را تلاوت کند و چون به میان یشفع عنده که وسط دو عین است برسد

نیت و مهم خویش از خاطر بگذراند البته آن مهم مطابق دلخواه او برآید و اگر کسی را دشمن صعبی باشد که به

هیچ وجه با او مقاومت نتواند به نیت مقهور ساختن او و مغلوبی آن شخص مشغول تلاوت گردد و چون به وسط

دو میم یعلم ما بین ایدیهم رسد آن شخص و نیت خویش از خاطر بگذراند البته آن ظالم مقهور گردد و خواننده بر

او ظفر یابد و این عمل از جمله مجربات است .

فایده سوم - به جهت عزت هر آنکه خواهد در نزد ملوک و بزرگی و در نزد دشمن و دوست عزیز و مکرم گردد سه مرتبه آیت الکرسی بخواند و بر کف هر دو دست خود بدمد و به صورت خود مسح کند در نظر خلائق عزیز و مکرم گردد و جمله با وی مهربان شوند.

فایده چهارم - به جهت محبت بین دو حلال زوج و زوجه اگر بخواند میان زن و شوهری که مهرشان نسبت به یکدیگر تقلیل یافته است محبت زایدی برقرار گردد چنانکه یک ساعت نتوانند از یکدیگر جدا شوند در مسجد جامع شش رکعت نماز بخواند اینگونه که هر دو رکعت به یک سلام و در هر رکعت بعد از یکبار خواندن حمد هفت مرتبه آیت الکرسی را بخواند و چون از این نماز فارغ آید چهل و یکبار آیت الکرسی بخواند و بعد از آن چهل و یک دانه فلفل سفید که همراه دارد به جهت ایجاد محبت بین آنها در آتش اندازد یا چنانچه مایل به انجام اعمال آتشی نیست میتواند آن دانه ها را زیر خاک پاکی دفن نماید در محلی که قدم بر آنجا نهند و پای بر آنها نگذارند انشا الله بهبود یابند.

فایده پنجم - به جهت ازدواج برای عقد نکاح مطالب آیت الکرسی را بر شش دانه مویز یک به یک بخواند و یکبار بر جمیع آنها بخواند انگاه به مطلوبه بدهد تا میل نماید فوق العاده موثر است .

فایده ششم - اگر خواهد به نیکویی و حلال کسی را از مکان دوری بیاورد بستاند پاره کشته زرد و عود خام و دخنه مریم و آنها را باهم بیامیزد و ۴۱ بار آیت الکرسی را بر آنها بخواند به اسم آن شخص و مادر او و به هنگام زوال آفتاب دود کند آن مسافر یا غایب هر چقدر دور باشد به سرعت حاضر گردد و شتابان باز آید .

فایده هفتم - به جهت بستن زبان دشمن و شخصی که بدگویی میکند بایستی ایت الکرسی را به نام او و نام مادر او

اگر میداند بنویسد و در خانه تاریکی سرنگون بیاویزد که زبان آن بدگو بسته گردد .

امام سجاد(ع) فرمود که رسول خدا(ص) فرموده است، هر کس ۴ آیه از اول سوره بقره و آیه الکرسی را با ۲ آیه بعد

از آن و ۳ آیه آخر سوره بقره را تلاوت کند هیچگونه بدی و ناراحتی در جان و مال خود نمی بیند و دیو لعین به

وی نزدیک نمی شود و قرآن را فراموش نمی کند.

خواندن آیه الکرسی وقت خوابیدن:

حضرت علی (ع) فرمودند:

پیامبر(ص) مرا خواست و فرمود: آنگاه که به بستر خواب رفتی بسیار استغفار کن و صلوات بفرست و زیاد قل هو

الله احد(سوره توحید) را بخوان که نور قرآن است و بر تو باد به قرائت آیه الکرسی که در هر حرف آن هزار

برکت و هزار رحمت است.

ابراهیم بن مهزم گوید مردی گفت : از حضرت رضا ( ع ) شنیدم می فرمودند : کسی که هنگام خواب آیه الکرسی

را بخواند بخواست خدا به مرضی که او را فلج کند گرفتار نشود و هر کس پس از نماز آن را بخواند گزنده ای به

وی آزار نرساند .

رسول خدا ( ص ) فرمودند : یا علی ( ع ) در هیچ خانه ای این آیه تلاوت نشود مگر اینکه ابلیس لعین سه روز

گرد آن خانه نگردد و یا چهل شبانه روز هیچ جادویی وارد آن خانه نگردد ، ای علی ( ع ) این آیه را به فرزندان

و همسایه گانت یاد بده که هیچ آیه ای برتر از این آیه نازل نشده است ( آیه الكرسي ) .

پیامبر (ص) به حضرت علی (ع) فرمودند:

آنگاه که از منزل در پی حاجتی بیرون شدی آیه الكرسي تلاوت کن، زیرا موجب برآورده شدن حاجت می باشد.

در کتاب ختوم و اذکار ج ۱ نقل شده است: جابر بن عبدالله می گوید رسول خدا (ص) فرمود: خدای تعالی به موسی بن

عمران (ع) وحی نمود هر کس بر آیه الكرسي مداومت کند و بعد از هر نمازی تلاوت نماید خداوند به او دل

شاکران ، مزد پیامبران ، و عمل صدیقان را می دهد و او را مشمول رحمت خود می گرداند و مانعی جز مرگ ما

بین او و بهشت فاصله نیا نداشته است . موسی (ع) عرضه داشت: چه کسی بر آن مداومت می کند خطاب شد ای

موسی : مداومت بر آن نمی کند مگر پیا مبری یا صدیقی و یا کسی که من از او راضی باشم ، یا مردی که شهادت

را روزی او کرده باشم.

در کتاب بحار الانوار، ج ۸۰، ص ۳۱۷ نقل شده است امام باقر (ع) فرمود: هر کس در پس وضو گرفتن آیه الكرسي

را بخواند خداوند ثواب ۴۰ سال عبادت به وی عطا کند مقام او را ۴۰ درجه مرتفع می کند و ۴۰ حوریه به تزویج

اودر می آورد.

هر کس در وقت غروب ۴۱ بار این آیه را بخواند حاجتش روا گردد

امام صادق (ع) فرمود: وقتی پروردگار عالم به این آیات فرمان داد که به زمین فرود بیایید ، آنها گفتند : پروردگارا

به کجا ما را فرو می فرستی؟ بسوی خطاکاران، گنهکاران؟ خداوند به آنها فرمود : پائین بروید که به عزت و جلال

سوگند هیچ کس از آل محمد (ص) و شیعیان آنها را در هر روز بعد از نماز واجبش نخواند مگر اینکه به نظر

مخصوصی در هر روز هفتاد بار به او نظر می کنم و در هر نماز ۷۰ حاجت او را برآورده می نمایم و او را با همه گناهانش می پذیرم.

عمر بن ابی المقدام می گوید از امام محمد باقر (ع) شنیدم که فرمودند: تلاوت آیه الكرسي ۱۰۰۰ بدی از بدیهای دنیوی و ۱۰۰۰ بدی از بدیهای اخروی را زایل گرداند که بدترین بدی در دنیا فقر و بدترین بدی آخرت فشار قبر است.

رسول خدا (ص) فرمودند: کسی که از خانه خارج می شود این آیه را قرائت کند خداوند تبارک و تعالی ۷۰ هزار فرشته را مأمور کند تا برای وی استغفار کنند تا هنگامی که به خانه بر می گردد و چون بخانه در آید فقر را از وی برگرداند

پیامبر اکرم (ص) فرمودند: هر وقت شخص آیه الكرسي بخواند و بر اهل قبور اهداء کند، خداوند از هر حرف آن، ملکی می آفریند که تا قیامت برای آن شخص تسبیح می کند.

عبدالله ابی جعفر می گوید مرا دردی شدید عارض گشت که اطباء از علاج آن عاجز بودند شبی رنجور در این مورد اندیشه کردم که خواب مرا در ربود در خواب دیدم که دو مرد جلو من ایستاده اند و با هم می گویند: این مرد آیه ای را تلاوت نموده که در آن ۳۶۵ رحمت است و اینکه یک رحمت شامل آن مرد گشته، از خواب پریدم و خود را از آن درد رهایی یافتم.

گویند اگر ۳ بار آیه الكرسي را بر آب بخوانند و روی خود را با آن بشویند و دو رکعت نماز کند و در هر رکعت حمد یکبار و آیه الكرسي را یکبار بخواند هر مراد داشته باشد حاصل گردد. انشاء الله.

در کتاب الخصال شیخ طوسی از تفسیر نور الثقلین - ج ۱ ص ۲۵۶ آمده : آیه الكرسي عظیم ترین آیه ای است که

بر پیامبر نازل شد ابوذر رحمته الله علیه می گوید. وارد مسجد شدم دیدم که رسول مکرم اسلام (ص) تنها نشسته .

فرصت را غنیمت شمردم به خدمتش رسیدم و سوالی کردم یا رسول الله (ص) عظیم ترین و بزرگترین آیه ای که

خداوند بر شما نازل کرده کدام آیه است؟ حضرت فرمود آیه الكرسي سپس ادامه داد ای اباندر آنچه در آسمان

هفتگانه می باشد در کرسی مثل حلقه ای است در بیابان بی آب و گیاه افتاده باشد. پیامبر اکرم (ص) با این بیان

عظمت آیه الكرسي را خواست تقریب به ذهن کند . که کرسی چیست و آسمان هفتگانه با آنچه در آن است در

نظر ما چه عظمتی دارد . این آسمان در مقابل کرسی مثل حلقه ای است که در بیابانی افتاده باشد.

در کتاب خواص الایات ص ۱۹ آمده: که فرمودند هر کسی آیه الكرسي را بنویسد و در بالای در دکان ِ یا منزل

بیاویزند مال او زیاد می گردد و هرگز محتاج دیگران نمی گردد.

در کتاب بحار الانوار ، ج ۷۶، ص ۲۹۴ نقل شده پیامبر (ص) به حضرت علی (ع) فرمود : هر کسی در وقت سوار

شدن بر مرکب اعم از حیوان یا هر وسیله دیگر ، آیه الكرسي را بخوند و بگوید (( واغفر ذنوبی لا یغفر الذنوب

الا انت)) خداوند به فرشتگان می فرماید: ( بنده من می داند که تنها آمرزنده گناهان من هستم شما گواه باشید که او

را آمرزیدم ).

رومی نشد از سرّ علی کس آگاه  
آری نشد آگاه کس از سرّ اله

یک ممکن و این همه صفت واجب  
لا حول ولا قوه الا بالله

نقل شده است که اگر کسی در شب ۷۰۷ بار آیه الكرسي را بر قفلی که بسته شده است بخواند مفتوح می شود به

شرط آنکه مشروع و حلال باشد.

فضیلت ؛ اهمیت ؛ ثواب و آثار آیه الکرسی

۱- آیه الکرسی نوری از آسمان است .

۲- آیه الکرسی آیتی از گنج عرش است .

۳- آیه الکرسی باعث ایمنی در سفر است .

۴- آیه الکرسی اعلاء ترین نقطه قرآن است .

۵- ذکر رسول مکرم اسلام در بستر؛ خواندن آیه الکرسی بود .

۶- با خواندن آیه الکرسی انسان دچار هیچگونه آفتی نخواهد داشت .

۷- برای رفع فقر آیه الکرسی موثر است و کمک الهی از غیب می رسد .

۸- همه چیز در آیه الکرسی است یعنی کرسی گنجایش آسمانها و زمین را دارد .

۹- در تنهایی آیه الکرسی بخوانی باعث رفع ترس می شود و از سوی خدا کمک می رسد .

۱۰- آیه الکرسی را در نماز ها ؛ روزها؛ شبهای ایام هفته ؛ سفرها و در نماز شب و دفن میت بخوانید .

۱۱- هنگام خواب نیز آیه الکرسی بخوانید زیرا با عث می شود خداوند فرشته ای نگهبان و محافظت بگمارد تا

صبح سلامت بمانی.

۱۲- هر گاه از درد چشم شکایت داشتی آیه الکرسی بخوانید و آن درد را اظهار نکنید آن درد بر طرف می شود و

از آن عافیت می طلبید .

۱۳- پیامبر اسلام (ص) : در خانه ای که آیه الکرسی خوانده شود ابلیس از آن خانه دور می شود و سحر و جادو

در آن خانه وارد نمی شود .

۱۴- آیه الکرسی پایه و عرش الهی است و هدف از خواندن آن این است که مردم در عبادت جز خداوند کسی را

نپرستند و به ذلت فرو نروند و روح یکتا پرستی ایجاد کنند و از بندگی ناروا آزاد شوند و آیه الکرسی عقلها را

بیدار و اله حقیقی را معرفی و خدای دانا و توانا را به مردم می شناساند .

۱۵- وقت غروب ۴۱ بار آیه الکرسی را بخوانی حاجت روا می شوی . ( ۴۱ بار تا علی العظیم بخوان یعنی

یک آیه ) مجرب است . و برای رفع هم و غم ؛ شفای مریض ؛ درمان درد؛ رحمت خداوند و زیاد شدن نور چشم

آیه الکرسی را مدام بخوانید .

۱۶- اگر مومن آیه الکرسی را بخواند و ثوابش را برای اهل قبول قرار دهد خداوند ملکی را بر او مقرر می کند

که برایش تسبیح کند .

۱۷- آیه الکرسی در مزرعه و مغازه پنهان کردن باعث برکت مزرعه و رونق گرفتن کسب است .

۱۸- از پیامبر نقل نموده اند که : این آیه عظیم تر از هر چیزی است که حق تعالی آفریده است .

۱۹- چند چیز حافظه را زیاد می کند یکی از آن خواندن آیه الکرسی است .

۲۰- هر شب آیه الکرسی را بخوانی تا صبح در امان خدا هستی .

۲۱- هر صبح آیه الکرسی را بخوانی تا شب در امان خدا هستی .

۲۲- آسان شدن مرگ بوسیله آیه الکرسی است .

۲۳- آیه الکرسی عظیم ترین آیه در قرآن است .

۲۴- برای حفظ مال و جان آیه الکرسی بخوان .

۲۵- آیه الکرسی ویرانگر اساس شرک است .

۲۶- آیه الکرسی سید سوره بقره است .

در کتاب ختم و اذکار ص ۲۲ آمده : "هر کس بعد از هر نمازی آیه الکرسی را بخواند از مکر شیطان و وسوسه های آن در امان خواهد بود."

در کتاب بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۳۶ نقل شده است: حضرت رسول (صلی الله علیه واله) فرمود: همانا آیه

الکرسی در لوحی مخصوص از زمرد سبز با مدادی مخصوص نوشته شده است. به خدا قسم روز جمعه ای

نیست مگر اینکه آن لوح پیشانی اسرافیل را به لرزه در می آورد، تسبیح می کند و می گوید: (سُبْحَانَ مَنْ لَا

يَنْتَفَعِي التَّسْبِيحَ إِلَّا لَهُ وَلَا الْعِبَادَةَ وَالْخُضُوعَ إِلَّا لَوَجْهِهِ ذَلِكَ اللَّهُ الْقَدِيرُ الْوَاحِدُ الْعَزِيزُ)

یعنی: پاک و منزله است کسی که جز او سزاوار تسبیح نیست و عبادت و خضوع نیست مگر در برابر او که

تواناست و یگانه و عزیز.

گویند به جهت رفع کرم و ملخ آیه الکرسی را بنویسد و بر ۴ گوشه باغ فروبرند .

گویند اگر ۳ بار آیه الکرسی را بر آب بخوانند و روی خود را با آن بشویند و دو رکعت نماز کند و در هر رکعت

حمد یکبار و آیه الکرسی را یکبار بخواند هر مراد داشته باشد حاصل گردد . انشاء الله .

گویند هر که آیه الکرسی را بنویسد و بر بازوی خود بندد هر جا رود عزیز و محترم شود .

گویند هر گاه آیه الکرسی را بخواند و به انار شیرین بدمد و پس از ۴ ماه به زن حامله دهد فرزندش پسر شود .

در حدیثی از سلمان فارسی ( ره ) است که رسول خدا ( ص ) فرمودند : هر کس آیه الکرسی را با زعفران به

کف دست راست خویش نویسد و آن آب را به زبان خود لبسد و ۷ نوبت چنین کند هرگز چیزی را فراموش نکند

و فرشتگان او را آمرزش دهند .

گویند در شداید و سختیها در مهمات عظیمه قرائت آیه الکرسی ۱۲ مرتبه نافع است و تخلف ندارد .

چون خداوند به کسی لباس نو عطا کند ( بخرد ) وضو بگیرد و دو رکعت نماز با حمد و آیه الکرسی و قل هو الله

احد و انا انزلناه بخواند و شکر کند که عورتش را پوشانده و در میان مردم زینتش داده و بسیار بگوید : « لاحول

و لا قوة الا بالله العلی العظيم » تا در آن لباس دچار گناه نشود و به عدد هر نخی فرشته ای برای او تقدیس و

استغفار و طلب رحمت کند .

هر گاه چشم کسی درد کند آیه الکرسی را با اعتقاد درست بخواند . ان شاء الله شفا یابد .

منبع: quran1404.persianblog.ir

## عجائب قرآن

- سوره الحديد پنجاه و هفتمین ( ۵۷ ) سوره قرآن است و اگر از آخر شمرده شود پنجاه و هشتمین ( ۵۸ ) سوره

قرآن . الحديد به معنای آهن میباشد . در علم شیمی دو تا ایزوتوپ های آهن در طبیعت ، آهن ۵۷ و آهن ۵۸

میباشند این موضوع از کشفیات بشر در ابتدای قرن بیستم است . (در علم شیمی ایزوتوپ عبارت است از :

عناصری که عدد اتمی یکسان دارند ولی عدد جرمی آنها متفاوت است به عبارتی تعداد الکترون و پروتون یکسان دارند ولی در تعداد نوترون ها یکسان نیستند )

- ارزش کلمه " حدید " بر اساس حروف ابجد معادل عدد ۲۶ میباشد یعنی دقیقاً معادل عدد اتمی آهن .

- ارزش کلمه " الحديد " بر اساس حروف ابجد معادل عدد ۵۷ میباشد یعنی دقیقاً معادل شماره سوره الحديد در

قرآن .

( تاریخ پیدایش حروف ابجد را سده های نخست هجری میدانند و شک نداریم که در آن زمان کسی نمی دانست عدد

اتمی چیست ؟ )

\*\*\*\*\*

۲- بیشترین کلمه تکرار شده در قرآن کلمه مقدس " الله " میباشد به تعداد ۲۶۹۹ بار . این عدد در علم ریاضی

جزو اعداد " اول " میباشد یعنی فقط بر عدد ۱ و خودش بخش پذیر است .

\*\*\*\*\*

۳- سوره مبارکه حج در قرآن بیست و دومین ( ۲۲ ) سوره میباشد . شهر مکه و کعبه از لحاظ جغرافیائی بر روی

پهنای بیست و دومین مدار از عرض جغرافیائی قرار دارند .

درباره حروف مقطعه :

اوائل سوره هایی چند از قرآن مجید اصطلاحی به نام حروف مقطعه آمده است که در اول بیست و نه ( ۲۹ ) سوره

از سور قرآن قرار دارد و بیست و شش (۲۶) سوره از این تعداد «مکی» و سه سوره دیگر «مدنی» است .  
در مورد این حروف چه در قرآن و چه در احادیث و روایات مطلبی که از حقیقت معنایی این حروف پرده بردارد  
نیامده است . از این رو همواره به عنوان موضوعی پیچیده باقی مانده و مفسران قرآن درباره آنها نظریات مختلفی  
ارائه داده اند . نظر اکثر مفسرین اینست که قرآن به این حروف اشاره صریحی نداشته است و در قرآن کریم یا  
احادیث نبوی غیر از آنچه یاد شد هیچ نشانه یا حدسی که بتواند بحث پیرامون حروف مقطعه اوایل سوره ها هدفی  
را مشخص کند وجود ندارد.

البته باید گفت ، صحیح نیست که در قرآن چیزی یافت شود که فهم آن از ذهن ما خارج باشد در صورتی که قرآن  
در منتهی درجه فصاحت و بلاغت است و رهبر به سوی سعادت و سبب تکمیل نفوس مردم می باشد و آیه آیه ۹  
سوره بنی اسرائیل «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ» و آیه ۱۷۴ سوره نساء می فرماید: «قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِنْ  
رَبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا» .  
بمجموع این کتاب شریف اشاره دارد . اگر چه می توان گفت که بعضی از مواقع  
بنا به اقتضاء حکمت و مصلحت برخی از مطالب در قالب بعضی از الفاظ سر بسته بیان می شود که درک آن  
بدون دقت و ضمیمه مطالب دیگر بآسانی میسر نمی گردد.

و به همین دلیل مفسرین برای تحقیق درباره آنها تلاش زیادی کرده اند و به بحر عمیقی داخل گشته اند ، حبیب الله  
نوبخت نویسنده کتاب دیوان دین معتقد است که حروف مقطعه در اوائل سوره ها عنوان مطالب آن سوره هاست  
البته مختصر و منحوت عنوان . ولی نظریات این عده فقط نظریات فردی است و مورد قبول دانشمندان قرار  
نگرفته است ، از این رو دانشمندان این حروف را جزو اسرار و رازهای پنهانی خداوند می دانند که جز خداوند  
متعال و راسخین در علم ، کسی به سرّ آن ها آگاهی ندارد و همگی بر این نظر تأکید دارند که خدا به مقصود

خویش آگاه تر است. «سَرّ من اسرار الله استأثره الله بعلمه»

زان گونه پیام ها که او پنهان دارد \*\*\*\*\*يك ذره بصد هزار جان نتوان داد.

## حروف مقطعه قرآن :

قرآن ۱۱۴ سوره دارد و در ۲۹ سوره ملاحظه می کنیم که بعد از «بسم الله الرحمن الرحيم» سوره با حرفی آغاز

شده است که در اصطلاح مفسران آنها را «فواتح السور» یا «حروف نورانی» و یا «حروف مقطعه» می نامند .

این حروف مقطعه در ابتدای سوره ها ، يك حرفي، دو حرفي، سه حرفي، چهار حرفي یا پنج حرفي هستند که به

ظاهر معنای روشنی ندارند . حروف مقطعه به قرار ذیل است :

«الم- الم- المص- الر- الر- الر- المر- الر- الر- كهيعص- طه- طسم- طس- طسم- الم - الم- الم- الم- يس- ص- حم-

حم- حمصق- حم- حم- حم- ق- ن »

این حروف به ترتیب در اوایل سوره های « بقره ، آل عمران ، اعراف ، یونس ، هود ، یوسف ، رعد ، ابراهیم ،

حجر ، مریم ، طه ، شعرا ، نمل ، قصص ، عنکبوت ، روم لقمان ، سجده ، یس ، ص ، مومن ، فصلت ، شوری ،

زخرف ، دخان ، جاثیه ، احقاف ، ق ، قلم» هستند.

اگر این حروف جمع شوند و مکررات آنها حذف شود ، درست نصف حروف بیست و هشتگانه (۲۸) الفبای

عربی یعنی چهارده (۱۴) حرف خواهند بود . این حروف را در عبارت « صراطِ سَـطِـر عَلِیِّ حَقِّ نُسْـیْـكُـهُ » به

معنای «راه علی حق است ما به آن چنگ می زنیم» یا «علی صراط حق نمسکه » یا «علی حق ، نمسك صراطه

» گردآوری کرده اند و اهل نست نیز می توانند برای تأیید راه خود با همین حروف جملاتی مانند « صریح

طریقك مع السنه » را بسازند؛ یعنی ، راه و روش تو در صورت هماهنگی با سنت (برداشت خاص اهل سنت از

اسلام) صحیح است. و این حروف (حروف مقطعه با حذف مکررات ) ، نصف حروف هجا است چون اثبات

اعجاز نصف هدف آیات قرآن است. سال ها بعد از نزول قرآن که برای زبان عرب قواعدی و علمی وضع شد

حروف را نیز از حیث کیفیت تلفظ تقسیم کرده و هر قسمتی را بنامی نامیدند. اینك می بینیم که این چهارده حرف

اول سوره ها درست مشتمل بر نصف تمام آن اقسام است یعنی نصف مهموسه و نصف مجهوره و نصف شدیده و

رخوه و مطبقة و منفحة و مستعلية و منخفضة و قلقله (آقای شهرستانی حروف هر يك از اقسام را ذکر کرده و

شمرده‌اند) و همچنین بین حروف مقطعه هم حروف نقطه دار و هم حروف بی نقطه و هم حروف شمسی و هم

حروف قمری و هم حروف متصل و هم حروف منفصل هست .

از یکصد و چهارده (۱۱۴) سوره قرآن پنجاه و شش (۵۶) سوره مکی و بیست و هشت (۲۸) سوره مدنی هستند که

از (۵۶) سوره مکی قرآن (۲۶) سوره ی آن و از (۲۸) سوره مدنی (۳) سوره ی آن ابتدایشان حروف مقطعه آمده

است . یعنی غالب سوره های حروف مقطعه دار (۲۶) سوره از (۲۹) سوره مکی هستند . و به عبارت دیگر هر

سوره‌ای که در اول آن حروف مقطعه آمده مکیه است بجز سوره بقره و آل عمران اما سوره رعد اختلافی است.

همچنین بعد از حروف مقطعه معمولاً نام و یادی از کتاب و قرآن و ذکر و وحی و نوشته و . . . در میان می آید .

اما در معانی این حروف ، مفسران قدیم و جدید نکات جالبی گفته اند که شاید هر کدام بخشی از اسرار وجود در

این حروف بیان کرده باشند .

به عبارت دیگر حروف مقطعه در اوائل سوره‌های مختلف وجود دارد که در برخی از موارد این حروف بطور

بسیط بکار برده شده مانند « ص » در اول سوره ۳۸ (ص) و « ق » در اول سوره ۵۰ (ق) و « ن » در اول

سوره ۶۸ (القلم) و در بعضی از موارد فواتح سور از دو حروف متشکل می باشد که مجموعاً ده سوره هستند که

هفت مورد آن با « حم » شروع می شوند و آنها عبارتند از سوره‌های: غافر - فصلت - شوری - زخرف - دخان -

جاثیه - احقاف - و مورد هشتم و نهم و دهم عبارتند از سوره‌های : طه - طس - یس . و سیزده سوره دیگر که فواتح

آنها از سه حرف شروع گردیده عبارتند از . بقره - آل عمران - عنکبوت - روم - لقمان - سجده - یونس - هود - یوسف -

ابراهیم - حجر - شعراء - قصص . و دو سوره از قرآن با چهار حروف شروع شده و آنها عبارتند از سوره اعراف و

سوره رعد و فقط سوره « کهیعص » است که با پنج حرف آغاز گردیده است . البته اگر در سوره فصلت نیز «

حمسق » را يك مجموعه بحساب آوریم میتوان گفت که در آغاز دو سوره از سوره‌های قرآن حروف مقطعه

پنجگانه وجود دارد و با توجه بمطالب فوق مجموعاً بیست و نه سوره با حروف مقطعه شروع شده است.  
البته متذکر شویم که حروف مقطعه با ذکر مکررات عبارتند از : « ا ، ح ، ر ، س ، ص ، ط ، ع ، ق ، ك ، ل ، م ، ن ، ه ، ي » که گاهی آنها را " حروف نورانی " نیز می‌نامند.

## منظومی از حروف مقطعه در قرآن :

هستی مطلق ز غیب ذات خویش \*\*\* خواست گردد جلوه‌گر ز آیات خویش  
از احد کاتلاق ذات الله بد \*\*\* گشت ظاهر در صفات الله شد  
صورت الله دانی گر مقام \*\*\* شد محمد ص مظهر جامع بنام  
ممکنات از بحر او مانند موج \*\*\* منشعب شد فرقه فرقه فوج فوج  
زان سبب موصوف بر لولاك شد \*\*\* باعث ایجاد آب و خاک شد  
کرد اشارت از الف و زلام و میم \*\*\* زین سه رتبه بعد رحمن و رحیم  
خود الف بود آنکه آمد لام شد \*\*\* لامع آن شمس الاحذر اکرام شد  
لام را باشد نهایت حرف میم \*\*\* نیک دریاب این اشارات عظیم  
زین سه رتبه در کتاب انسان که بود \*\*\* ابتداء فرمود سلطان وجود  
از مقامات ثلاث آغاز کرد \*\*\* باب رحمت بر خلائق باز کرد  
تا تو دانی انفس و آفاق را \*\*\* سرّ این تقیید و آن اطلاق را  
از پس سبع المثانی کاندن آن \*\*\* حمد خود آموزد او بر بندگان  
از الف کرد ابتداء و زلام و میم \*\*\* تا ز حادث راه یابی بر قدیم  
این اشارت بر سه رتبه است از وجود \*\*\* گر مراتب را شناسی با شهود  
اول الله است و ثانی جبرئیل \*\*\* عقل فعال اوست از روی دلیل  
منتهی باشد محمد ص در نمود \*\*\* ز آنکه دارد جامعیت در وجود  
فیص هستی جبرئیل ذو العطاء \*\*\* ز ابتداء گیرد دهد بر منتها  
گفت جمع عالم این است ای وجیه \*\*\* یا عبادی فاعلموا لا ریب فیه

سخنی از گذشتگان :

در کتاب «الاتفاق» جلد دوم صفحه ۹ آمده است که از متشابهات اوایل سور آن است که اینها اسراری است که

جز خداوند کسی بدان آگاه نیست و این موضوع را دیگران نیز تأکید کرده اند .

از الشعبي منقول است که از او درباره حروف آغاز سوره سؤال شد او گفت : برای هرکتابی سری است و سر

این کتاب حروف آغاز سور آن است .

از ابن عباس نقل شده است که مراد از «الم» در سخن خدا آن است که «انا الله أعلم» و همچنین در مورد «

المص» ( انا الله افضل ) و نیز در مورد «الم» ( انا الله أرى ) .

از سعید بن جبیر از ابن عباس نقل شده است که «الر - حم - ن» صورت پراکنده ای از «الرحمن» است اما

مقصود از این کار چه بوده است ؟

ابوالشیخ از محمد بن کعب القرظی نقل می کند که : «الم» از الرحمن گرفته شده است . همچنین از قول او نقل

شده است که در «المص» «الف» از «الله» و «م» از «الرحمن» و «ص» از «الصمد» گرفته شده است و این

چیزی شبیه به همان مورد قبلی است .

از الضحاک نقل شده است که معنای آن المصور است و نیز گفته شده که معنای آن « انا الله اعلم» است . طبق

نظری دیگر حروف آغاز سوره سوگندهایی است که خداوند بدان قسم یاد کرده است و آنها در زمره نام های

پروردگار هستند . در این نظر استناد بدین روایت می کنند که حضرت مولی الموحدين علي (عليه السلام) يك قسم

یاد کرده است : «أَسْأَلُكَ يَا كَهَيْعَص» به معنای مرا مورد عفو قرار بده و باز از این به نظر می آید که آن اشاره به

اسماء حسنی است از قبیل کافی هادی و غیره .

## خلاصه ای از مهمترین نظریات درباره حروف مقطعه :

در اینجا خلاصه ای از مهمترین نظرات را از نظر می گذرانیم . البته از ذکر تأویلات و نکاتی عرفانی خودداری

شده است :

(۱) اسم اعظم خداوند. بطوري که اگر خوب ترکیب نمایند باسم اعظم الهی دست می یابند لکن ما نمی توانیم و نمی دانیم آنها را چگونه باید جمع نماییم.

(۲) اینها اسامي قرآنند. کلبی و سدی و قتاده به همین نظریه معتقدند.

(۳) این حروف جنبه سوگند دارند و خداوند به آنها قسم یاد کرده است .

(۴) حروفي است از حروف هجا که موضوعند براي ترکیبات .

(۵) حروفي هستند که هریک از آن به معنایی اشاره دارد .

(۶) اسرار قرآنند چنانچه برای هر کتابی سرّی است .

(۷) در اوایل سوره آورده شده تا ابتدای سوره و انتهای سوره سابق را تعیین نمایند .

(۸) این حروف از مختصات قرآن کریم است و در سایر کتابهای آسمانی مانند تورات و انجیل سابقه ندارد.

(۹) اسامي سوره هایی هستند که در آن قرار گرفته اند و مرحوم شیخ طوسی این معنی را پسندیده و می گوید

بهترین معانی همین معانی است که بگوییم این حروف اسامي سوره ها هستند. سیبویه و خلیل و بیشتر متکلمین به

همین نظریه معتقدند زیرا در میان اعراب رسم چنین بود که بحروف نامگذاری می کردند چنانکه پدر حارثه نامش

لام بود و مس را صاد و نقد را عین و ابر را غین و ماهی را نون می نامیدند و قفال هم که یکی از علمای معتزله

است این قول را پذیرفته است و به اعتقاد این عده مفهوم کلی این سوره ها مدلول حروف مقطعه ای است که در

اوائل این سوره ها ذکر گردیده است.

(۱۰) گفته اند این حروف به حساب جُمْل پیش بینی سال بعضی حوادث مهم است . طرفداران علوم غریبه بر این

نظریه زیاد تأکید می کنند .

(۱۱) این حروف رمز مطالب سوره مربوطه است . مثلاً در سوره هایی که «حم» در ابتدای آن ها آمده است بحث

«حیات و موت» در میان است یا « طسم» رمز « طیر و طیور» و « سلیمان و سبا» و « موسی» است و یا «

الم» به معنای « الله» و « جبرئیل » و « محمد» است .

(۱۲) آوردن این حروف بدین منظور است که خواننده و شنونده توجه کند که قرآن که معجزه است از همین حروف

معمولی ساخته شده است . با این افراد بشر از آوردن مانند آن یا مثل بخشی از آن عاجزند؛ مثل آنکه در کنار

ساختمان عظیمی تکه های مصالح ساختمانی ببینیم و بدانیم از همین مصالح ساخته شده است ولی خود ما از

ساختن مانند آن ناتوان باشیم .

گفته اند این حروف رمزی میان خدا و پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) است . اگر اشکال شود که فایده اش

برای بشر که آنرا نمی فهمد چیست در پاسخ گفته شده که در ظهور حضرت حجت (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

ایشان معانی این حروف را بیان خواهند کرد و این از نشانه های صدق آن حضرت است .

بین المحبین سر لیس یفشیه \*\*\* قول و لا قلم للخلق یحکیه

(۱۳) گفته اند همچنان که در کتاب تکوین یعنی عالم هستی معلومات و مجهولاتی هست به موازات آن در کتاب

تشریع یعنی قرآن هم معلومات و مجهولاتی باید باشد . و حروف مقطعه نشانه مجهولات و نقاط سیاهی است که

برای بشر قابل فهم نیست .

(۱۴) گفته اند کفار و مشرکان هنگامی که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آیات قرآن را تلاوت می کرد همه

می کردند . بر زبان آوردن این حروف از طرف مردی امی ایجاد تعجب و سکوت می کرده و حضرت موفق می

شده است آیات را تلاوت نماید . چنانکه می فرماید : « لا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَالْغَوْا فِيهِ » . مکی بودن غالب

سوره هایی که با حروف مقطعه شروع می شود این نکته را تقویت می کند .

(۱۵) گروهی از مفسرین می گویند که این حروف اشاره با اسماء الله است ؛ لذا الف در « الم » اشاره به انا لام

اشاره به الله و میم اشاره بعلم اوست یعنی « انا الله اعلم » ولی بعقیده ابن عباس الف در « الم » اشاره بر لفظ

جلاله الله لام بر اسم جبرئیل و میم اشاره بر اسم محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) می باشد و شاید اشاره به این

باشد که الله بواسطه جبرئیل قرآن را به محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) فرستاده است.

(۱۶) برخی از مفسرین نوشته اند: هر حرفی از حروف مقطعه ای اوائل سور مفتاح اسمی از اسماء الله است و

نیست در آن حرفی مگر آنکه راجع بثناء و آلاء حق تعالی است.

بعضی گفته اند حروف مقطعه اوائل سور بخاطر این بوده است که سبب سکوت شنوندگان گردد زیرا مشرکین بنا

گذاشته بودند که به سخنان پیامبر اکرم گوش ندهند چنانکه می فرماید : « وَ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ

وَ الْغَوَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَعْلَمُونَ » [۵] اما وقتی این کلمات نامأنوس را می شنیدند موجب سکوت آنان می شد.

(۱۷) برخی از مفسرین چنین بیان کرده اند: در الم سه معنی مندرج است که با مقام الوهیت مناسب می باشد :

۱. الف یکی است هم در ذات و هم در صفات و هم در وضع و حساب خداوند نیز هم منفرد بوجود حقیقی است

از لا و ابد و هم منفرد بصفات ذاتی است. «كان الله و لم يكن معه شيء»

۲. الف مستقیم است و از کثرت حروف تغییری در آن حاصل نمی شود وجود پروردگار متعال نیز ثابت و پایدار

است و کثرت موجودات تغییری در وحدتش نمی دهد.

۳. الف مصدر تمام حروف است و باستقامت آن حروف معوجه استقامت می یابند وجود خداوند نیز مبدا تمام

موجودات است و از حقانیت او موجودات محقق و ثابت می گردند و با اتصال لام و میم روشن میشود که

موجودات غیر از ذات حق، موصوف بدوئیت است و وحدت حقیقی منحصر بذات حق تعالی است و لام در الم

بدو معنی اشاره دارد یکی اثبات حقانیت و مالکیت حق تعالی. لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ و دیگری نفی وجود

غیر، بدین معنی موجود حقیقی نیست مگر او. «ليس في الدار غيره ديار».

(۱۸) از دعای امام سجاد علیه السلام فهمیده می شود که مراد از جمیع حروف مقطعه که مقتدرن بلفظ کتاب یا قرآن

است مانند: المص كِتَابٌ أُنْزِلَ إِلَيْكَ- يس وَ الْقُرْآنِ الْحَكِيمِ- ق وَ الْقُرْآنِ- حم تَنْزِيلُ الْكِتَابِ نام مقدس حضرت محمد

(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ) است که خداوند متعال بآن قسم می خورد لذا معنی الم چنین می شود: قسم بنام محمد

(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ) .

(۱۹) اهل تحقیق گفته اند که الف از اقصای حلق که اول مخارج است ادا میشود و لام از طرف زبان که اوسط

مخارج است و میم از لب که آخر مخارج است گفته میشود و الم اشاره باین مطلب است که بنده خدا بایستی در

اول و وسط و آخر افعال و اقوال خود بیاد حق تعالی باشد.

(۲۰) بنظر بعضی از مفسرین این حروف علامت پاره ای از واژه های عربی است که قبلا در ادبیات عرب رایج

بوده است.

۲۱) حروف مقطعه اوائل سور بجهت آماده ساختن پیامبر اکرم برای دریافت وحی می باشد.

اقوالی درباره هریک از حروف مقطعه قرآن :

«کهیصص» : این کلمه که از پنج حرف تلفیق شده در اول سوره مریم قرار گرفته است . در تفسیر برهان از کمال

الدین صدوق نقل شده که سعدابن عبدالله قعی محضر حضرت امام حسن عسگری علیه السلام رسید خواست

مسائلی از آن حضرت سؤال کند امام فرمودند : از نور چشم من حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

بپرس . سعد گفت : یابن رسول الله از تأویل «کهیصص» با خبرم فرما. آن حضرت فرمود: « این حروف از اخبار

غیبی است که خداوند بنده اش زکریا را به آن واقف کرد . سپس بر محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) حکایت

فرمود بدین بیان که زکریا (علیه السلام) از خدا خواست نام های پنج تن را به او بیاموزد جبرئیل آمد و تعلیم کرد

زکریا هر وقت نام های «محمد علی فاطمه حسن» (علیهم السلام) را یاد می کرد غصه اش برطرف می شد و

چون نام حسین (علیه السلام) را یاد می نمود گریه گلوگیرش می کرد و دلش می لرزید . روزی گفت : خدایا چرا

در چهار ذکر اول غصه ام زدوده می شود و در ذکر حسین اشکم روان می گردد و لرزه دلم بالا می گیرد؟ خدا از

ماجرای حسین (علیه السلام) به وی خبر داد و فرمود : «کهیصص» «کاف» اسم کربلا – «هاء» هلاک و شهادت

عترت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) – «یاء» یزید لعنت اله علیه و او ظالم حسین (علیه السلام) است –

«عین» عطش آن حضرت و «صاد» صبر او می باشد.»

در صافی آن را از کمال الدین نقل کرده و می گوید در مناقب نظیر آن نقل شده است . در مجمع نقل کرده که

امیرالمومنین (علیه السلام) در دعایش می گفت: « اسئلك یا کهیصص» . از این به نظر می آید که آن اشاره به

اسماء حسنی است از قبیل کافی و هادی و غیره .

« الم » : در تفسیر امام حسن عسکری (علیه السلام) نقل شده که آن حضرت فرمودند معنی « الم » آن است : این

کتابی که فرستادیم مرکب از حروف تهجی است که لغت شما هم از آن ترکیب می‌شود اگر شك دارید که از طرف خداوند است پس نظیر آن را بیاورید.

امام رضا (علیه السلام) فرمودند: از صادق آل محمد علیه السلام از معنی «الم» پرسیدند وی پاسخ دادند: الف

شش صفت دارد که با شش صفت خداوند متعال مطابقت دارد:

۱. الف ابتداء حروف است حق تعالی هم مبدء تمام مخلوقات است.
۲. الف منفرد از همه حروف است خدا هم منفرد بوجود است.
۳. الف بحروف متصل نیست ولی حروف بآن متصلند همینطور خلق بحق متصلند ولی خدا بچیزی متصل نیست و همه مخلوقات باو محتاجند و او بکسی محتاج نیست.
۴. الف منقطع و مباین از حروف است خدا هم منقطع و مباین از خلق است.
۵. الف سبب ترکیب و تألیف حروف است خدا هم سبب تألیف و ترکیب موجودات است.
۶. الف مستقیم و مستوی است خداوند هم عادل و درستکار است.

تفسیر قمی از ابی بصیر از امام جعفر صادق (علیه السلام) روایت کرده که آن حضرت فرمودند: «الم» حرفی

است از حروف اعظم آفریدگار که حروف آن جدا از یکدیگر ذکر شده و اگر پیامبر اکرم و اوصیاء او علیهم السلام

آن را ترکیب نموده و خداوند را بآن نام بخوانند درخواست آنان اجابت خواهد شده.

تفسیر برهان از امام جعفر صادق (علیه السلام) نقل کرده که «الم» در اول سوره بقره بمعنی «انا الله الملك» است.

ابو اسحق ثعلبی در تفسیر خود روایتی از علی بن موسی الرضا (علیه السلام) نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

از امام جعفر صادق (علیه السلام) راجع به «الم» سؤال کردند و ایشان در پاسخ فرمودند: الف راجع به شش

صفت از صفات خداوند می باشد:

(۱) ابتداء زیرا خداوند است که آفرینش همه مخلوقات را آغاز کرد و الف نیز ابتداء و آغاز همه حروف تهجی

است.

(۲) استواء چون خداوند مستوی و عادل و راست است الف نیز راست بوده و میل و انحرافی از طریق اعتدال و

استواء در آن وجود ندارد.

(۳) افراد خدا فرد و تنها است الف نیز چنین است.

(۴) الف بحروف متصل نیست ولی حروف بآن متصلند همینطور خلق بحق متصلند و خدا بچیزی متصل نیست و

همه باو محتاجند و او بکسی محتاج نیست.

(۵) الف منقطع و مباین از حروف است خدا هم منقطع و مباین از خلق است.

(۶) الف مبدء تألیف حروف است خدا هم منشاء الفت مردم و خلق با یکدیگر می باشد.

« الم » در سوره آل عمران :

۱. بمعنی انا الله المجید است.

۲. الف در الم اشاره به الله و لام به لطیف و میم اشاره به مجید است.

۳. الف در الم اشاره به الله و لام اشاره به جبرئیل و میم اشاره به محمد است یعنی خدا قرآن را بواسطه جبرئیل به

محمد صلی الله علیه و آله نازل کرده است.

۴. الف در الم اشاره به احد و لام اشاره به لطیف و میم اشاره به ملک است یعنی: الاحد اللطیف الملك.

۵. الف در الم اشاره بنام مقدس الله و لام اشاره بقاء حق و میم اشاره بمحبت الهی در مخلوق است.

۶. روح البیان می نویسد: در قرآن برای قیام گفته شده قوموا لله و برای رکوع گفته شده « و ارکعوا » و برای

سجود گفته شده « و اسجدوا » پس الف اشاره به قیام در نماز و لام اشاره به رکوع و میم اشاره به سجود است.

«المر» : از ابن بابویه مسندا از حضرت صادق علیه السلام فرمود : ( المر معناه انا الله المحیی و الممیت الرازق

).

«طه» : به نظر صاحب کتاب دیوان دین «طاء» مختصر کلمه طور و «هاء» مختصر کلمه هدایت است و این

دو حرف نماینده تمام مطالب سوره می باشد و این کلمه عنوان سوره است . عنوانی که از آن بهتر و جامع تر

نیست .

گفته : موضوع سوره داستان پیغمبری موسی (علیه السلام ) است و کوه طور و هدایت شدن وی جانب آتش که از

قله طور به نظر آورد . بعد از آن به طور رفت و خدا با او سخن گفت . به جانب فرعون هدایت شد تا او را

هدایت کند . . . .

در مجمع فرموده : روایت است رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) یکی از دو پایش را در نماز بلند نگه می

داشت تا رنجش بیشتر باشد خدا نازل فرمود :

« طه . مَا أُنْزِلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِنَشْفِيَ » از آن به بعد هر دو پایش را به زمین گذاشت این قول در کشف از حضرت

امام صادق (علیه السلام) نقل شده است .

در میزان از تفسیر قمی از امام محمد باقر و امام صادق (علیهما السلام) نقل است که رسول خدا (صلی الله علیه و

آله و سلم) چون نماز می خواندند بر انگشتان دو پایش می ایستاد تا ورم می کرد خداوند نازل فرمود:

« طه . مَا أُنْزِلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِنَشْفِيَ . إِلَّا تَذَكُّرَةً لِّمَنْ يَخْشَى » . ناگفته نماند اگر « طه » نام آن حضرت باشد تسمیه

از جانب خداست وگرنه قبلاً چنین نامی برای آن حضرت معلوم نبود و باید دید این لفظ چه معنایی دارد که خدا آن

حضرت را با آن نامیده اند و اگر اشاره به طور و هدایت باشد می شود گفت منظور آن است که ای رسول خدا

(صلی الله علیه و آله و سلم) طور و هدایت موسی را ببین که چطور بالاخره موسی موفق شد بدان که قرآن برای

مشقت تو نیست بلکه تذکری است تو هم بالاخره در ترویج آن موفق خواهی بود .

«یس» : در مجمع فرموده محمد بن مسلم از ابی جعفر باقر (علیه السلام) نقل کرده رسول خدا (صلی الله علیه و آله

و سلم) را دوازده اسم است پنج تا از آنها در قرآن است : «محمد - احمد - عبدالله - یس و نون»

در حدیث از علی بن ابراهیم از حضرت صادق (علیه السلام) است (یس اسم رسول الله است و الدلیل علیه انک

لمن المرسلین)

و از محمد بن مسلم از حضرت باقر فرمود : ( ان لرسول الله اثنی عشر اسماً خمسة فی القرآن : محمد ، احمد ، عبد

الله ، یس ، ن )

لکن اسماء مقدسه آن حضرت در قرآن بیش از اینها است چنانچه از حضرت صادق (علیه السلام) مرویست : (

له عشرة اسماء محمد و ما محمد الا رسول احمد یأتی من بعدی اسمه احمد عبد الله لما قام عبد الله طه یس ن و القلم

مدثر مزمل ذکر قد انزل الله الیکم ذکرا).

«حم» : کلمه حم در اول هفت سوره از سور قرآن کریم واقع است و آن ها عبارتند از «غافر- فصلت شوری -

زخرف – دخان – جاثیه – احقاف» و در اول سوره شوري كلمه «عسق» بر آن اضافه شده است .

وجه اشتراك اين سوره ها شباهتي است كه به يكدیگر دارند و اين شباهت مخصوص اين چند سوره است و در دیگر سوره ها دیده نمی شود كه هر يك از اين سوره ها با توصیف قرآن شروع شده و نیز از نظر طول به همدیگر نزدیک می باشند و نیز كلمات اين سوره ها از نظر تنظیم بسیار شبیه يكدیگر می باشند .

به عقیده حبیب الله نوبخت نویسنده كتاب «دیوان دین» مطالب سوره هاي «حم» به استثنای سوره شوري همه درباره ي «حیات و موت» است و حرف «ح» در همه آنها مختصر «حیات» و «میم» مختصر «موت» یا ممات» است . آیاتی چند از سوره ها را درباره ي حیات و موت شاهد آورده و از كشف الغمّه اربلي نقل می کند كه امیرالمؤمنین علي (علیه السلام) در صفین برای جنگجویان خود شعاری اختیار کرد و فرمود كه هر كه يك نفر را بكشد یا فریاد بلند كند بگوید «حم» و شریح ابن اوفی از یاران آن حضرت چون نیزه خود را به سینه محمد بن طلحه فرو برد و فریاد كشید «حم» این شعار بدان معنی بود كه اینك حدفاصل میان حیات و ممات . (۴۱۴-۴۱۹ دیوان دین) بنابر قول ایشان «ع س ق» در سوره ي شوري باید اشاره به عیسی سلیمان قیامت باشد ولي در سوره شوري خبري از سلیمان نیست و شاید «س» اشاره به سماوات است كه مكرر در آن سوره یاد شده است .

در المیزان اول سوره شوري بعد از نقل احتمالات می گوید : ممكن است حدس زد كه میان حروف مقطعه و مضامین سوره هايي كه با آن ها شروع می شوند ارتباط خاصی باشد و شاید این سخن معنی آن روایت است كه اهل سنت از حضرت علي (علیه السلام) بنابر قول مجمع نقل کرده اند فرمود : برای هر كتاب صفوه و خالصي است و صفوه این كتاب حروف تهجی است . برخی گفته اند كه «حم» آغاز نام هاي خداوند است كه عبارتست از «حليم، حمید، حكیم، حی، حنان، ملك مجید، مُبْدِي و مُعِيد» و این گفتار عطاء خراسانی می باشد و گفته شده كه «حم» یعنی «قضاء» و انجام شد آنچه بود و این سخن از كلبي نقل شده است . گفته اند خداوند با این لفظ به حلم و ملك قسم خورد : هر كه به خدا پناه برد و با اخلاص از قلب «لااله الاالله» بگوید خداوند او را عذاب نمی كند و

این سخن « قرظی » است .

بعضی گفته اند علت فضیلت سوره شوری از میان سوره های دیگری که «حم» دارد آن ست که در این سوره

«عسق» است زیرا دیگر سوره ها در اول آن از قرآن صریحاً یاد شده است ولی در این سوره «عسق» آمده

است که هر چند صریحاً دلالت بر قرآن ندارد ولی به دلالت تضمینی برآن دلالت دارد و همین است معنی قول قتاده

که می گوید : «عسق» اسمی است از اسماء قرآن . عطاء می گوید حروف «حم و عسق» حروفی است جداجدا که

هر کدام اشاره دارد به یکی از حوادث آینده مثلاً «حاء» اشاره به حرب و «میم» اشاره به «تحویل ملک» و «

عین» اشاره به «عدوی» است که شکست خواهد خورد ، «سین» اشاره به استئصال و گرفتاری مردم به «سال

های قحطی» است مانند سالهایی که حضرت یوسف علیه السلام پیش بینی کرد ، «قاف» اشاره به «قدرت الهی»

است در پادشاهان زمین .

این دو حرف مقطعه یعنی « حم » به موجب آماری که رشاد خلیفه تهیه کرده است، در آغاز هفت سوره متوالی

(سوره های ۴۰ تا ۴۶) مجموعاً در تمام این هفت سوره ۲۱۴۷ بار تکرار شده که مضربی است از عدد ۱۹ (تعداد

حروف بسم الله ...).

« ق » : برخی از مفسران نیز « قاف » را اشاره به بعضی از اسماء الله « قادر » و « قیوم » دانسته اند . اخباری

نقل می کنند که از جبل قاف که محیط بدنیا است از زمرد اخضر و خسرویت آسمان از اوست و ملکی است در آن

نامش ترجائیل و وراء آن جبل هفتاد هزار عالم است اکثر از عدد جن و انس و تمام لعن می کنند فلان فلان را، و

امیر المؤمنین با جمعی از اصحابش رفتند بکوه « ق » و با آن ملک مکالماتی داشتند چون از فهم ما بیرون است و

با اکتشافات امروزه سازش ندارد لذا می گوئیم محتاج بتأویل است و از فهم ما دور است.

در این که این کدام کوه است که بر کره ی زمین یا مجموعه جهان احاطه دارد و منظور از آن چیست اینجا جای

بحث آن نیست ، آنچه لازم می دانیم در اینجا اشاره کنیم اینست که بسیار بعید به نظر می رسد که « ق » در این

سوره اشاره به «کوه قاف» دارد چرا که نه تنها تناسبی با بحث های سوره ندارد بلکه حرف «ق» در اینجا همانند سایر حروف مقطعه ای که در آغاز سوره های قرآن آمده به علاوه اگر منظور از آن کوه قاف بود می بایست با «واو» قسم همراه باشد مانند «والطور» و امثال آن، و ذکر يك کلمه بدون مبتدا و خبر و «واو» قسم مفهومی ندارد. از همه اینها گذشته «رسم الخط» تمام قرآن ها اینست که «ق» بصورت مفرد نوشته و در حالی که «کوه قاف» را بصورت قاف می نویسند ناگفته نماند بنابر قول «دیوان دین» و «المیزان»، میان «ق» و مضامین این سوره ارتباط خاصی است؛ زیرا «ق» مختصر «قیامت» و مضامین سوره ی «ق» درباره ی قیامت است. در این صورت «ق» رمز مطالب سوره است.

در برهان از حضرت صادق (علیه السلام) نقل کرده مفصلاً که مفادش اینست که خداوند در قرآن اسامی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) ذکر فرموده (محمد، احمد، عبد الله، طه، یس، ن و القلم، مدثر، مزمل، ذکر) اقول در قرآن و در اخبار اسامی دیگری هم برای آن حضرت هست رسول، نبی، خاتم النبیین، حبیب الله، امین الله، صفوة الله، صفی الله و غیر اینها ولی در زیارت امیر المؤمنین دارد: (السلام عليك يا طه و یس).

«طسم»: از ابن بابویه است از حضرت صادق (علیه السلام) که فرمود: «طسم فمعناه انا الطالب السميع المبدء المعید»

و از علی بن ابراهیم: «قال طسم حروف اسم الله الاعظم المرموز فی القرآن»

«المص»: چنانچه از ابن بابویه در خبر سعید ثوری از حضرت باقر (علیه السلام) روایت کرده و در بعض اخبار به انقراض دولت بنی امیه تفسیر شده که در سال صد و شصت و يك هجری دولت آنها منقرض شد که آخر آنها مروان حمار بوده و این چهار حرف بحساب ابجد ۱۶۱ می شود: الف ۱، لام ۳۰، میم ۴۰، صاد ۹۰.

هر حرفی کنایه از صفتی است، مانند: «اکرام»، «لطف»، «مجد»، «صدق».

حضرت صادق (علیه السلام) در حدیثی فرماید: «المص» معناه: انا الله المقنن الصادق.

هر حرفی از آن اشاره به اسمی از اسماء الهی است چون: «اله»، «لطیف»، «ملك»، «صبور».

عیاشی و صدوق رحمة الله علیهما روایت کنند که: زندیقی از بنی امیه خدمت حضرت صادق علیه السلام عرض

کرد: قول خدای عز و جل در کتابش «المص» چه چیز اراده فرموده و چه چیز است در آن از حلال و حرام و

چه شیء در آن است که نفع دهد به مردم؟ حضرت به غیظ آمد از این کلام فرمود: وای بر تو «الف» يك، و «

ل» سی، و «م» چهل، و «ص» نود چقدر با تو است؟ گفت: صد و شصت و يك پس فرمود: وقتی منقضی شود

سنه صد و شصت و يك، منقضی گردد ملك اصحاب تو. سپس امام فرمودند: ما نظر کردیم و دیدیم که پس از زمان

مهلت و انقضاء سنه صد و شصت و يك، روز عاشورا مسوده داخل کوفه شدند و از بین بردند ملك ایشان را.

«ن»: این تنها سوره ایست که با حرف مقطّع «ن» آغاز شده است و می فرماید: «ن»

مفسرین اختلاف در معنای «ن» کرده اند، بعضی گفته اند مانند «حم» و «ص» و ... اسمی از اسماء سوره

است. ابن عباس و مجاهد و مقاتل و سدی گفته اند: آن اسم آن ماهی است که زمین ما بر آن قرار دارد ابن عباس

در روایت دیگر می گوید: آن حرف از حروف «الرحمن» است و حسن و قتاده و ضحاک گویند «ن» دوات است

و بعضی گفته اند: «ن» لوحی است از نور و این مرفوعاً از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت شده، از

حضرت ابی جعفر امام محمدباقر (علیه السلام) روایت شده که آن نهري در بهشت بود خدا به او فرمود مداد شو،

پس منجمد و سخت شد و آن سفیدتر از شیر و شیرین تر از عسل بوده است. سپس به قلم فرمود: «بنویس پس قلم

نوشت آنچه بود و آنچه خواهد بود تا روز قیامت».

و بعضی گفته اند: منظور از آن ماهی است در دریا و آن از آیات خدایی است که در آب ایجادش کرده، پس

هرگاه از آب جدا شود خواهد مرد چنانچه حیوان خشکی هرگاه در آب غرق شود خواهد مرد.

بحث روایی درباره ی حروف مقطعه:

در مورد این حروف، جملات و سخنان و روایات بسیاری آمده است ولی قول همه ی آنها معتبر نیست و به همه

آنها نمی توان تکیه زد و ما به یکی از آنهايي که معتبرند اشاره ای خواهیم داشت.

شیخ صدوق علیه الرحمہ در کتاب توحید از حضرت رضا علیه السلام مسنداً نقل کرده کہ فرمود:

«انّ اول ما خلق الله عز و جل لیعرف به خلقه الكتاب (الكتابة) حروف المعجم، و انّ الرجل اذا ضرب علی رأسه بعضی فزعم أنّه لا يفصح ببعض الكلام فالحکم فيه ان يعرض علیه حروف المعجم ثمّ تعطى الدية بقدر ما لا يفصح منها، و لقد حدّثني ابي عن ابيه عن جدّه عن امير المؤمنين علیه السلام فی ا ب ت ث، الالف آلاء الله و الباء بهجة الله و التاء تمام الامر بقائم آل محمد صلّى الله علیه و آله و سلّم و التاء ثواب للمؤمنين علی اعمالهم الصالحة»

الجنة»، ج ح خ فالجيم جمال الله و الحاء حلم الله عن المذنبين و الخاء خمول ذكر المعاصي عند الله عزّ و جل و

خبير، د ذ فالذال دين الله الذي ارتضاه لعباده و الذال من ذی الجلال و الاکرام، ز ز فالراء من الرؤف الرحيم و الزاء

زلزال القيمة، س ش فالسين سناء الله و الشين ما شاء الله و اراد ما اراد و ما تشائون الا ما يشاء الله، ص ض

فالصاد من صادق الوعد فی حمل الناس علی الصراط و حبس الظالمين عند المرصاد و الضاد ضلّ من خالف

محمّدا و آل محمد صلوات الله عليهم، ط ظ فالطاء طوبى للمؤمنين و الظاء ظنّ المؤمنين بالله خيرا و ظنّ الكافرين

شرّا، ع غ فالعين من العالم و الغين من الغنى الذي لا يجوز علیه الحاجة علی الاطلاق، ف ق، فالفاء فائق الحبّ و

النوى و فوج من افواج النار و القاف قرآن علی الله جمعه و قرآنه، ك ل فالکاف من الکافی و اللام لغو الکافرين فی

افترائهم علی الله الکذب، م ن فالميم ملک يوم الدين لا مالک غيره و يقول عزّ و جل لمن الملك اليوم ثمّ تنطق ارواح

انبيائه و رسله و حججه فيقولون لله الواحد القهار فيقول جل جلاله اليوم تجزى كل نفس بما کسبت لا ظلم اليوم ان

الله سريع الحساب و النون نور الله للمؤمنين و نکاله بالکافرين، و ه فالواو ويل لمن عصى الله من عذاب يوم عظيم و

الهاء هان علی الله من عصاه، لای فلام الف لا اله الا الله و هی كلمة الاخلاص ما من عبد قالها مخلصا الا وجبت له

الجنة و الباء يد الله فوق خلقه باسطة الرزق سبحانه و تعالى عما يشركون» (الحديث)

حضرت رضا علیه السلام فرمود: «به درستی که اول چیزی که خداوند بیافرید تا آفریدگان بواسطه آن کتاب

نوشتن را بشناسند حروف معجم بود، و هر گاه عصائی بر سر مردی زده شود پس گمان برد که بعض کلمات را نتواند بیان کند حکمش این است که حروف معجم بر او عرضه شود سپس به آن مقدار از حروف معجم که نتواند بیان کند دیه داده شود، و بتحقیق حدیث نمود مرا پدرم از جدش از امیرالمؤمنین علیه السلام درباره حروف الف باء که الف اشاره بآلاء و نعم الهی و باء اشاره ببهجت و حسن خدا و تاء به تمام و کامل شدن امر الهی بوسیله قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم و ثاء ثواب دادن خدا بهشت را به مؤمنان برای کارهای شایسته ایشان و جیم به جمال خدا و حاء بحلم و بردباری خدا نسبت به گناه کاران و خاء به پنهان شدن و از بین رفتن ذکر و آوازه اهل معاصی نزد خدای عزّ و جلّ و اشاره بخیبر بودن خداست و دال اشاره بدین خداست آن دینی که برای بندگانش پسندیده و ذال از اسم ذی الجلال و الاکرام و راء از رؤوف و رحیم و زاء اشاره بزلزله‌های روز قیامت است و سین سناء و نور الهی و شین اشاره بمشیت و اراده مطلقه حق است و اینکه اراده نمی کنند مردم مگر آنچه خدا بخواهد و صاد از اسم صادق الوعد و ضاد اشاره به ضلالت و گمراهی کسانی است که مخالفت کنند محمد صلی الله علیه و آله و سلم و آل او را، و طاء یعنی طوبی للمؤمنین «خوشا بحال مؤمنین» و ظاء اشاره به ظن و گمان خوب مؤمنین به خدا و ظن بد کافرین به اوست و عین از اسم عالم، و غین از اسم غنی است که مطلقا نیاز و حاجت بر او روا نیست، و فاء از اسم فالق الحب و النوی «شکافنده دانه و هسته» و اشاره به فوجی از افواج اهل آتش است، و قاف اشاره به قرآن است که بر خداست جمع آن و خواندن آن، و کاف از اسم کافی، و لام اشاره به لغو و بیهوده بودن افتراء و دروغ کافرین بر خداست و میم از اسم ملک روز جزاست روزی که مالکی غیر از او نیست و خدای عزّ و جلّ می فرماید: پادشاهی در این روز برای کیست؟ سپس ارواح پیغمبران و فرستادگان و حجت های خدا می گویند برای خدای یگانه قهار است پس خدای بزرگ گوید امروز هر کسی جزا داده می شود به آنچه کسب کرده و ستمی در این روز بکسی نمی شود بدرستی که خدا بزودی حساب کننده است، و نون نوال و

عطاء به مؤمنین و نکال و عذاب او نسبت به کافرین است، و واو یعنی ویل و وای بر کسانی که نافرمانی خدا را

می کنند از عذاب روز بزرگ، و هاء یعنی پست است نزد خدا کسی که نافرمانی او را نماید، و لام الف اشاره

بکلمه اخلاص و بنده از روی اخلاص آن را نمی گوید جز اینکه بهشت برای او واجب می شود، و یاء ید الله است

که فوق خلائق به رزق گشاده شده، منزّه و متعالی است خدا از آنچه مشرکان به او نسبت می دهند.» [۱۱]

در معانی الاخبار از سفیان توری نقل شده است که من به جعفر بن محمد حضرت امام صادق (علیه السلام) عرضه

داشتم: یابن رسول الله معنی کلمات از کتاب خدا چیست ؟ « الم- المص- الر- المر- کهیعص- طه- طس-

طسم- یس- ص- حم- حمعسق - ق - ن»

حضرت صادق (علیه السلام) فرمودند: «و اما «الم» که در اول سوره بقره است یعنی منم خدای سلطان «انا الله

سلطان» و اما «الم» که در اول سوره آل عمران است معنایش «انا الله المجید» (منم خدای مجید) است و اما

معنای «المص» یعنی «انا الله المقتدر الصادق» (منم خدای مقتدر صادق) و اما معنای «الر» اینست که «انا الله

رئوف» (منم خدای مهربان) و اما معنای «الر» این است که «انا الله محیی و رزاق» (منم خدای زنده کننده و

روزی دهنده). و اما معنای «کهیعص» یعنی «انا الله هادی و ولی و صادق الوعد» . و اما معنای «طه» خود

یکی از اسماء پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) است و معنای آن «یا طالب الحق و

هادی الیه» (ای طالب حق و هدایت کننده بسوی آن) می باشد. و اما «طس» یعنی «انا طالب السميع» (منم

طالب شنوا) و اما «طسم» که معنی آن اینست: «انا الطالب السميع المعید» (منم خدای طالب و شنونده و معید)

و اما «یس» یکی از اسم های رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) است و معنای آن اینست: یا «سامع الوحي

و القرآن الحکیم انک لمن المرسلین علی صراط مستقیم» (ای شنوای وحی قرآن کریم بدرستی که تو قطعاً از

فرستادگان خدایی که بر راه راست و مهین آنی). و اما «ص» نام چشمه ای است که از زیر عرش می جوشد و

همین «صاد» بود که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در شب معراج از آن وضو گرفت و اما «حم»

معنایش «حمید و مجید» است . و اما «حم عسق» معنایش حلم مثیب و ثواب دهنده و علم و سمیع و قادر است

و اما «ق» نام کوهی است که محیط بر زمین است و سبزی آسمان هم از آن است . و اما «ن» نام نهري است در

بهشت.

نظریات جدید درباره ی حروف مقطعه :

دکتر مبارك صاحب كتاب النشرالقي به اندیشه ای که بلانشو برای وی پیش کشیده است علاقه نشان می دهد . وی

می گوید بلانشو نظریات شایان بررسی و مطالعه ای بر وی عرضه داشته است . از نظر وی حروف الم و الر و

حم و طسم همچون حروف A.O.I است که درباره ی سرودهایی یافت می شود و آن چیزی چون Neumer

یعنی اشارات ویانات موسیقایی است که آوازخوانان آن را پیروی و تبعیت می کنند و این ها آهنگ های قدیمی

است که بوسیله ی آن يك یا دو حرف به الحاقشان اشاره می شده است و همین مقدار کافی بود تا آوازخوان و

سراینده را به آوای مورد نظر متوجه سازد مثلاً در کلیسای مسیحی در اروپا یعنی جایی که همواره اصول موسیقی

گریگوری حفظ می گردد و همچنین در اتیوپی ، اصطلاح موسیقی مشابهی وجود دارد به همین دلیل است که

سرپرست آوازخوانان آواز را با حروفی که یادآور «الم» قرآن کریم یا در سرود روان است شروع می کنند

دکتر مبارك با اظهار علاقه به این نظر می گوید آنچه نظر آقای بلانشو را تائید می کند اینست که «الم» در ترتیل

الف لام و میم خوانده می شود پس این حرف رمز نبوده بلکه نشانه های صوتی است آنچه در حاشیه سخن دکتر

زکی مبارك می گوئیم آنست که اندیشه مورد اشاره آقای بلانشو اندیشه ای راهی است زیرا اگر آن را بر « الم»

در سوره بقره تطبیق دهیم منطبق خواهد بود چون نوای موجود در فاصله سوره بقره با نوای موسیقایی موجود در

«الم» متناسب است ولي هنگامي كه مثلاً «كهيعص» را بر فاصله سوره منطبق كنيم در مي يابيم كه موسيقي

«كهيعص» به شكل برجسيته از كمال ما برخوردار نمي باشد و چنين است «حم عسق» كه در آن هم از تناسب

برخوردار نمي باشد و نيز در مورد (ص-ق-الم-الر . . . )

اعتقاد رودولف آن است كه اين رموز مجموع نشانه هايي خاص و اشاراتي است كه صاحبان نسخ بر نسخه هاي

خود كه به زيددين ثابت در هنگام ترتيب دادن قرآن در روزگار عثمان داده اند گذاشته اند.

اين حروف از اختصاصات يا اشارات يا رموزي است كه اسامي جامعين سوره هاي قرآن را در خود دارد . اين

سخن نيز از نظر ما قولي ضعيف و بي پايه است و فاقد سند و برهان مي باشد . حال آنكه طرحين به همين سخن

چنگ زده و آن را گرفته است.

حروف مقطعه و دانشمند مصري :

نظريه جالبي است كه يك دانشمند مصري ابراز داشته كه از نظر اهميت موضوع فشرده آن را در اينجا مي آوريم

. البته قضاوت درباره صحت و رقم آن نيازمند بررسي فراواني است كه شايد بر عهده آيندگان باشد و ما آن را

فقط به عنوان يك نظر ذكر مي كنيم .

تحقيقات شگفت انگيز دانشمند مسلمان مصري در مورد تفسير پاره اي از آيات قرآن مجيد به كمك مغزهاي

الكترونيكي بود كه اعجاب همگاني را در نقاط مختلف جهان برانگيخت .

اين تحقيقات كه محصول سه سال كوشش و پيگيري مداوم «دكتور رشادخليفه» دانشمند شيميدان مصري بود بار

ديگر اين حقيقت را به ثبوت رسانيد كه اين كتاب بزرگ آسماني محصول مغز بشر نيست و انسان ها قادر

نخواهند بود مثل آن را بياورند .

تمام كوشش استاد مزبور براي كشف معاني حروف مقطعه قرآن يعني حروفي مانند «ق – الم – يس و . . . »

صورت گرفته است او به كمك محاسبات پيچيده اي ثابت کرده است كه رابطه نزديكي ميان اين حروف با حروف

سوره اي كه در آغاز آن قرار گرفته اند وجود دارد . بنابراین از مغز الكترونيكي تنها براي انجام تعداد حروف سوره ها و بدست آوردن نسبت (و به اصطلاح درصد) هر يك از حروف كلمه كمك گرفته است نه اينكه تفسير آيات قرآني را از ماشين خواسته باشد . ولي مسلماً اگر اين ماشين ها نبودند هيچ بشري قادر نبود بوسيله قلم و كاغذ اين محاسبات را در طي ساليان درازي انجام دهد .

دكتر رشاد مي گويد : سال ها بود كه من مي خواستم بدانم معني اين حروف به ظاهر از هم بريده در آغاز سوره هاي قرآن چيست و هر قدر به تفاسير بزرگ و آراء مختلفي كه در اين زمينه داده بودند مراجعه كردم پاسخ قانع كننده اي نيافتم از خداوند ياري خواستم و به مطالعه دست زدم ،

ناگهان به اين فكر افتادم كه شايد ميان اين حروف و حروف هر سوره اي كه آن ها در آغازش قرار گرفته اند رابطه وجود داشته باشد .

اما بررسي تمام حروف نوراني در ۱۱۴ سوره قرآن و تعيين نسبت هريك از آنها و محاسبات فراوان ديگري كه مي بايست در اين زمينه بشود چيزي نبود كه بدون استخدام مغزهاي الكترونيكي امكان پذير باشد . لذا قبلاً تمام حروف مزبور را در ۱۱۴ سوره قرآن به طور جداگانه و همچنين مجموع حروف هر سوره را دقيقاً تعيين کرده و با شماره هر سوره به مغز الكترونيكي (براي انجام محاسبات پيچيده بعدي ) سپردم . اين كار و مقدمات ديگر در مدت دو سال عملي شد .

سپس مغز الكترونيكي را يك سال براي انجام محاسبات كه به آن اشاره شد به كار گرفتم نتيجه اين محاسبات بسيار درخشان بود و براي نخستين بار در تاريخ اسلام پرده از حقايق شگفت انگيزي برداشته شد كه اعجاز قرآن را علاوه بر جنبه هاي ديگر از نظر رياضي و نسبت حروف قرآن كاملاً روشن مي ساخت .

مغز الكترونيكي با محاسبات خود براي ما روشن ساخت كه ميزان هر يك از حروف ۱۴ گانه در هر سوره از يكصد و چهارده سوره قرآن به نسبت مجموع حروف آن سوره چند درصد است . في المثل پس از محاسبات مي يابيم كه نسبت حرف قاف كه يكي از حروف نوراني قرآن است از سوره فلق بزرگترين رقم را دارد (۶/۷۰۰)

درصد) و در درجه اول میان سوره های قرآن است . ( البته به استثنای سوره ق ) بعد از آن سوره قیامت قرار

دارد که تعداد قاف های آن نسبت به حروف مزبور (۳/۹۰۷درصد) می باشد و پس از آن سوره «الشمس» است

(۳/۹۰۶درصد).

به همین ترتیب این نسبت را در تمام یکصد و چهارده سوره قرآن بدست می آوریم . ( نه تنها درباره این يك حرف

بلکه درباره تمام حروف چهارده گانه نورانی ) و به این ترتیب نسبت مجموع حروف هریک از سوره ها با یکایک

این حروف روشن می گردد . اکنون به این نتایج جالبی که از این محاسبات بدست آمده توجه فرمائید :

۱- نسبت حرف «ق» در سوره «ق» از تمام سوره های قرآن بدون استثناء بیشتر است یعنی آیاتی که در طی

۲۳ سال دوران نزول قرآن در ۱۱۳ سوره ی دیگر قرآن آمده همچنان هست که حرف قاف در آنها کمتر به کار

رفته است . همچنین محاسبات نشان داد که حرف «ص» در سوره «صاد» نیز همین حال را دارد یعنی مقدار آن

به تناسب مجموع حروف سوره از هر سوره دیگر قرآن بیشتر است . نیز حرف «ن» در سوره «نون و القلم»

بزرگترین رقم نسبی را در ۱۱۴ سوره قرآن دارد تنها استثنائی که در این زمینه وجود دارد سوره «حجر» است

که تعداد نسبی حرف «ن» در آن بیشتر از سوره «نون و القلم» است . اما جالب اینجاست که سوره حجر یکی از

سوره هایی است که در آغاز آن «الر» می باشد و بعداً خواهیم دید که این سوره ها که آغاز آنها «الر» است باید

همگی در حکم يك سوره محسوب شوند و اگر چنین کنیم نتیجه مطلوب بدست خواهد آمد یعنی نسبت تعداد «ن» در

مجموع اینها از سوره «ن و القلم» کمتر خواهد شد !

۲- چهار حرف «المص» را در آغاز سوره اعراف در نظر بگیرید اگر الف ها ، میم ها و صادهایی که در این

سوره وجود دارد با هم جمع کنیم و نسبت آن را با حروف این سوره بسنجیم خواهیم دید که از تعداد مجموع آن در

هر سوره دیگر قرآن بیشتر است .

همچنین چهار حرف «المر» در آغاز سوره «رعد» همین حال را دارد و نیز پنج حرف «کهیص» در آغاز

سوره «مریم» و اگر روی هم حساب شوند بر مجموع این پنج حرف در هر سوره دیگر قرآن فزونی دارد . در

اینجا به چهره ی تازه تری از مسئله برخورد می کنیم که نه تنها يك حرف جداگانه در این کتاب آسمانی روی

حساب و نظم خاص گسترده شده بلکه حروف متعدد آن نیز وضع حیرت آوری را دارد .

۳- تاکنون بحث درباره ی حروفی بود که تنها در آغاز يك سوره قرآن قرار دارد . اما حروفی که در آغاز چند

سوره قرار دارد مانند «الم و المر» شکل دیگری بخود می گیرد و آن اینکه بر طبق محاسبات مغز الکترونیکی

مجموع این حروف مثلاً (ا-ل-م) اگر در مجموع سوره هایی که با «الم» آغاز می گردد حساب شود و نسبت آن

با مجموع این سوره ها بدست آید از میزان آن در هر يك از سوره های دیگر قرآن بیشتر است .

۴- دکتر رشاد می گوید : ضمن محاسبه که روی سوره «مریم» و «زمر» انجام می دادم دیدم که نسبت (درصد)

مجموع حروف (ك-ه-ي-ع-ص) در هر دو سوره مساوی است با اینکه باید در سوره مریم بیشتر باشد که لفظ «

كهيعص» فقط در آغاز این سوره آمده نه در « زمر»؟! اما همین که نسبت گیری را از رقم اعشار سوم به چهارم

افزودم روشن شد که نسبت مجموع حروف در سوره مریم يك ده هزارم (۰/۰۰۰۱) بیش از سوره « زمر» است

و این تفاوت های جزئی راستی عجیب و حیرت آور است .

نتیجه :

بطور کلی می توان گفت : اقوال مفسرین از عامّه و خاصّه مختلف است، که بعضی از آن ها تفسیر برای و

استنباط و اجتهاد و تخمین است و برخی مستندش اخباری است که سندش ضعیف و یا اعتبارش ثابت نیست و

پاره از آنها مستندش اخباری است که با قواعد مسلمّه که در دست است سازش ندارد، و بالجمله قدر مسلم اینست

که این حروف از معنای حرفی خارج است ولی مراد حق تبارك و تعالی معلوم نیست و جز خدا و راسخین در علم

کسی از آن آگاه نمی باشد. « سرّ من اسرار الله استاثره الله بعلمه»

منبع: راسخون . نت

## خواص سوره های قرآن به اجمال:

۱- فاتحه :

مال و ثروت - زنده شدن مرده- آرام بخش درد ها- کلید بهبودی-برآورده شدن حاجات- درمان بیماری ها - رهایی

از عذاب فرشتگان نوزده گانه- بخشش گناهان - راه رسیدن به بهشت جهت عبور از پل صراط - بخشایش

گناهان پدر و مادر

۳- آل عمران:

درود فرشتگان - رفع آتش دوزخ - پر بار شدن درخت - سهولت زایمان رفع دیون آسان شدن مشکلات -

از دیاد روزی

۴- نساء :

پاداش الهی - حکم صدقه - رهایی از فشار قبر

۵- مائده :

استقامت در توحید اعطای حسنات - بخشش گناهان

۶- انعام :

رفع بیماری - ستایش فرشتگان تا روز قیامت - استجاب حاجات - نرفتن به دوزخ- محافظت فرشتگان از او

— رفع ما لیخولیا — دفع بلایا

۷- اعراف :

رفع بازخواست روز قیامت — همنشینی با حضرت آدم — مقابله با درندگان و دشمنان

۸- انفال :

محافظت از نفاق — افتخار شیعه — شرمندگی دشمنان — شفاعت پیامبر در روز قیامت — محافظت در برابر تعدی

— پیروزی در جنگ ها - درود فرشتگان — بخشندگی گناهان — ارتقای مقام

۹- توبه :

جلوگیری از نفاق — محافظت از دستبرد دزدان محافظت از آتش — اعطای حسنات — رفع جهل — تقرب به خدا

— رفع پیری — آشکار شدن عیوب - اعطای دزد

۱۱- هود علیه السلام :

اعطای حسنات — رستگاری روز قیامت — بر انگیزته شدن در گروه پیامبران — بخشوده شدن گناهان — استعانات

از خداوند — پیروزی بر دشمنان — بیمناک شدن دشمنان از او — مقام شهید یافتن در روز قیامت

۱۲- یوسف علیه السلام :

چهره زیبا یافتن — رفع هراس — صالح شدن — آسان شدن سختی مرگ

مقاوم شدن در برابر چشم زخم — یافتن قدرت و مکننت — برآورده شدن حاجات

۱۳- رعد:

رهایی از صاعقه - ورود به بهشت شفیع شدن برای خانواده - کمک به انقلاب علیه ظالمان اعطای حسنات

استقامت در روز قیامت

۱۴- ابراهیم علیه السلام:

رفع فقر و جنون و مصیبت - جلوگیری از گریه و وحشت کودک - گرفته شدن از شیر مادر - اعطای حسنات -

رفع ناراحتی کودکان

۱۵- حجر:

اعطای حسنات- رفع فقر و جنون و مصیبت - ازدیاد شیر زنان - ازدیاد رزق حسن خرید و فروش

۱۶- نحل:

عدم پرداخت تاوان - رفع هفتاد نوع بلا- استقرار در بهشت - ثمره دادن درختان - منعرض نمودن دشمنان - عدم

بازخواست در روز قیامت

۱۷- اسراء (بنی اسرائیل):

شاهد ظهور حضرت قَائِمُ شدن - خطا نرفتن تیر - به سخن آمدن کودک - قابل فهم شدن سختیها

۱۸- کهف:

بیدار شدن به موقع از خواب شهید از دنیا رفتن - بخشوده شدن گناهان - نورانی شدن - رفع تنگ دستی - امان

یافتن از آزار-دور شدن آفات -در امان ماندن از فتنه دجال-قرار گرفتن در بهشت -کفاره شدن بر گناهان

۱۹- مریم:

به دست آوردن ثروت و فرزند -اصحاب عیسی شدن در قیامت -شوکت سلیمان یافتن در قیامت -اعطا

حسنات-خواب های خوش دیدن -جلوگیری از دستبرد دزدان-رفع ترس-خیر و برکت در خانه -دور شدن حوادث

ناگوار از خانه

۲۰- طه:

پادشاه در آن دنیا ثواب مهاجرین و انصار را یافتن -شنیدن پاسخ مثبت در خواستگاری-ایجاد صلح -حفاظت در

مقابل زورمداران -اجابت خاسته ها-خواستگار یافتن دختر -آسان شدن ازدواج

۲۱- انبیا:

دیدن عجایب در خواب -رفع بی خوابی

۲۲- حج:

تشریف به مکه -اهدای حسنات -سقوط حاکم ستمگر

۲۳- مومنون:

عاقبت به خیر شدن -به بهشت رفتن -تنفر از شراب

۲۴- نور:

بیمه شدن جان و دارایی و زنان — آمریزیده شدن — اعطای حسنات —

۲۵- فرقان:

رهایی از عذاب دوزخ — محاسبه نشدن — رفتن به بهشت — مردن حیوان مورد نظر — عدم اتمام معاملات

۲۶- شعرا:

اولیای خداوند شدن — دچار مشکل نشدن — رفتن به بهشت — اعطای حسنات — خواننده ی کتب الهی شدن — شفا از

بیماریها — دستیابی به گنج — در امان ماندن از درد آتش و سیل سخت آمدن طلاق بر زن

۲۷- نمل:

اعطای حسنات — در امان ماندن خانه از مار و حیوانات موزی

۲۸- قصص:

اعطای حسنات — شهادت به راستگویی — رفع درد ها و بیماری ها — رفع شکم درد و درد طحال و کبد

۲۹- عنکبوت :

رفع گناهان — اعطای حسنات — رفع بیماری ها و دردها — شادابی قلب — خوش خوابیدن

۳۰- روم:

اعطای حسنات — یافتن گمشده — بیمار کردن دشمن

۳۱- لقمان :

حفاظت از شیطان - همنشینی با لقمان در قیامت - اعطای حسنات - رفع بیماری ها و دردها قطع خونریزی بدن

- رفع بیماری درد ورنج

۳۲- سجده:

داده شدن نامه عمل به دست راست - عدم بازخواست در روز قیامت - همنشینی با پیامبر و خاندانش در روز

قیامت - ثواب راز و نیاز شب قدر - رفع بیماری تب - درمان سر درد و درد مفاصل - درمان تب سه روزه

۳۳- احزاب:

قرار گرفتن کنار پیامبر و همسرانش در روز قیامت - درمان بودن قبر - افزایش خواستگاران

۳۴- سباء:

حفاظت شب تا صبح توسط خداوند - کسب خیرات در دنیا و آخرت - داشتن همنشین سالم در روز قیامت - دور

شدن حیوانات و حشرات - ببری شدن از ترس

۳۵- فاطر:

ورود به بهشت - منکوب کردن مخالفین - رفع بیماری سردرد - جلوگیری از تخریب هنگام زلزله

۳۶- یاسین:

افزایش رزق و روزی حفاظت شدن در برابر خطرات و شیطان وافت ها - ورود به بهشت - غسل به دستان

فرشتگان - مصونیت از فشار قبر - نورانیت - همراهی فرشتگان در پل صراط - مقام بالا نزد خداوند - ایستادن در کنار پیامبران - شفاعت شدن - بازخواست نشدن - همنشینی با پیامبر (ص) - اعطای حسنات - مصون بودن در برابر فقر و بدهی و ویرانی و بلا و جنون و جزام و وسواس و... - تخفیف وحشت قبر - آمرزش و خشنودی خداوند - ثواب دوازده بار تلاوت قرآن - تقویت حافظه - پیروزی در مناظرات - مصونیت در برابر چشم زخم و حسادت و جن و انس و جنون و حشرات - ازدیاد شیر در زنان

۳۷ - صافات :

تسهیل مرگ - مصون بودن در برابر آفات و بلاها - ازدیاد رزق - حفاظت از گزند شیطان - مبعوث شدن با شهیدان - اعطای حسنات - دیدن جنیان و عدم آسیب آنان - آرامش از اضطراب

۳۸ - ص:

اعطای خیرات در دنیا و آخرت - ورود به بهشت - جلوگیری از گناهان صغیره و کبیره - آشکار کردن معایب حاکم یا قاضی -

۳۹ - زمر:

شرف و بزرگی در دنیا و آخرت - مورد احترام واقع شدن - حرمت آتش دوزخ بر او - ورود به بهشت - کسب سلام پیامبران و صدیقان - آمرزیده شدن - مورد ثنا و تشکر واقع شدن

۴۰ - مومن (غافر):

بخشایش گناهان - کسب تقوا - خیر در آخرت - خرم شدن باغ - خیر و برکت مغازه - شفای مالیخولیا - درمان دمل

— رفع بیماری وحشت زدگی — التیام دل درد — درمان بی هوشی و غش — درمان دردطحال-

۴۱- فصالت (حم سجدہ):

نورا نیت در روز قیامت قیامت — سعادت در زندگی دنیوی — اعطای حسنات درمان درد قلب- درمان چشم درد

۴۲- شوری (حمعسوق):

نورانیت در روز قیامت — ورود به بهشت — رفع چشم درد — درود فرشتگان بر او — امان بودن از گزند

مردم — رفع خطرات سفر

۴۳- زحرف:

مصون بودن از گزند حیوانات زمین و فشار قبر — ورود به بهشت — عدم احتیاج به دارو — رفع مرض صرع

۴۴- دخان:

سهولت محاسبه در روز قیامت — پاداش ازاد کردن صد هزار فرد گرفتار- بخشیدن گناهان — رهایی از نیرنگ

شیطان — خوابهای نیکو دیدن — رفع بیماری سر درد — ازدیاد ثروت — رونق تجارت — رهایی از گزند حاکم —

محبوبیت نزد مردم — رفع بیماری یبوست

۴۵- جائیه:

ندیدن آتش جهنم و نشنیدن صدا و صیحه ی ان- همراهی حضرت محمد — از بین رفتن ترس و وحشت در روز

قیامت — پوشیده شدن زشتیها — در امان ماندن از قدرت زورمندان — محترم شدن نزد مردم — در امان ماندن از

فتنه گران – نگهدار کودک خواهد بود

۴۶- احقاف :

در دنیا دچار وحشت نشدن -در امان ماندن روز قیامت – به تعداد انسانهای زمین ده حسنه نوشته وده گناه بخشوده

وده مرتبه بر مقام او افزوده میشود -جسمی قوی یافتن -سالم ماندن در برابر بیماری های کودکانه – آرامش یافتن

از زمان کودکی محبوب شدن نزد مردم – شنیده ها را درک کردن – تسکین و درمان بیماری ها

۴۷- محمد صلی الله علیه وآله وسلم :

هرگز مشرک نگردد – شک به دین راه نیابد – فقیر نشدن – نترسیدن از حاکم – مصون ماندن از شک در دین

تا هنگام مرگ – هزار فرشته در قبرش نماز می خوانند – همراهی فرشتگان – در پناه خداوند و پیامبر قرار

گرفتن – پس از برانگیخته شدن صورت پیامبر را دیدن – سیراب شدن از نهـرهای بهشتی – مصون ماندن از

امور ناپسند و بیماری ها – دوری جنیان از وی

۴۸- فتح:

بیمه شدن مال و ثروت و همسران و املاک- ورود به بهشت – مصون ماندن از دزدان – پذیرفته شدن سخن وی

نزد مردم – توبت حافظه – کسب خیر و برکت – رفع بیماری هراس – در امان ماندن از غرق شدن

۴۹- حجرات:

در شمار زایران پیامبر اکرم قرار گرفتن – اعطای حسنات – در امان بودن از وحشت جنگ – باز شدن درهای

خیر و برکت – پیروزی در جنگها خروج شیطان از بدن - مصون ماندن از ترس – فزونی یافتن شیر مادر

۵۰- ق:

ازدیاد روزی - مثبت شدن نامه ی اعمال - سهولت مرگ - درمان صرع - ازدیاد شیر مادر

۵۱- ذاریات :

سا مان یافتن زندگی - ازدیاد روزی - روشن شدن قبر - اعطای حسنات - رفع درد درون - سهولت زایمان -

آسان شدن مرگ

۵۲- طور :

اعطای خیر و برکت - دور شدن از عذاب الهی - رسیدن به بهشت - ازادی اسیر و زندانی - خوشایندی سفر

- بهبودی عقرب گزیدگی

۵۳- نجم:

زنگی با اوصاف نیک - بخشایش گناهان - اعطای حسنات - شجاعت در برابر زورمندان جلب احترام حاکم -

شجاعت در برابر شیاطین

۵۴- قمر (اقتربت):

رسیدن به بهشت - روسفیدی در قیامت - مورد احترام بودن در سفره ها - محبوبیت میان مردم - سهل شدن

امور مشکل

۵۵- الرحمن :

شفاعت کردن در روز قیامت – شهید محسوب شدن – آسان شدن مشکلات- شفای چشم درد امنیت یافتن - سهل

شدن امور مشکل – رفع بیماری آفات از خانه

۵۶- واقعه :

عزت در میان مردم – رفع بیماری بدبختی و فقر – همنشینی با حضرت علی علیه السلام - نورانیت وجه در

هنگام ملاقات خداوند – خیر و برکت خانه – پیروزی و ثروت و موفقیت- بخشش گناهان – سهولت احتضار

نقل است که عثمان بن عفان بعیدادت عبدالله بن مسعود رفت در مرضی که با آن فوت شد باو گفت که از چه شکوه

داری گفت از گناهان خود گفت چه چیز میل داری گفت رحمت پروردگار خود گفت جهت تو طیب مرا بیمار کرده

گفت: امر نکنم که بتو عطیه بدهند گفت در وقتیکه احتیاج داشتم بمن ندادی الحال که مستغیم میدهی گفت آنچه

میدهم جهت دختران تو بوده باشد گفت ایشانرا بدان حاجتی نیست جهت اینکه من ایشانرا امر کردم بخواندن سوره

واقعه و من شنیدم از حضرت رسول صلی الله علیه و آله که میفرمود هر که بخواند ای سوره را در هر شب

نمیمیرد باو پریشانی هرگز و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام نقل است که هر که بخواند ین سوره را هر

شب پیش از آنکه بخوابد ملاقات کند خدای عزوجل را در حالتی که روی آن شخص چون ماه باشد در وقت تمامی

آن و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر که مشتاق باشد به بهشت و به وصف بهشت این

سوره را بخواند .

۵۷- حدید :

عدم عذاب در دنیا – رفع بلايا – درکظهور حضرت قائم علیه السلام – نعمت بهشت – آزادی زندانی –

مصونیت در جنگ – التیام درد

۵۸- مجادله:

تسکین درد – حفظ د فینه – آرامش بیمار – مصونیت از حوادث ناگوار - رفع آفات از حبوبات

۵۹- حشر:

دروود فرستادن کا ینات به او- در حکم شهید قرار گرفتن – مصون شدن از بلایا- اجابت خواسته ها- آسان شدن

مشکلات تقویت حا فظه

۶۰- ممتحنه:

دفع فقر – نورانیت دیدگان – رفع جنون – درود فرشتگان – در حکم شهید قرار گرفتن – شفاعت شدن – درمان

بیماری طحال – آسودگی در زندگی

۶۱- صف :

قرار گرفتن در صف فرشتگان و پیامبران – همنشینی حضرت عیسی علیه السلام - امنیت در سفرها

۶۲- جمعه :

پا داش بهشت - اعطای حسنات –رفع هراس – بخشودگی گناهان – رهایی از وسوسه های شیطان

از حضرت صادق علیه السلام منقولست که واجبست بر هر مومن هر گاه شیعه ما باشد که بخواند در نماز شب

سوره جمعه و در نماز ظهر آن جمعه و منافقین را و هرگاه این را به عمل آورد چنان است که گویا عمل رسول

خدا صلی الله را بجا آورده است و ثواب و جزای او بر خداوند بهشت است .

۶۳- منافقون :

رفتن به بهشت - رفع بیماری نفاق و شک - درمان دمل - رفع دردهای درونی - شفای بیمار - درمان چشم

درد

۶۴- تغابن:

شفاعت شدن - به بهشت رفتن - همجواری پیامبر - درک ظهور حضرت قاسم علیه السلام رفع مرگ ناگهانی

- رفع شر حاکم

۶۵- طلاق:

رفع آتش دوزخ - رسیدن به توبه ی نصوح - ایجاد فتنه در محل دشمن

۶۶- تحریم :

نصیب شدن توبه نصوح - شفای گزیده شده - درمان صرع - دفع لرزش- درمان بی خوابی - رفع بی پولی و

قرض

۶۷- ملک (تبارک ) :

مصون بودن در روز قیامت - رفع عذاب قبر - پاداشی همچون پاداش شب قدر - مونس قبر - شفاعت شدن -

رفع گرفتاری روح مردگان

از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر که بخواند سوره الملک را در مکتوبه پیش از آن که بخواد پیوسته اندر امان خدایتعالی خواهد بود تا داخل صبح شود و در امان خدای خواهد بود روز قیامت تا داخل بهشت شود قطب راوندی از بن عباس نقل کرده است که مردی خیمه زد بروی قبری و ندانست که آن قبر است پس خواند این سوره را پس شنید صحیحه زننده را گفت این سوره منجبر است پس این مطلب را بحضرت رسول اکرم عرض کرد آنحضرت فرمود آن سوره نجات دهنده است از عذاب قبر

۶۸- قلم :

رفع فقر - دفع عذاب قبر - رسیدن به ثواب اصحاب کهف - رفع دندان درد - آسانی محاسبه در روز قیامت -

حفظ جنین هوش و حافظه ی کودک

۶۹ - حاقه :

حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرموده اند: هر کس سوره حاقه را قرائت نماید خداوند در حسابرسی او آسانگیری می کند. امام صادق علیه السلام نیز فرموده اند: سوره حاقه را زیاد بخوانید زیرا قرائت آن در نمازهای واجب و مستحب از نشانه های ایمان به خدا و رسول اوست، این سوره درباره امیرالمومنین علی علیه السلام و معاویه نازل شده است دین قاری سوره، از او سلب نخواهد شد تا اینکه خداوند را دیدار کند. در روایتی دیگر از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم آمده ست: هر که یازده آیه از سوره حاقه را بخواند خدای تعالی او را از فتنه دجال نگاه می دارد و اگر همه سوره را بخواند موجب نورانی شدن او از سر تا پا می شود.

۷۰- معارج:

رفع بازخواست در روز قیامت - هم منزلی با حضرت محمدصل الله علیه و اله وسلم گشایش در کار زندانی -

رفع احتلام در خواب

۷۱- نوح علیه السلام :

قرار گرفتن در منزل پاکان ازدواج با حوریهای بهشتی - اجابت دعا - مقدر شدن بهشت

۷۲- جن :

عدم ابتلا به چشم زخم و سحر و افسون و نیرنگ جنییان - رسیدن به اجر بزرگ - فرار جنییان - مصون شدن از

گزند حاکم - رفع گرفتاریهای انسان - سهولت مشکلات

۷۳- مزمل :

زندگی پاک و نیکو در دنیا - مرگ راحت و خوب - رسیدن به اجر آزاد کردن فرد گرفتار - در خواب دیدن پیامبر

علیه السلام - رفع بیماری سختی های دنیا و آخرت - اعطای حسنات

۷۴- مدثر :

مقامی نزدیک به مقام پیامبر علیه السلام - مصونیت از سختی و ستم دنیا - اعطای حسنات - سعه قلب - افتخار

حفظ قرآن

۷۵- قیامت :

همراه پیامبر علیه السلام از قبر برانگیخته خواهد شد - همراهی پیامبر علیه السلام تا عبور از پل صراط -

شهادت دادن پیامبر علیه السلام و جبرئیل به ایمان او - نورانیت چهره در روز قیامت - فزونی رزق حفظ در

برابر حوادث – محبوبیت نزد مردم – فروتن ساختن قلب – پاک دامن کردن انسان – از هیچ زور مداری نمی

هراسد

۷۶- انسان (دهر):

همنشینی با پیا مبر – به ازدواج حورالعین در آمدن – پاداش بهشت و حریر گرفتن – قوی شدن نفس ضعیف –

تسکین درد قلب – تندرستی – هر چه بخواهد پاداش گیرد – سود بردن بدن – نیرومند گشتن جان – قوت

بخشیدن به اعصاب تسکین نگرانی و اضطراب

۷۷- مرسلات :

میان او و حضرت محمد آشنایی برقرار گردد – در زمره کسانی ست که به خداوند شرک نمی ورزند – قدرتمند

گشتن بر دشمن در محاکمه – پیروزی بر دشمن – تسکین دل درد

۷۸- نبأء :

مشرف شدن به خانه ی خدا – محاسبه در روز قیامت به اندازه ی نوشتن سوره خواهد بود – رفتن به بهشت –

دفع شپش – قدرت و هیبت یافتن – به خواب نرفتن – حفظ در برابر حوادث

۷۹- نازعات :

سیراب از دنیا رفتن – سیراب برانگیخته شدن – سیراب وارد بهشت شدن – در امان ماندن از عذاب خداوند

– نوشیدن شراب گوارای بهشتی – در امان ماندن از گزند دشمنان

۸۰- عبس (اعمی):

قرار گرفتن زیر سایه ی کرامت الهی در بهشت - حفظ از رسوایی در قیامت - درمان چشم درد و آب ریزش آن

۸۲- انقطاع :

از بین رفتن حجاب میان او و خداوند در روز قیامت - مستور ماندن دشتی ها در قیامت - مانع رسوایی در قیامت

- آزاد شدن اسیر - اصلاح شدن امر انسان در قیامت - بخشوده شدن گناهان - فزونی نور دیدگان - درمان چشم

درد و تاری

۸۳- مطفین :

در امان ماندن از آتش جهنم - نوشیدن از شراب گواری بهشتی - مصون ماندن انبار از آفت ها - در امان

ماندن شی از گزند حشرات

۸۴- انشقاق:

از بین رفتن حجاب میان او و خداوند - در امان ماندن از گرفتن نامه ی عمل از پشت سر - آسان شدن زایمان-

در امان ماندن خانه و حیوانات از گزند حشرات

۸۵- بروج :

در محشر همراه پیامبر و صالحان بودن - اعطای حسنات - نجات یافتن از گرفتاری - پاداش بزرگ - در امان

ماندن از ترس - گرفتن از شیر آسان شدن بر کودک - در پناه خداوند بودن

۸۶- طارق :

مقام والا نزد خدا داشتن — در بهشت همنشین مومنین بودن اعطای حسنات — محافظت اشیاء - چرکی نشدن زخم

— شفایافتن

۸۷- اعلی:

وارد شدن به بهشت از در دلخواه - فضیلت خواندن مصحف موسی و ابراهیم علیه السلام را یافتن — دادن پاداش

به او — تسکین درد گوش — رفع بواسیر — تسکین درد — شفای شکستگی

۸۸- غاشیه :

مشمول رحمت خدا واقع شدن- موصون ماندن از عذاب جهنم — محاسبه اسان — آرام شدن گریه نوزاد — آرام شدن

حیوان سرکش — رفع بیماری دندان درد — صحت و سلامت در غذا

۸۹- فجر:

در قیامت همراه امام حسین بودن — بخشوده شدن گناهان — اعطای حسنات فرزند پسر — قرار دادن نور در قیامت

— در امان ماندن از گزند هر چیز

۹۰- بلد:

مشهور شدن به نیکوکاری در دنیا — یافتن مقام بالا نزد خدا — همنشینی پیامبران و شهیدان در قیامت — در امان

ماندن از خشم خدا — در امان ماندن کودک از بیماری — در امان ماندن از گردنه کوود- در امان بودن گریه کودک

— دفع درد بینی در کودک —

۹۱- شمس:

شهادت دادن همه چیز به نفع او در قیامت - به بهشت رفتن به منزله صدقه دادن - موفق گشتن - عزیز شدن نزد

مردم - افزایش رزق - آرام گرفتن لرز بدن

۹۲- لیل:

شهادت دادن همه چیز به نفع او در قیامت- به بهشت رفتن - اعطای نعمت از جانب خدا - حل مشکلات -

خوش خوابیدن - فضیلت تلاوت ربع قرآن - پذیرفته شدن نماز نزد خدا - اجابت حاجات - خواب خوب دیدن -

بهبود یافتن صرع و بیهوشی

۹۳- ضحی :

شهادت دادن همه چیز به نفع او در قیامت- به بهشت رفتن - شفاعت حضرت محمد - اعطای حسنات - بازگشت

گم شده - حفاظت شیئی مخفی

۹۴- انشراح :

شهادت دادن همه چیز به نفع او در قیامت- به بهشت رفتن - اعطای یقین و سلامتی - درمان سینه درد - درمان

بند آمدن ادرار - رفع بیماری قلب درد - شفای زکام و سرماخوردگی -

۹۵- تین :

رسیدن به بهشت - رسیدن به پاداش بسیار - رفع ضرر غذا

۹۶- علق :

شهید از دنیا رفتن — همانند کسی است که در رکاب پیامبر جنگیده — پاداش تلاوت یک جزئ از قرآن — در امان

ماندن از غرق شدن — در امان ماندن انبار از آفت دزد — دفع بلاهای سفر

۹۷- قدر :

گوئی در راه خدا جهاد کردن — بخشوده شدن گناهان — پدایشی همچو یک ماه روزه گرفتن در رمضان — در امان

ماندن انبار از آفت و دزد — همنشینی با بهترین مخلوقات در قیامت — درمان لرزه های اعضای بدن — در پناه

خداوند بودن- حفظ اموال — افزایش برکت انبار غقله

۹۸- بینه :

بیزاری از مشرکان — پیوستن به دین محمد — در زمره مومنان برانگیخته شدن — اسان شدن محاسبه در روز قیامت

قیامت — درمان لقوه — رسوا شدن دزد — درمان یرقان — درمان آب مروارید و پیسی-رفع هر نوع آماس — سود

بخشیدن به زن باردار

۹۹- زلزال:

رفع زلزله — نمردن با بلایای دنیایی — خارج شدن اسان روح از بدن — رسیدن به منزلگه بهشتی — همراهی

فرشتگان — رسیدن به پاداش تلاوت ربع قرآن — رسوا کردن دزد — رهایی از ترس — دفع لرزش بدن

۱۰۰- عادیات :

مبعوث و همنشین شدن همراه حضرت علی-رسیدن به پاداش تلاوت کل قرآن -ادای سریع قرض -رفع بیماری

ترس و تشنگی

۱۰۱- قارعه:

در امان ماندن از دجال و آتش جهنم -سنگین گشتن ترازوی احسان -گشوده شدن در رحمت -فزونی رزق-آسان

گشتن کار برای انسان محروم -نیکو گشتن تجارت

۱۰۲- تکاثر:

رفع عذاب قبر -مقرر داشتن صواب صد شهید -ایستادن چهل ردیف فرشته در نماز با وی -رفع بازخواست -

بخشوده شدن گناهان -در پناه خدا بودن

۱۰۳- عصر:

برانگیخته شدن با چهره خندان و درخشان در قیامت-اعطای حسنات -عاقبت به خیر شدن -از جمله پیروان حق

و حقیقت شدن -حافظ اشیای مدفون

۱۰۴- همزه:

دفع فقر -فزونی رزق-دفع مرگ بد -اعطای پاداش-درمان درد چشم

۱۰۵- فیل:

شهادت دشت ها بیابان ها و کوهها به نماز گزار بودن او در قیامت -بازخواست نشدن در قیامت -در امان ماندن از عذاب و مسخ نشدن در دنیا- توان اینکه هدفش را خورد سازد -به لرزه افتادن لشکر دشمن -قلب را قوت می

دهد

۱۰۶- قریش:

سوار بر مرکب بهشتی برانگیخته شدن -اعطای پاداشی چون طواف خانه خدا و اعطاکاف در مسجدالحرام -

۱۰۷- ماعون :

همانند کسی شدن که نماز و روزه اش مورد قبول خدا قرار گرفته-محاسبه نشدن در قیامت -بخشوده شدن گناهان

-محافظة

۱۰۸- کوثر:

از حوض کوثر سیراب شدن -هم صحبتی با رسول خدا -اعطای پاداش -دیدن پیامبر در خواب

۱۰۹- کافرون:

رسیدن به ثواب تلاوت ربع قرآن -از شرک مبرا شدن -بخشیده شدن گناهان او پدر و مادر و فرزندان -

سعادت مند شدن شهید مردن و شهید بر انگیزته شدن دور ماندن از گزند شیطان -در امان ماندن از وحشت قیامت

-حفظ در هنگام بر آورده شدن حاجات

۱۱۰- نصر:

پیروز شدن بر تمام دشمنان - بر انگیزته شدن با کتاب ناطق - پناه از گرمای دوزخ و آتش جهنم - به بهشت رفتن

- گشوده شدن درهای خیر و برکت در دنیا - استجابت حاجات - ثواب کسی که در رکاب پیامبر و در فتح مکه بوده

- پذیرفته شدن نماز در درگاه الهی

۱۱۱ - لهب (مسد):

تفر از ابو لهب - تسکین درد شکم در پناه خدا بودن

۱۱۲ - اخلاص (توحید):

بخشوده شدن گناهان پنجاه سال - اعطای خیر در دنیا و آخرت - بخشیده شدن گناهان او پدر و مادر و فرزندان

- پس از مرگ فرشتگان و جبرئیل بر بدن او نماز می خوانند - در امان بودن از بدیهای مردم - رفع بیماری شر و

زور - پذیرفته شدن توبه - حفاظت از او - گناه نکردن - همچون تلاوت یک سوم قرآن و تورات و انجیل و زبور

بودن در امان بودن مال و ثروت - دور شدن فقر از خانه - تلاوت آن مانند تلاوت تمام قرآن است - نجات از

عذاب دوزخ خدا دوستار او خواهد بود - حافظ در برابر هر آفت و بلا بودن - تسکین درد شکم - اعطای پاداش

- پیروزی بر دشمنان

۱۱۳ - فلق:

در امان بودن از درد و بیماری - در امن بودن از بیماری کودکان و بیماری تشنگی و بیماری معده - محفوظ و

سالم ماندن تا زمان مرگ - پاداش همچون کسی که حج واجب و عمره نموده و روزه گرفته مقرر داشتن دفع چشم

زخم و بدی ها و بلایا - رسیدن به پاداش بزرگ همانند کسی که در مکه روزه گرفته بودن

در امان بودن از درد بیماری - امن بودن از بیماری کودکان و بیماری تشنگی و معده - در امان و حفظ خدا بودن

- در امان بودن از گزند جنیان و وسوسه - پذیرفته شدن نماز .

منبع: تبیان.نت

## دانستنی های کوتاه قرآنی

- ۱) تعدادسوره هاي قرآن: ۱۱۴
- ۲) تعدادآیات قرآن: ۶۲۳۶
- ۳) تعدادکلمات قرآن: ۷۷۸۰۷
- ۴) تعدادجزء هاي قرآن: ۳۰
- ۵) تعداد حزب هاي قرآن: ۱۲۰
- ۶) تعدادسوره هاي مكي: ۸۶
- ۷) تعداد سوره هاي مدني: ۲۸
- ۸) تعدادسوره هايي که با حروف مقطعه آغاز میشوند: ۲۹
- ۹) تعدادسوره هايي که با قسم خوردن (سوگند) آغاز میشوند: ۱۵
- ۱۰) تعداد سوره هايي که قسم خوردن (سوگند) در آنها دیده میشود: ۲۲
- ۱۱) تعدادسوره هاي جزء سي قرآن: ۳۷
- ۱۲) تعدادسوره هايي که با لفظ (ايهاالنبي) آغاز میشوند: ۳سوره: احزاب، طلاق و تحریم.
- ۱۳) تعدادسوره هايي که با لفظ (ياايهاالناس) آغاز میشوند: ۲سوره: نساء و حج.
- ۱۴) تعداد سوره هايي که با لفظ (ياايهاالذين آمنوا) آغاز میشوند: ۳سوره: مائده، حجرات و ممتحنه.
- ۱۵) تعدادسوره هايي که با لفظ (الحمدلله) آغاز میشوند: ۵سوره: حمد، انعام، کهف، سبا و فاطر.
- ۱۶) تعدادسوره هايي که با لفظ (اذا) آغاز میشوند: ۷سوره: واقعه، منافقون، تکویر، انفطار، انشقاق، زلزال و نصر.
- ۱۷) تعداد سوره هايي که با لفظ (انا) آغاز میشوند: ۴سوره: فتح، نوح، قدر و کوثر.
- ۱۸) تعداد سوره هايي که با لفظ (الم) آغاز میشوند: ۶سوره: بقره، عنکبوت، آل عمران، روم، سجده و لقمان.

- ۱۹) تعدادسوره هايي كه بالفظ (الر) آغاز ميشوند: ۵سوره: هود، يونس، يوسف، ابراهيم و حجر.
- ۲۰) تعدادسوره هايي كه با لفظ (تبارك الذي) آغاز ميشوند: ۲سوره: فرقان و ملك.
- ۲۱) تعدادسوره هايي كه با لفظ (حم) آغاز ميشوند: ۶سوره: دخان، جاثيه، احقاف، زخرف، فصلت و مومن.
- ۲۲) تعدادسوره هايي كه با لفظ (سبح يا يسبح) آغاز ميشوند: ۶سوره: حشر، صف، جمعه، تغابن و اعلي.
- ۲۳) تعدادسوره هايي كه با لفظ (قد) آغاز ميشوند: ۲سوره: مومنون و مجادله.
- ۲۴) تعدادسوره هايي كه با لفظ (قل) آغاز ميشوند: ۵سوره: جن، كافرون، توحيد، فلق و ناس.
- ۲۵) تعدادسوره هايي كه با لفظ (ويل) آغاز ميشوند: ۲سوره: مطففين و همزه.
- ۲۶) تعدادسوره هايي كه با لفظ (هل) آغاز ميشوند: ۲سوره: غاشيه و دهر.
- ۲۷) تعدادسوره هايي كه به اسم پيامبران است: ۶سوره: ابراهيم، نوح، هود، يوسف، يونس و محمد(ص).
- ۲۸) تعدادسوره هايي كه به نام حيوانات است: ۶سوره: بقره (گاوماده)، نحل (زنبور عسل)، نمل (مورچه)، عنكبوت،

عاديّات (اسباهي تندرو) و فيل.

- ۲۹) قرآن كريم در مدت چندسال نازل شد: ۲۳سال (۱۳سال در مكه و ۱۰سال در مدينه).
- ۳۰) قرآن كريم به چند صورت نازل شد: ۲صورت (يكبار دفعي و يكبار هم تدريجي).
- ۳۱) کدام سوره بزرگترين سوره قرآن است: سوره بقره با ۲۸۶آيه.
- ۳۲) کدام سوره كوته‌ترين سوره قرآن است: سوره كوثر با ۳آيه.
- ۳۳) کدام سوره دو مرتبه بر پيامبر (ص) نازل گرديد: سوره حمد.
- ۳۴) کدام سوره (بسم الله الرحمن الرحيم) ندارد: سوره توبه (برائت).
- ۳۵) کدام سوره دو (بسم الله الرحمن الرحيم) دارد: سوره نمل (در آغاز و در آيه ۳۰).
- ۳۶) کدام سوره در آغاز بر پيامبر (ص) نازل شد: سوره علق (اقرء باسم ربك).
- ۳۷) کدام سوره در وسط قرآن قرار دارد: سوره كهف (هيچدهمين سوره).
- ۳۸) کدام سوره آخرين بار بر پيامبر (ص) نازل شد: سوره نصر (درسال دهم هجرت در حج الوداع).
- ۳۹) کدام سوره در تمام آيات آن لفظ جلاله (الله) بكار رفته است: سوره مجادله: ۴۰بار.
- ۴۰) کدام سوره قلب قرآن است: سوره يس (ياسين).
- ۴۱) کدام سوره به عروس قرآن معروف است: سوره الرحمن.
- ۴۲) کدام سوره احسن القصص است: سوره يوسف.
- ۴۳) کدام سوره به زبان بندگان نازل گرديده است: سوره حمد.
- ۴۴) کدام سوره به سوره امام حسين(ع) معروف است: سوره فجر.
- ۴۵) کدام سوره در شان حضرت علي(ع) و حضرت فاطمه(س) بخاطر بخشيدن غذا است: سوره دهر (هل اتي).

- (۴۶) کدام سوره با قسم آغاز و با حمد به پایان میرسد: سوره صافات.
- (۴۷) کدام سوره به نام يك کشور است: سوره روم.
- (۴۸) کدام سوره به نام يك قوم است: سوره سبا.
- (۴۹) کدام سوره خواندنش در نماز ها واجب است: سوره حمد.
- (۵۰) کدام سوره (آیه الكرسي) در آن قرار دارد: سوره بقره.
- (۵۱) کدام سوره به بني اسرائيل معروف است: سوره اسراء.
- (۵۲) کدام سوره به رسالت حضرت محمد(ص) از زبان حضرت عیسی(ع) بشارت داده است: سوره صف (آیه ۶).
- (۵۳) کدام سوره اشاره به پناه بردن به خدا از شر شیطان در شروع به خواندن قرآن دارد: سوره نحل (آیه ۹۸).
- (۵۴) کدام سوره خواندنش برابر با ثلث قرآن است: سوره توحید.
- (۵۵) کدام سوره خواندنش برابر با ربع قرآن است: سوره کافرون.
- (۵۶) کدام سوره خواندنش به زنان سفارش شده است: سوره نور.
- (۵۷) کدام سوره خواندنش به زنان سفارش نشده است: سوره یوسف.
- (۵۸) کدام سوره با (ن) آغاز و پایان میپذیرد: سوره قلم.
- (۵۹) کدام سوره اشاره به وجوب نماز شب بر پیامبر(ص) دارد: سوره مزمل.
- (۶۰) کدام سوره اشاره به سال تولد پیامبر اسلام(ص) و داستان تخریب کعبه دارد: سوره فیل.
- (۶۱) کدام سوره با لفظ (سوره) آغاز شده است: سوره نور.
- (۶۲) کدام سوره بیشترین لفظ (یاایهاالذین آمنوا) را دارد: سوره مائده (۱۶ بار).
- (۶۳) کدام سوره هفتاد اسم الهی (غیر از الله) در آن است: سوره انعام.
- (۶۴) کدام سوره در هنگام نزول هفتاد هزار فرشته آن را بدرقه نمودند: سوره انعام.
- (۶۵) کدام سوره هفت سوگند پیاپی در آن آمده است: سوره شمس.
- (۶۶) کدام سوره است که نام يك پیامبر ۲۵ بار در آن آمده است: سوره یوسف.
- (۶۷) کدام سوره بیشترین سوگند در آن بکار رفته است: سوره شمس (۱۱ سوگند).
- (۶۸) کدام سوره دارای دو سجده مستحبی است: سوره حج.
- (۶۹) کدام سوره به سوره تودیع معروف است: سوره نصر.
- (۷۰) کدام سوره به هنگام وضو گرفتن خواندنش مستحب است: سوره قدر.
- (۷۱) کدام سوره به نسب نامه (شناسنامه) خداوند معروف است: سوره توحید.
- (۷۲) کدام سوره به نسب نامه (شناسنامه) اهل بیت (ع) معروف است: سوره قدر.

(۷۳) کدام سوره است که از ۲۸ حرف عربی، حروف (ث،خ،ج،ف،ظ،ش،ز) در آن دیده نمیشوند: سوره حمد.

(۷۴) کدام سوره است که تمام آیاتش به (د) ختم میشود: سوره توحید.

(۷۵) کدام سوره است که تمام آیاتش به (ر) ختم میشود: سوره کوثر.

(۷۶) کدام سوره است که تمام آیاتش به (س) ختم میشود: سوره ناس.

(۷۷) کدام سوره است که تمام آیاتش به (ي) ختم میشود: سوره لیل.

(۷۸) کدام سوره به سوره پاکدامنی و عفت معروف است: سوره نور.

(۷۹) کدام سوره یکجا و علنی اولین بار توسط پیامبر (ص) بر مردم مکه خوانده شد: سوره نجم.

(۸۰) کدام سوره داستان موسی (ع) و خضر (ع) را در خود دارد: سوره کهف.

(۸۱) کدام سوره صفات متعدد (عباد الرحمن) را بیان میکند: سوره فرقان.

(۸۲) کدام سوره به دسته (اصحاب یمین، اصحاب شمال و سابقون) اشاره دارد: سوره واقعه.

(۸۳) کدام سوره به نام کوهی است که در آن حضرت موسی (ع) با خدا مناجات کرد: سوره طور.

(۸۴) کدام سوره که داستان ذوالقرنین در آن آمده است: سوره کهف.

(۸۵) کدام سوره ها از همنام های قرآن بشمار میروند: سوره های فرقان و نور.

(۸۶) کدام سوره ها به معوذتین معروف اند: سوره های فلق و ناس.

(۸۷) کدام سوره هابه فرموده پیامبر (ص) او را پیرکردند: سوره های هود، واقعه، مرسلات و نباء.

(۸۸) کدام سوره ها در شب قدر خواندن آنها سفارش شده است: سوره های عنکبوت و روم.

(۸۹) کدام سوره ها سجده واجب دارند: سوره های سجده (آیه ۱۵)، سوره فصلت (۳۷)، سوره نجم (۶۲) و سوره

علق (۱۹).

(۹۰) کدام سوره ها به سوره های (سبع الطول) معروف اند: بقره، آل عمران، نساء، مائده، انعام، اعراف، انفال و

برائت.

(۹۱) کدام سوره ها به زهراوان معروف اند: سوره های بقره و آل عمران.

(۹۲) کدام سوره ها به طواسین معروف اند: سوره های نمل، شعراء و قصص (اول آنها با طس و طسم شروع شده

است).

(۹۳) کدام سوره ها به عزائم معروف اند: سوره های سجده، فصلت، نجم و علق (سوره هایی که سجده واجب

دارند).

(۹۴) چندسوره سجده مستحبی دارند: ۱۱ سوره

- (۹۵) بزرگترین سوره مکی چه نام دارد: سوره شعراء (۲۲۷ آیه).
- (۹۶) بزرگترین و اولین سوره مدنی چه نام دارد: سوره بقره (۲۸۶ آیه).
- (۹۷) کوتاهترین سوره قرآن کریم چیست: سوره کوثر (۳ آیه و ۱۰ کلمه).
- (۹۸) بلندترین آیه قرآن کریم چیست: آیه ۲۸۲ (بقره).
- (۹۹) کوتاهترین آیه قرآن کریم چیست: مدهامتان (در سوره الرحمن).
- (۱۰۰) بلندترین کلمه قرآن چیست: فاسقیناکموه (در سوره حجر).
- (۱۰۱) کلمه وسط قرآن چیست: ولیتلطف (در سوره کهف).
- (۱۰۲) کلمه قرآن در کدام سوره بیشتر آمده است: سوره اسرا.
- (۱۰۳) کدام کلمه در تمام سوره ها بکار رفته است: الله.
- (۱۰۴) تاج سوره ها که بهترین و مهمترین آیات است: بسم الله الرحمن و الرحيم.
- (۱۰۵) آیه (فبای الاء ربکما تکذبان) چند بار و در چه سوره ای بکار رفته است: ۳۱ بار در سوره الرحمن.
- (۱۰۶) اولین آیه ای که بر حضرت پیامبر اسلام (ص) نازل شد: اقراء باسم ربک الذي خلق (آیه اول سوره علق).
- (۱۰۷) آخرین آیه ای که بر حضرت پیامبر اسلام (ص) نازل شد: الیوم اکملت لکم دینکم و...
- (۱۰۸) بزرگترین عدد در قرآن چیست: صد هزار (و ارسلناه الی مائه الف...) در سوره صافات آیه ۱۴۷.
- (۱۰۹) در آیه الكرسي لفظ مقدس (الله) چندبار آمده است: چهار بار.
- (۱۱۰) تنها صفت الهی که در تمام سوره ها به جز سوره توبه آمده اند: رحمن.
- (۱۱۱) قسمتی از یک آیه است که از دو سوی به یک شکل خوانده میشود: ربک فکبر.
- (۱۱۲) دو آیه که تمام حروف الفبای عربی در آنها بکار رفته است: آیه ۱۵۴ آل عمران و آیه آخر سوره فتح.
- (۱۱۳) آیه ای که سه بار کلمه (رب) در آن تکرار شده است: آیه ۳۶ سوره جاثیه.
- (۱۱۴) خداوند در سوره بلد به چه شهری قسم یاد کرده است: مکه (هذا البلد).
- (۱۱۵) آیه حجاب در چه سوره ای است: سوره نور (آیه ۳۱).
- (۱۱۶) آیه ولایت (انما ولیکم الله و رسوله و الذین آمنوا...) در چه سوره ای آمده است: سوره مائده (آیه ۵۵).
- (۱۱۷) آیه اطاعت (اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و ...) در چه سوره ای است: سوره نساء (آیه ۵۹).
- (۱۱۸) آیه صلوات فرستادن بر پیامبر اسلام (ص) و آتش (ع) در چه سوره ای آمده است: سوره احزاب (آیه ۵۶).
- (۱۱۹) آیه مودت اهل بیت پیامبر (ص) (قل لا اسئلكم علیه اجرا...) در چه سوره ای است: سوره شوری (آیه ۲۳).
- (۱۲۰) آیه تطهیر پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) (انما یرید الله لیذهب ...) در چه سوره ای است: سوره احزاب )
- آیه ۳۳).

(۱۲۱) آیه اسوه بودن پیامبر (ص) (لقد كان لكم في رسول الله اسوه حسنه) در چه سوره اي است: سوره احزاب ( آیه ۲۱).

(۱۲۲) آیه وجوب روزه گرفتن در چه سوره اي آمده است: سوره بقره (آیه ۱۸۳).

(۱۲۳) آیه مراحل وضو گرفتن در چه سوره اي است: سوره مائده (آیه ۶).

(۱۲۴) اولین قسم (سوگند) از چه سوره اي آغاز شده است: سوره صافات.

(۱۲۵) آیه اي که نخستين بار به مسلمانان اجازه جهاد داد کدام است: سوره حج (آیه ۳۹)

(۱۲۶) آیه الكرسي (الله لا اله الا هوحي القيوم) در چه سوره اي است و شامل چند آیه است: سوره بقره وسه آیه ( آیات ۲۵۵ تا ۲۵۷).

(۱۲۷) آیه استرجاع (بازگشت به سوي خدا) در چه سوره اي است: سوره بقره (آیه ۱۵۶).

(۱۲۸) آیه رفع زخم چشم (و ان يكاد...) در چه سوره اي است: سوره قلم (آیه ۵۱).

(۱۲۹) آیه وحدت (و اعتصموا بحبل الله...) در چه سوره اي است: سوره آل عمران (آیه ۱۰۳)

(۱۳۰) آیه تعاون (و تعاونوا علي البر...) در چه سوره اي است: سوره مائده (آیه ۲).

(۱۳۱) آیه پيروي حق (جاء الحق و زهق الباطل...) در چه سوره اي است: سوره اسرا (آیه ۸۱).

(۱۳۲) آیه بشارت به مستضعفين (و نريد ان نمي علي الذين استضعفوا...) در چه سوره اي است: سوره قصص ( آیه ۵).

(۱۳۳) آیه مصونيت قرآن (انا نحن نزلنا الذكر...) در چه سوره اي است: سوره حجر (آیه ۹)

(۱۳۴) آیه شهيدان زنده اند (و لاتحسبن الذين قتلوا...) در چه سوره اي است: سوره آل عمران (آیه ۱۶۹).

(۱۳۵) آیه اضطراب و درماندگي (امن يجيب المضطر اذا دعاه...) در چه سوره اي است: سوره نمل (آیه ۶۲).

(۱۳۶) آیه تهيه نيرو و آمادگي (و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه...) در چه سوره اي است: سوره انفال (آیه ۶۰).

(۱۳۷) آیه قرض الحسنه (ان تقرضوا الله قرضا حسنا...) در چه سوره اي است: سوره تغابن (آیه ۱۷).

(۱۳۸) آیه نيکو خواندن قرآن (و رتل القرآن ترتيلا) در چه سوره اي است: سوره مزمل (آیه ۴).

(۱۳۹) آیه آرامش قلوب (الا بذكر الله تطمئن القلوب) در چه سوره اي است: سوره رعد (آیه ۲۸).

(۱۴۰) آیه اي که مي گويد همه ميميرند (كل نفس ذائقة الموت...) در چه سوره اي است: سوره آل عمران ( آیه ۱۸۵).

(۱۴۱) آیه اسراف نکردن (كلوا و اشربوا و لاتسرفوا) در چه سوره اي است: سوره اعراف (آیه ۳۱).

(۱۴۲) آیه نزول قرآن (شهر رمضان الذي انزل فيه القرآن) در چه سوره اي است: سوره بقره (آیه ۱۸۵).

۱۴۳) آیه شرح صدر (رب اشرح لي صدري...) در چه سوره اي است: سوره طه (آیه ۲۵).  
۱۴۴) آیه گوش دادن و سکوت به قرائت قرآن (و اذا قرء القرآن فاستمعوا...) در چه سوره اي است: سوره اعراف (آیه ۲۰۴).

۱۴۵) آیه بقیه الله (بقیه الله خیر لکم ان کنتم مومنین) در چه سوره اي است: سوره هود (آیه ۸۶).  
۱۴۶) آیه غیبت نکردن (و لا یغتب بعضکم بعضا...) در چه سوره اي است: سوره حجرات (آیه ۱۲).  
۱۴۷) آیه نهی از راه رفتن مغرورانه (و لاتمش فی الارض مرحا) در چه سوره اي است: سوره اسرا (آیه ۳۷).  
۱۴۸) آیه انتخاب و اختیار (انا هدیناه السبیل اما شاکرا و اما کفورا) در چه سوره اي است: سوره ده (آیه ۳).  
۱۴۹) آیه اراده بیداری از خواب (قل انما انا بشر مثلكم...) در چه سوره اي است: سوره کهف (آیه ۱۱۰ آخر).  
۱۵۰) آیه خیانت نکردن در امانات (لا تخونوا الله و الرسول...) در چه سوره اي است: سوره انفال (آیه ۲۷).  
۱۵۱) آیه برتری متقین (ان اکرمکم عندالله اتقاکم) در چه سوره اي است: سوره حجرات (آیه ۱۳).

منبع: [www.quran.porsemani.ir](http://www.quran.porsemani.ir)

## تازه های قرآنی

اهرام مصر و سخن قرآن درمورد آن

برای دانشمندان غربی روشن گردیده سنگهایی که از آنها برای ساختن اهرام درمصر استفاده می شده فقط

از جنس....

برای دانشمندان غربی روشن گردیده سنگهایی که از آنها برای ساختن اهرام درمصر استفاده می شده فقط از جنس

گل بوده است و این دانشمندان تصویری کنند که این کشف علمی اختصاص به آنان دارد ، درحالیکه قرآن کریم

در ۱۴ قرن پیش در این کشف از آنان سبقت گرفته است !...

پژوهشگران فرانسوی و آمریکایی تاکید دارند که سنگهای غول پیکری که فراعنه برای ساخت اهرام استفاده می

کردند فقط از گل ساخته شده اند که تحت حرارت بالا قرار می گرفتند؛ این حقیقتی است که قرآن کریم آن را با

دقت تمام بیان کرده است. خداوند حکیم در قرآن از قول فرعون می فرماید :

" اي هامان! براي من آتشي بر گل بيفروز و برايم ساختمان (عظيم و) مرتفعي بنا کن شايد که من از خدای موسي

خبري به دست آورم وبه راستي گمان مي کنم که اواز دروغگويان است. " (قصص/۳۸)

تصاويري که ميکروسکوپ الکتروني از جزييات سنگهاي به کار گرفته شده در اهرام مصر در معرض ديد عموم

قرار داده است و همچنين اسناد علمي ثابت کرده اند که براي ساخت ساختمانها و برجهاي مرتفع و غول پيکر در آن

عصر از گل استفاده مي شده است ؛ درست به همان صورتي که در قرآن مجيد آمده است و اين رازي بوده که فراعنه

آن را پنهان مي کرده اند ؛ ولي خداوند اسرار پنهاني را مي داند و از اين روست که از اين حقيقت سخن به ميان آورده

است تا نشانه اي بر صدق اين کتاب عظيم باشد .

-----  
به قلم: عبد الدائم الكحيل

پس امروز جسد (بی جان) تورانجات می دهیم

اي هامان! براي من آتشي بر گل بيفروز و برايم ساختمان (عظيم و) مرتفعي بنا کن شايد که من از خدای موسي....

فرعون طاغوت عصر خود بود . خداوند متعال در قرآن کریم در مورد داستان فرعون ، سرکشي او و عاقبت وي مي

فرمايد :

" وفرعون گفت : اي مردم ! من هيچ خدائي را غير از خودم خدای شما نمي دانم ؛ " اي هامان! براي من آتشي

بر گل بيفروز و برايم ساختمان (عظيم و) مرتفعي بنا کن شايد که من از خدای موسي خبري به دست آورم وبه راستي

گمان مي کنم که اواز دروغگويان است \* فرعون و لشکريانش به ناحق در زمين تکبر (وسرکشي) کردند و چنين

پنداشتند که به سوي ما باز نخواهند گشت \* پس ما هم او و لشکريانش را (به کيفر آنچه کردند) مواخذه کردیم و آنان

را در دريا غرق نمودیم ؛ پس بنگر که عاقبت ستمکاران چگونه بود \* " ( قصص/۴۰-۳۸ ).

ولي خداوند متعال اراده کرد که او را غرق کند و سپس جسدش را باقي گذارد تا امروزه مردم عصر ما اين جسد را

بينند تا جايي که اين موضوع اعجاب دانشمندان را برانگيزد و اين در حالي است که جسد فرعون هنوز همچنان گذشته

سالم باقي مانده است!

دانشمندانی که کارسرپرستی جسد مومیایی او را به عهده دارند ، ازاینکه چگونه جسد فرعون علیرغم غرق شدنش

نجات یافته ، از اعماق دریا بیرون آورده شده وامروزه به دست ما رسیده است شگفت زده شده اند واین همان

حقیقتی است که قرآن درآیه ای عظیم آن را بیان فرموده است .

خداوند بلند مرتبه دراین مورد می فرماید :

" (ای فرعون!) امروزجسد (بی جان) تورا نجات می دهیم تا برای آیندگانی که پس ازتومی آیند نشانه ای باشد

و به راستی که بسیاری از مردم از نشانه های ما غافل هستند . " (یونس/۹۲)

به قلم: عبد الدائم الکحیل

تا زمانی که خودشان را تغییر دهند

تا زمانی که خودشان را تغییر دهند :

با آن همه مهربانی به خلق، حال هیچ قومی را دگرگون نخواهد کرد تا زمانی خود آن قوم حالشان را تغییر دهند...

آیا تا به حال خواستید که زندگی خود را تغییر دهید؟ چرا ما همگی در آرزوی ایجاد يك تغییر در زندگی خود

هستیم ولي بدون هیچ فایده ای؟ و چرا وضع ما همان طور که بوده است می ماند؟

دانشمندان بر این موضوع تأکید دارند که يك نوع نیروی تغییر در درون ما نهفته است که ما از آن بی خبر هستیم

و باید برای رسیدن به آن به خود اطمینان و اعتماد داشته باشیم. با این اعتماد به نفس میتوان نصف راه را به

سوی تغییر طی کرد.

چون که خواسته خداوند، خانواده و همچنین زندگی آن را از تو خواسته است.

خداوند می فرماید:

با آن همه مهربانی به خلق، حال هیچ قومی را دگرگون نخواهد کرد تا زمانی خود آن قوم حالشان را تغییر دهند.

(سوره رعد – آیه ۱۱)

به همین دلیل سعی کن همیشه بر خدا توکل کنی و روزی هفت بار این آیه را تکرار کنی

"آنچه خود تصمیم گرفتی با توکل بر خدا انجام ده که خدا آنان را که بر او اعتماد کنند دوست دارد. (سوره آل

عمران – آیه ۱۵۹)

با توکل بر خدا هرگز به راه خطا نخواهی رفت بلکه تمام تصمیمات درست را خواهی گرفت زیرا که خداوند تو

را به این راه هدایت کرده و کسی که به خدا اعتماد کند و بر او توکل کند، خداوند راه صحیح و درست را به او

نشان می دهد.

می فرماید:

هر کس بر خدا توکل کند همانا او یار و پشتیبانش خواهد بود. (سوره طلاق – آیه ۳)

-----

بقلم عبد الدائم الکحیل

تأثیر «بسم الله الرحمن الرحيم» بر آب زمزم

مرکز پژوهشی «هادو» توکیو در تحقیقی جامع با استفاده از فن آوری نانو، تأثیر تلاوت آیه «بسم الله الرحمن

الرحيم» بر آب زمزم را مورد بررسی قرار داد.

ماسارو ایموتو، رئیس مرکز پژوهشی «هادو» توکیو با بیان این که در این تحقیق به نتایج ارزنده و عجیبی

دست یافته اند، گفت: تلاوت آیه «بسم الله الرحمن الرحيم» تأثیر عجیبی بر روی بلورهای آب زمزم دارد به طوری

که هنگام تلاوت این آیه مبارك حباب های زیبایی بر روی آب تشکیل می شود.

این پژوهشگر ژاپنی تصریح کرد: از بزرگترین تجاربی که در نتیجه آزمایش بر روی آب زمزم به دست آمده، این

است که هنگامی که در کنار ظرفی از آب زمزم آیاتی از قرآن کریم تلاوت شود، بلورهایی رمزگونه و زیبا بر

روی آن شکل می گیرد.

رئیس مرکز پژوهشی «هادو» با اشاره به این که آب زمزم ویژگی های خاصی دارد که تغییر در آن امکان پذیر

نیست، افزود: این آب ویژگی های منحصر به فردی دارد که در سایر آب ها یافت نمی شود.

وی گفت: با توجه به آزمایش ها و مطالعات زیادی که بر روی آب زمزم انجام شد، این نتیجه به دست آمد که اگر يك

قطره از آب زمزم با هزار قطره آب معمولی مخلوط شود، بلورهای تشکیل دهنده آن تغییر شکل داده و خاصیت آب

زمزم را پیدامی کنند.

## زوجیت در گیاهان

### زوجیت گیاهان:

قرآن به اینکه گیاهان به صورت نر و ماده هستند اشاره می کند.

«و انزل من السماء ماء فاخرجنا به ازواجنا من نبات شتی» طه ۵۳

«واز آسمان آبی فرو فرستادیم و بوسیله آن جفت هایی از گیاهان گوناگون رویاندیم»

« در سال ۱۷۳۱ میلادی ، دانشمند سوئدی «کارل لینه» نظریه خود را مبنی بر وجود زوجیت در بین گیاهان

اعلام کرد که تعجب بسیاری را برانگیخت. بعد از مدتی، کتاب وی از طرف کلیسا مورد نهی. شدید قرار گرفت

به هرحال دیری نپایید که این نظریه، مورد قبول و تایید مجامع علمی قرار گرفت و هم اکنون همه آن را

پذیرفته اند. با آنکه همه می دانیم، قرآن یک کتاب علمی نیست که هدف از آن تبیین علوم مختلف باشد، ولی در

راستای تأمین اصلی ترین هدف خود، یعنی هدایت انسانها، در مواردی نکاتی را یادآور شده است که حکایت از

عظمت منبع وحی و اعجاز قرآن کریم دارد.

اشاره ی قرآن به وجود کلروفیل

وهوالذی انزل من السماء ماء فاخرجنا به نبات کل شیء فاخرجنا منه خضرا نخرج منه حبا متراكبا و من النخل من

طلعها قنوان دانیه و جنات من اعناب والزیتون و الرمان مشتبها و غیرمشتابه انظروا الی ثمره اذا اثمر وینعه ان فی

ذلکم لآیات لقوم یؤمنون. " (انعام/۹۹)

و این اوست که از ابر باران میفرستد، با آن جوانه های انواع رستنیها را در میآوریم، و از جوانه ماده سبز را

درمی آوریم، که با آن ماده سبز دانه های خوشه ای درست میکنیم، و از تاره های نخل پَنگهای خوردنی درست

می کنیم، و باغهای انگور و زیتون و انار که ترکیبات مشترک زیادی دارند ولی همانند نمائی نمی کنند را درست

می کنیم

یکی از جنبه های اعجازگر کتاب آسمانی قرآن، تبیین حقایقی است که در زمان نزول آن برای اهل علم مکشوف

نبوده و پیشرفت های علمی در قرون و اعصار سپس تر، بر درستی آن صحه گذارده است. یکی از این نمونه های اعجاز علمی قرآن، وجود ماده سبز گیاهی است. توضیح اینکه در سلول گیاهی کیسه های غشائی هست که در آن موادی درست می شود که کلروفیل نامیده می شود. کلروفیل به معنی «ماده سبز گیاهی و سبزینه» است که معادل آن در عربی «خَضِر» است (یعنی همان چیزیکه در آیه مطرح شده است). این ماده سبز (خضر) انرژی نوری خورشید را جذب می کند و به انرژی شیمائی تبدیل می کند.

## شگفتی های قرآن

(۱) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: برای قرآن ظاهری و باطنی است، ظاهر آن حکم و باطن آن علم است. ظاهر آن زیبا و دل انگیز و باطن آن ژرف و عمیق است. آن را نجومی، و بر نجوم آن نجومی است. در تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳ به جای نجوم، به معنی ستارگان و دسیسه ها، تخوم به معنی مرزها و حدود آمده است.

شگفتی های آن از شماره بیرون است و غرایب و عجایب آن کهنه نمی شود، در آن چراغ های هدایت و مشعل های حکمت است ...

اصول کافی، ج ۲، ص ۵۹۹

(۲) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: قرآن را درست بخوانید و در جستجوی شگفتی های آن باشید.

بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۱۰۹

(۳) امام سجاد علیه السلام فرمود:

خدایا! بر محمد و آلش درود فرست ، و چنان قرار ده ... تا فهم شگفتی های قرآن را نصیب دل های ما گردانی.

صحیفه ی سجّادیه، دعای ۴۲

(۴) امام حسین علیه السلام فرمود: کتاب خدای ، عزوجل ، دارای چهار بخش است : عبارت ظاهر ، اشاره ،

لطایف و حقایق.

عبارت ظاهر برای عوام ، اشارت برای خواص ، لطایف برای اولیا و حقائق برای انبیاء است.

بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۲۰

(۵) امام صادق علیه السلام فرمود: قرآن را تأویلی است که بعضی از آن آمده و بعضی هنوز نیامده است، پس

چون تأویل در زمان امامی از امامان واقع شود ، امام آن زمان ، آن را خواهد دانست.

بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۲۰

و شگفتی اعراب جاهلیت از قرآن

عرب جاهلی از جهاتی درباره قرآن انگشت تعجب به دندان میگرفت و در حیرت عمیق فرو میرفت و آن جهات

عبارتند از:

۱- او با ذوق سرشار خود دریافت که زیبایی لفظ و شیوایی اسلوب و هماهنگی آیات، کاملاً بی سابقه است و

سیمای ظاهری آن نه مانند شعر است زیرا فاقد وزن و قافیه است، علاوه بر این در آن تخیلات شعری وجود ندارد

و نه مانند نثر است که از هر نوع قید خالی و دور باشد بلکه دارای انسجام و فواصل خاصی است که او را از

دایره نثر معروف بیرون برده است.

۲- قرآن مطالبی را عرضه میدارد که هیچگاه در قصاید و خطبههای عرب وجود نداشته است و هرگز به دنبال

توصیف خرابه و خانه معشوقه و شوق دیدار دوستان و بیان خصوصیات شتر و اسب نیست و محتویات آن از

غزل سرایی و مدح افراد و یا رثا و بیان مصائب اشخاص پیراسته است. درباره زن و عیش و نوش و کوچیدن

کاروان و باده و ساغر سخن نمیگوید و هرگز بسان شاعران در محدوده خاصی بحث نمیکند. این کتاب درباره خدا

و صفات و سرآغاز و سرانجام بشر و زندگی امتهای دیرینه که بر اثر طغیان گرفتار خشم الهی گردیده‌اند و ...

سخن میگوید:

۳- قرآن با الفاظی زیبا، از معانی کاملاً متناسب بدون اینکه لفظ را فدای معنی و یا معنی را فدای لفظ نماید، با

سبکی کاملاً ممتاز و زیبا تعبیر میکند.

- ۴- هرگاه شاعری و یا نویسندگانی عبارتی یادآستانی را تکرار کند، لطف و زیبایی کلام، بر اثر تکرار از بین میرود ولی قرآن گاهی با عباراتی فشرده و موجز و گاهی مبسوط و گسترده، از سرگذشت پیامبر یا از صفات مبدأ و خصوصیات معاد به طور مکرر سخن میگوید و هرگز لطمه‌ای بر لطافت و زیبایی او وارد نمیگردد.
- ۵- در میان خطابه خطیبان و قصاید شعرا گاهی جمله‌ها و ابیاتی درخشندگی خاصی پیدا کرده، خودنمایی میکنند چه از میان اشعار يك قصیده و یا جمله‌های يك خطابه، چند بیت و جمله‌های ارزش هنری و شعری دارند و باقیمانده آنها مبتذل و پیش پا افتاده میباشد. اما قرآن با آن گسترش، تمام آیات آن در سطح عالی و خارق العاده قرار دارد.
- کافی است که در این باره نظری به داستان یوسف که در سوره‌های به طور مبسوط بیان شده است بیفکنیم
- که تمام آیات آن در درجه اعلاي فصاحت و بلاغت قرار دارد.
- ۶- این کتاب معانی بسیار بزرگ را در قالب الفاظی کوتاه ریخته و به طرز بدیعی بیان میکند کافی است در این باره آیه الكرسي و آیات آغاز سوره حدید را ملاحظه بنماییم در این آیه و در آیات آغاز سوره حدید يك جهان حقایق فلسفی و معارف عقلی بیان شده است که عظمت و گسترش معانی و ایجاز جمله‌ها اعجاب افراد را بر میانگیزد.
- ۷- این کتاب میکوشد بشر را با آفرینش و اسرار جهان و فضایل اخلاقی و رذایل نفسانی و حلال و حرام آشنا سازد و پیوسته می‌خواهد که او را معتقد سازد که مرگ پایان زندگی نیست. خطیبان و بلیغان عرب معاصر تحت تأثیر برتری اسلوب و زیبایی ظاهر و شیرینی بیان و رسایی تعبیر و بداعت و ابتکار معانی و عظمت مفاهیم آن قرار گرفته و حیرت و بهت خاصی بر افکار و اندیشه‌های آنان سایه افکنده بود و آنچه که آنان از اعجاب قرآن درك میکردند همین بود و بس. اگر پس از مرور زمان دانشمندان اسلام به جهات دیگری از اعجاز قرآن پی بردند و اعجاز آن را از جهات مختلفی ثابت نموده‌اند، مطلبی است صحیح و استوار ولی این جهات برای عرب معاصر قرآن مطرح نبوده و عقل و فکر و اندیشه آنان به آن نمیرسید.

## ظاهر و باطن قرآن

(۱) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: برای قرآن ظاهری و باطنی است، ظاهر آن حکم و باطن آن علم است.

ظاهر آن زیبا و دل انگیز و باطن آن ژرف و عمیق است. آن را نجومی، و بر نجوم آن نجومی است.  
در تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳ به جای نجوم، به معنی ستارگان و دسیسه ها، تخوم به معنی مرزها و حدود آمده است.

شگفتی های آن از شماره بیرون است و غرایب و عجایب آن کهنه نمی شود، در آن چراغ های هدایت و مشعل های حکمت است ...

اصول کافی، ج ۲، ص ۵۹۹

(۲) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: قرآن را درست بخوانید و در جستجوی شگفتی های آن باشید.

بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۱۰۹

(۳) امام سجاد علیه السلام فرمود:

خدایا! بر محمد و آلش درود فرست ، و چنان قرار ده ... تا فهم شگفتی های قرآن را نصیب دل های ما گردانی.

صحیفه ی سجّادیه، دعای ۴۲

(۴) امام حسین علیه السلام فرمود: کتاب خدای ، عزوجل ، دارای چهار بخش است : عبارت ظاهر ، اشاره ،

لطایف و حقایق.

عبارت ظاهر برای عوام ، اشارت برای خواص ، لطایف برای اولیا و حقائق برای انبیاء است.

بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۲۰

(۵) امام صادق علیه السلام فرمود: قرآن را تأویلی است که بعضی از آن آمده و بعضی هنوز نیامده است، پس

چون تأویل در زمان امامی از امامان واقع شود ، امام آن زمان ، آن را خواهد دانست.

بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۲۰

منبع: qpsh.ir

## دانستنی های زیبا و عجیب قرآنی

قرآن ۱۱۵ بسم الله دارد.

۷۰ بار نام قران در قران بکار رفته است.

بزرگترین سوره قران بقره است.

بهترین نوشیدنی که در قران به ان اشاره شده است شیر میباشد.

کوچکترین سوره قران کوثر میباشد.

بهترین ایه ایه الكرسي است.

ایه ۲۸۲ سوره بقره بزرگترین ایه قران است.

عظیم ترین آیات بسم الله الرحمن الرحيم میباشد.

بهترین خوردنی که در قران ذکر شده عسل میباشد.

منقورترین کار حلال نزد خداوند طلاق است.

کوچکترین ایه قران مدها متان در سوره الرحمن است.

بهترین شب در قران شب قدر است.

بهترین ماه در قران ماه رمضان است.

بهترین سوره قران یسن است.

سوره حمد به مادر قران معروف است.

سوره فجر به سوره امام حسین (ع) معروف است.

سوره هاي اسرائی حدید حشر صف جمعه تغابن و اعلي به مسبحات مشهورند.

۸۶ سوره مكي و ۲۸ سوره مدني است.

سوره یسن به قلب قران معروف است.

سوره هاي سجده فصلت نجم و علق سجده واجب دارند.

سوره حمد به زبان بندگان نازل شده است.

قران کریم در سوره حمد خلاصه شده است.

سوره توبه بسم الله الرحمن الرحيم ندارد.

سوره الرحمن به عروس قران معروف است.

سوره نمل دو بسم الله الرحمن الرحيم دارد.

تعداد ۲۹ سوره قران با حروف مقطعه آغاز میشوند.

سوره حمد دو مرتبه بر پیامبر اکرم (ص) نازل شده یکبار در مدینه و یکبار در مکه

در سوره هاي فلق و ناس به معوذتین معروفند.

سوره عادیات منسوب به حضرت علي (ع) است.

سوره اسرا به بني اسرائيل معروف است.

۳۷ سوره قران در جز ۳۰ قرار دارند.

سوره‌هایی که توصیه شده در نماز جمعه خوانده شود عبارتند از منافقون و جمعه

سوره ای که در شان اهل البيت (ع) نازل شده سوره دهر است.

سوره حجرات سوره اخلاق و ادب است.

داستان گوساله پرستي بني اسرائيل در سوره طه بيان شده است.

ایه الكرسي در سوره بقره قرار دارد.

ایه معروف و ان یکاد الذین کفروا... در سوره قلم قرار دارد.

دعای ربنا اتنا فی الدنیا حسنه... در سوره بقره ایه ۲۰۱ میباشد.

در ایه ۷ سوره احزاب نام پنج تن از پیامبران اولوالعزم بیان شده است.

ایه معروف امن بجیب المضطر اذا دعاه و یکشف اسو در سوره نمل ایه ۶۲ میباشد.

ایه ای که سربریده امام حسین (ع) در شام تلاوت فرمودند ایه ۹ سوره کهف میباشد.

ایه حجاب در سوره نور ایه ۳۱ قرار دارد

ایه مشهور ولایت در ایه ۵۵ سوره مائده قرار دارد

ایه ای که پنج وقت نماز های یومیه در آن آمده است در سوره اسرا ایه ۷۸ میباشد

در ایه ۶ سوره مائده مراحل وضو بیان شده است

ایه صلوات بر پیامبر (ص) در سوره احزاب ایه ۵۶ میباشد

به ایه انالله وانا الیه راجعون استرجاع مگویند

ایه ۲۸۲ سوره بقره به ایه وام دادن نیز معروف است

داستان معراج حضرت محمد (ص) سوره اسرا بیان شده است

پیامبری که قوش به بهانه گیری معروفند قوم حضرت موسی (ع) میباشدند

حضرت عیسی (ع) هماکنون زنده است

حضرت یحیی (ع) به خاطر حمایت از عفت و حجاب به شهادت رسید

پیامبرانی که بعنوان اسوه حسنننه از آنان برده شده عبارتند از ابراهیم (ع) و محمد (ص)

نام گرامی پیامبر ۵ بار در قران آمده است ۴ بار با نام محمد (ص) و یکبار با نام احمد در سوره صف ایه ۶

پیامبری که به سخن خدا ملقب شده حضرت موسی (ع) کلیم الله میباشد

پیامبری که مورد تمسخر قوش قرار گرفت حضرت نوح (ع) بود

حضرت نوح به شیخ النبیاء معروف است

حضرت هود بر قوم عاد مبعوث شد

لقب حضرت محمد (ص) حبیب الله است

پیامبر اکرم (ص) هنگام تلاوت ایه ۶۱ سوره یونس میگریست

پیامبرانی که با همدیگر در يك زمان می زیستند عبارتند از ابراهیم و لوط و یوسف و یعقوب موسی و خضر

حضرت ایوب (ع) نمونه صبر و برد بیاری بود

کتاب حضرت داود (ع) زبور بود

حضرت ابراهیم (ع) جد اول حضرت محمد (ص) بوده اند

حضرت ذکریا کفالت حضرت مریم را به عهده داشت

ایه ۸۶ سوره هود اولین ایه ای است که حضرت مهدی (ع) هنگام ظهورشان بر زبان مبارکش جاری می سازد

ایه ۳۵ بقره اولین ایه است که از بهشت یاد میکند

ایه ۳ سوره مائده که درباره خلافت و جانشینی علی (ع) است آخرین ایه ای است که نازل شده

سوره ای که در شان حضرت زهرا س نازل شده کوثر میباشد

دختر حضرت شعیب /ع/ به عفت و حیا مشهور است

دوزن نمونه که در قران به انها اشاره نموده است عبارتند از اسیه زن فرعون مریم مادر عیسی /ع/

زن ابولهب هیزم کش جهنم است

دوزن که در قران به زشتی از انها نام برده شده عبارتند از جالوت هامان سامری نمرود فرعون قارون و ابولهب

حیوانی که نمرود را به هلاکت رساند پشه بود

پرندگانی که لشکریان ابرهه را به هلاکت رساندند ابابیل نام داشتند

اصحاب کهف ۳۰۹ سال در غار خواب بودند

حیوانی که همراه اصحاب کهف به غار پناه برد سگ بود

لقب حضرت یعقوب /ع/ اسرائیل است

قران طی مدت ۲۳ سال بر پیامبر اکرم /ص/ نازل شده است

اولین گردآورنده قران حضرت علی //ع/ بود

نخستین مفسر قران حضرت علی /ع/ بود

نگاه کردن به قران عبادت است

نه صفت نمازگزار: ۱- مداومت بر نماز ۲- به محرومان اتفاق میکنند ۳- تصدیق به روز قیامت میکنند

۴- ترس از عذاب قیامت دارند ۵- دامنشان را از بی عفتی حفظ میکنند

۶- به عهد خود وفا میکنند ۷- گواهی به حق می دهند ۸- ترس از عذاب قیامت دارند ۹- ترس از عذاب قیامت دارند

سوال شد: چرا به کسی که نماز نمی خواند عنوان کافر داده شده است

امام صادق/ع/فرمودند: تارکالصلوه نماز را از روی بی اعتنائی به فرمان خدا آن را ترک میکند

امام صادق/ع/هرگز شفاعت ما به کسانی که نماز را سبک بشمارند نخواهد رسید

اولین فرمان از طرف خداوند به موسی عبادت بود

انانکه از عبادت کردن به خداوند تکبر می ورزند هرچه زودتر ذلیلانه به جهنم فرو خواهند رفت //سور هغافر ایه ۶۶۰

نماز را برپا دار زیرا نماز انسان را از کارهای زشت باز میدارد و یاد خدا بسیار بزرگتر است /سور عنکبوت ایه ۴۵

از مجرمان سوال میکنند چه چیز شما را به دوزخ فرستاد گویند ما از نمازگزاران نبودیم //سور همدثر آیات ۴۰ تا ۴۳ //

رکوع به معنای خشوع و از ارکان نماز است قنوت در لغت به معنای اطاعت همراه با خضوع است

امام صادق/ع/ فرمود: وقتیبنده به نماز ایستاد خداوند متعال به او توجه میکند و توجهش را از او قطع نمی کند تا موقعیکه

۳ مرتبه از یاد خدا غافل گردد در این هنگام خداوند نیز اغز او اعراض خواهد کرد

پیامبر اکرم /ص/ فرمود خشوع زینت نماز است

نیت یعنی قصد انجام کاری که در آن نزدیک شدن به خدای بزرگ و اطاعت از فرمان او باشد

نیت رکن نماز است

قیام متصل به رکوع یعنی چند لحظه ایستادن همراه با آرامش واجب است

سبحان ربی الاعلی و به حمده : منزّه است پرورگار من که از همه والاتر است و من به ستایش آن مشغولم

از نشانه های یاران با وفای پیامبر /ص/ آن است که آثار سجده در سیمای آنان دیده می شود

بهترین راه نزدیکی به خداوند از طریق سجده است

پامبر /ص/ فرمود من در قیامت امت خود را از آثار سجده که بر پیشانی دارند می شناسم

سجده کمر شیطان را می شکند باعث محو گناهان می شود و انسان را بهشتی میکند

و حذلا شریک له: یعنی خدای واحدی است که همتا ندارد

مستحب است که در تشهد اول بعد از صلوات بر محمد و المحمد گفته شود: و تقبل شفاعتہ فی امتہ و ارفع درجۃ

چند پیام از تشهد: بندگی بالاترین مقام انبیا است عبودیت است کخ پیامبر رابه معراج میرسد شہدیت به رسالت پیامبر به معنای نفی تمام مکاتب بشری است

قرآن مجید امر صلوات بر محمد /ص/ را صراحتا اعلام فرموده است

یا ایہا الذین امنوا صلوا علیہ وسلمواتسلیم

سلام نخستین در نماز به رسول خدا/ص/

سلام دوم به خودما و بندگان شایسته خدا

سلام سوم به فرشتگان و مومنان است

پیامبر فرمودند: بهترین نماز آن است که قنوت طولانی داشته باشد

قنوت به معنای دعا است در نماز در حال ایستادن

اولین نماز جماعتی که تشکیل شده به امامت رسول خدا/ص/ و شرکت حضرت علی/ع/ و جعفر طیار برادر حضرت/ع/ بود

اثار و فواید دنیوی نماز جماعت خوشنامی درمان نفاق در پناه خدا قرار گرفتن کفار گناهان

اثار و فواید اخروی نماز جماعت: عبور از صراط ترفیع مقام نجات از ترس قیامت

نماز شب ۱۱ رکعت است

رسول خدا/ص/ فرمود: برترین نماز بعد از نماز واجب نماز شب است

طبق آیه ۹۱ سوره مائده از اهداف شیطان باز داشتن از نماز است

وضو کلید نماز است

وضو در لغت نظافت و نیکوئی و در حدیثی به معنای نور و روشنایی آمده است

وضو سبب پاکیزگی بدن و صفای روان ادبی است

رسول/ص/ فرمود که کسی که شب را با وضو بیارامد گویی تمام شب را به احیاء عبادت گذرانده است

رسول خدا/ص/ فرمود مسواک کردن جزئی از وضو است

امام علی چیزی از امور دنیا شما را از خواندن نماز اول وقت باز ندارد

پیامبر اکرم/ص/: نماز اول وقت برترین اعمال است

دو رکعت نماز همراه با تفکر و حضور قلب ارزشمندتر از یک شب زنده داری با دلسرگردان و بدون توجه است

رسول خدا/ص/ فرمودند: هر کس مقید به حضور در نماز جماعت است تحت هر شرایطی که باشد از صراط عبور کرده و به بهشت میرود

امام صادق/ع/: خداوند نسبت به تمام مخلوقات رحمان است اما رحیم به مومنان اختصاص دارد

یکی از نامه‌های قیامت یوم الدین میباشد

مقصود از صراط مستقیم همان طریق خداشناسی و دین و پایی بند بودن به انجام دستورات خدا است

صراط در قیامت نام پلی است بر روی دوزخ که همه مردم باید از روی آن عبور کنند

گمراهان //ضالین// کسانی هستند که از ایمان به کفر تبدیل یافته اند . کسانی که از خدا و پیامبرش نافرمانی میکنند. کسانی که آخرت را باور ندارند و از رحمت الهی نومیدند

سبحان ربی العظیم و بحمده : پروردگار من عظیم و از هر عیبی منزّه است و من به ستایش او مشغولم

آیه ۶۰ سوره غافر : انانکه از عبادت کردن به خداوند تکبر می ورزند هرچه زودتر ذلیلانه به جهنم فرو خواهند رفت

آیه ۳۱ سوره مریم : عیسی گفت : خداوند من سفارش کرده تا زنده ام نماز و زکات را انجام دهم

بهترین چیزی که بنده بعد از شناخت خداوند بوسله آن به درگاه الهی تقرب پیدا می کند نماز است

برای نماز گزار که نمازش را در اول وقت به جا می آورد : پیامبر/ص/ راحتی در دم مرگ نجات از آتش دفع اندوه را ضمانت کرده است

پیامبر /ص/ فرمود شیطان تا وقتی انسان نمازهای پنجگانه را در وقتش می خواند خائف و ترسناک است و از انسان ها برکنار است

پیامبر فرمود که فردای قیامت شفاعت من به کسی که نماز واجب را تپس از وقت ان به تاخیر اندازد نخواهد رسید

اذان و اقامه برای نمازهای پنجگانه مستحب موکد است

مهمترین شرط قبول نماز حضور قلب در نماز است

اداب حضور قلب در نماز: توجه کامل به نماز داشته باد در حالت کسالت و چرت زدن نماز نخواند در نماز خمیازه نکشد

کسی که در نماز خشوع بدنش بهتر از خشوع قلب باشد این عمل نزد ائمه نفاق است

اداب مستحبات قیام آنست که جای سجده را نگاه کند پاها را پس و پیش نگذارد دستها را روی رانها بگذارد و به راست و چپ و آسمان نگاه نکند.

## اوصاف قرآن در نگاه معصومین (ع)

در روایات معصومین - علیهم السلام - اوصاف فراوانی برای قرآن ذکر شده است که به برخی از آنها اشاره می شود:

### ۱- اولین مهمان خدای سبحان اوصاف قرآن در نگاه معصومین (ع)

پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - می فرماید: «أنا أولُ وافِدٍ علي العزيز الجبار يوم القيامة و كتابه و أهلُ بيتي». در قیامت که همه مخلوقها به خالق باز می گردند: «ألا إلی الله تصیرُ الأمورُ»، اولین مهمانی که بر خدای سبحان وارد می شود، پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - و قرآن کریم و اهل بیت پیامبر است و چون چنین کثرت نوری با وحدت حقیقی هماهنگ است، می توان از مجموع انوار سه گانه به نور واحد و مهمان یگانه یاد کرد و گفت: اولین مهمان.

### ۲- برترین مخلوق خداوند

همچنین آن حضرت می فرماید: «القرآن أفضل كل شيء دون الله فمن وقر القرآن فقد وقر الله و من لم یوقر القرآن فقد استخف بحرمة الله». قرآن کریم پس از خدای سبحان از هر چیزی برتر است. پس هر کس قرآن را بزرگ شمارد خدا را بزرگ شمرده و هر کس آن را بزرگ نشمارد، حریم خدای سبحان را سبک شمرده است. قرآن کریم مراحل مختلفی دارد: در مرحله نازل، «عربی مبین» است و در مرحله برتر، «علی حکیم»: «إنا جعلناه قرآناً عربياً لعلکم تعقلون و إنه فی أم الكتاب لعلی حکیم» و بین این دو مرحله نیز مراتب متوسط است. قرآن ریسمان پیوسته و مستحکمی است که یک سوی آن به دست خدای سبحان و سوی دیگر آن در دست انسانهاست و تمسک و اتصال به ریسمان خدا مایه سعادت و آقایی دنیا و آخرت است.

خدای سبحان به حاملان قرآن دستور بزرگداشت قرآن می دهد و ثمره آن را محبوبیت خدا و خلق ذکر می کند. پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - می فرماید: «يقول الله عزّ و جلّ: یا حملة القرآن تحببوا إلی الله تعالی بتوقیر کتابه یزدکم حباً و یحببکم إلی خلقه»؛ خدا می فرماید ای حاملان قرآن به واسطه ی بزرگ شمردن کتاب خدا محبوب خدا شوید تا دوستی شما را زیاد کند و شما را محبوب خلق خود نماید.

شایان ذکر است که، قرآن مرتبه هایی دارد؛ چنانکه ولایت رسول گرامی و اهل بیت - علیهم السلام - نیز دارای مراتب است. مرتبه والای قرآن و ولایت نور واحد است و از این رو در آن جا سخن از برتری دارنده و برتری داشته شده نیست. اگر کثرت مرتبه ها ملاحظه شود، مرتبه ی والای قرآن از مرتبه نازل ولایت افضل است و تفصیل آن را در نوشتار دیگر نویسنده به نام (علی بن موسی الرضا و القرآن الحکیم) می توان یافت.

### ۳- کتاب نجات بخش

معاد بن جبل می‌گوید: کُنَّا مع رسول الله - صَلَّى الله عليه و آله و سلم - في سفر فقلت يا رسول الله: حَدَّثْنَا بما لنا فيه نفع. فقال: «إن أردتم عيشَ السَّعداء و موتَ الشَّهداء و النِّجاةَ يومَ الحشر و الظِّلَّ يومَ الحرور و الهُدَى يوم الضلالة فادرسوا القرآن فَإِنَّهُ كَلَامُ الرَّحْمَنِ و حرزٌ من الشَّيْطَان و رِجَالٌ في المِيزَان» در سفری همراه پیامبر - صَلَّى الله عليه و آله و سلم - بودیم. به آن حضرت عرض کردم برای ما سخن سودمندی بگوئید. آن حضرت فرمودند: اگر زندگی سعادتمندانه، مرگ شهیدانه، نجات روز حشر، سایه روز سوزندگی (قیامت) و هدایت روز گمراهی می‌طلبید، به درس قرآن بپردازید که آن، سخن خدای رحمان و سپری در برابر شیطان و مایه سنگینی کفه عمل در میزان عدل است.

#### ۴- راهنمای بهشت

پیامبر اکرم - صَلَّى الله عليه و آله و سلم - می‌فرماید: «تَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ و اقْرؤوه و اعلموا أَنَّهُ كَانَتْ لَكُمْ ذِكْرًا و دُخْرًا و كَانَتْ عَلَيْكُمْ وَزْرًا فَاتَّبِعُوا الْقُرْآنَ و لَا يَتَّبِعَنَّكُمْ فَإِنَّهُ مَنْ تَبِعَ الْقُرْآنَ تَهَجَّمَ بِهِ عَلَي رِیَاضِ الْجَنَّةِ و مَنْ تَبِعَهُ الْقُرْآنَ رَجَّحَ فِي قِفَاهُ حَتَّى يَقْدِفَهُ فِي جَهَنَّمَ» قرآن را فرا گیرید و آن را قرائت کنید و بدانید که قرآن نام شما را بلند می‌کند و وسیله‌ای برای یاد خداست. قرآن هم دُخْر (ذخیره) است و هم وَزْر؛ اگر امام و پیشوای انسان بود برای او ذخیره نیکویی است و اگر کسی خود را امام و پیشوای قرآن قرار داد، قرآن بار سنگینی بر دوش او خواهد بود و او را از پشت به دوزخ می‌افکند. حضرت امیر المؤمنین - علیه السلام - نیز درباره قرآن می‌فرماید: هر کس قرآن را در پیش روی خود قرار داد، «جلودار» او به سوی بهشت خواهد بود و هر کس آن را به پشت سر افکند، «کشانده‌ی» او به سوی دوزخ خواهد بود: «مَنْ جَعَلَهُ أَمَامَهُ، قَادَهُ إِلَى الْجَنَّةِ و مَنْ جَعَلَهُ خَلْفَهُ، سَاقَهُ إِلَى النَّارِ».

#### ۵- راه ربّانی شدن انسان

پیامبر اکرم - صَلَّى الله عليه و آله و سلم - می‌فرماید: «مَا مِنْ مُؤْمِنٍ، ذَكَرَ أَوْ أَنْتَنِي، حُرٌّ أَوْ مَمْلُوكٌ إِلَّا و لله عَلَيْهِ حَقٌّ وَاجِبٌ: أَنْ يَتَعَلَّمَ مِنَ الْقُرْآنِ و يَتَقَفَّهُ فِيهِ. ثُمَّ قَرَأَ هَذِهِ الْآيَةَ: «وَلَكِنْ كُونُوا رَبَّانِيِّينَ بِمَا كُنْتُمْ تُعَلَّمُونَ الْكِتَابَ»؛ حق خدای سبحان بر همگان این است که قرآن را فقیهانه فراگیرند؛ زیرا قرآن کریم انسانها را به ربّانی شدن فرا می‌خواند و راه آن را نیز فراگیری قرآن می‌داند.

عالم ربّانی کسی است که هم پیونددی محکم با ربّ العالمین داشته باشد و هم انسانها را به خوبی ببرورداند و گفتار امامان معصوم - علیهم السلام - : «فنحن العلماء و شیعتنا المتعلمون»؛ (علما ما هستیم و شیعیان ما شاگردانند) نیز برای بیان مصداق کامل عالم ربّانی است، نه حصر آن در اهل بیت - علیهم السلام - . البته کاملترین مصداق عالم ربّانی امامان - علیهم السلام - هستند؛ اما راه ربّانی شدن برای شاگردان آنان نیز باز است.

#### ۶- عامل صعود بهشتیان

مردی از حضرت سجّاد - علیه السلام - سؤالاتی کرد و آن حضرت به آنها پاسخ داد. آن مرد به فکر طرح پرسش جدید افتاد، امام سجّاد - علیه السلام - فرمودند: «مَكْتُوبٌ فِي الْإِنْجِيلِ: لَا تَطْلُبُوا عِلْمَ مَا لَا تَعْلَمُونَ و لَمَّا عَمِلْتُمْ بِمَا عَلِمْتُمْ فَإِنَّ الْعَالَمَ إِذَا لَمْ يَعْمَلْ بِهِ لَمْ يَزِدْهُ مِنْ اللَّهِ إِلَّا بُعْدًا» ثم قال: «عَلَيْكَ بِالْقُرْآنِ فَإِنَّ اللَّهَ خَلَقَ الْجَنَّةَ بِيَدِهِ لِيَنْتَهَ مِنْ ذَهَبٍ و لِيَنْتَهَ مِنْ فَضَّةٍ و جَعَلَ مَلَاطِطَهَا الْمَسْكُ و تَرَابِهَا الزَّعْفَرَانُ و حَصَاَهَا اللَّوْلُؤُ و جَعَلَ دَرَجَاتَهَا عَلَي قَدَرِ آيَاتِ الْقُرْآنِ فَمَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ قَالَ لَهُ اقْرَأْ و اِرْقُ و مَنْ دَخَلَ مِنْهُمْ الْجَنَّةَ لَمْ يَكُنْ أَحَدٌ فِي الْجَنَّةِ أَعْلَى دَرَجَةً مِنْهُ مَا خَلَا النَّبِيِّينَ و الصِّدِّيقِينَ»؛ در انجیل آمده است: تا به آموخته‌های پیشین خود عمل نکرده‌اید، دانش جدید مطلبید (زیرا معلوم می‌شود علم را برای عمل نمی‌خواهید و) علمی که برای عمل نباشد عامل دوری از خداست. آنگاه فرمود: خداوند بهشت را با دست خود، خشتی از طلا و خشتی از نقره آفرید و ملات آن را مشک و خاک آن را زعفران و ریگ آن را لؤلؤ قرار داد و درجات بهشت را به اندازه آیات قرآن قرار داد. پس کسی که (در دنیا) قرآن خواند، خداوند به او می‌فرماید: بخوان و بالا برو و کسی که از آنان (اهل قرآن) وارد بهشت شد، هیچ کس در درجه بهشت از او برتر نخواهد بود، مگر پیامبران و صدّیقان.

حفص می‌گوید: حضرت موسی بن جعفر - علیه السلام - به مردی فرمودند: «أَتَحِبُّ الْبَقَاءَ فِي الدُّنْيَا؟» آیا بقای در دنیا را دوست داری؟ آن شخص که از تربیت شدگان مکتب امامت بود، عرض کرد: آری آن حضرت پرسیدند: چرا؟ عرض کرد: برای آن که به قرائت سوره محبوب خود، «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» بپردازم. امام کاظم - علیه السلام - پس از لحظه‌ای سکوت فرمودند: «بِأَحْفَصِ! مَنْ مَاتَ مِنْ أَوْلِيَائِنَا و شِيعَتِنَا و لَمْ يُحْسِنْ الْقُرْآنَ عُلْمٌ فِي قَبْرِهِ لِيَرْفَعَ اللَّهُ بِهِ مِنْ دَرَجَتِهِ فَإِنَّ دَرَجَاتِ الْجَنَّةِ عَلَي قَدَرِ آيَاتِ الْقُرْآنِ يَقَالُ لَهُ: اقْرَأْ و اِرْقُ. فَيَقْرَأُ ثُمَّ يَرْقِي»؛ اگر از شیعیان ما، کسی قرآن را به خوبی فرا نگرفته باشد (چون به حقیقت آن ایمان دارد) در جهان برزخ، قرآن به او تعلیم داده می‌شود تا خدای سبحان با معرفت قرآن بر درجات او بیفزاید؛ زیرا درجات قرآن به اندازه آیات قرآن است. به قاری گفته می‌شود: بخوان و بالا برو. او نیز می‌خواند و بالا می‌رود.

در جهان برزخ زمینه‌ای برای تکامل عملی نیست، تا انسان با انجام کاری واجب یا مستحب به کمال برتر عملی برسد، ولی راه تکامل علمی باز است؛ نظیر آنچه در خواب برای روح معلوم می‌شود و برای آگاهی به آن حرکت فراگیری از قبیل کوششهای بدنی در زمان بیداری راه ندارد و بسیاری از علوم و معارف دین در آن جا برای انسانها روشن و مشهود خواهد شد و چون عدد درجات بهشت به عدد آیات نورانی قرآن کریم است، برای امضاء و نشانه‌گذاری درجات شیعیان، ابتدا از تعلیم قرآن بهره‌مند خواهند شد و سپس با فرمان «اقرأ و ارق» می‌خوانند و در درجات بهشت صعود می‌کنند.

صعود در درجات بهشت پاداش قرائت در عالم آخرت نیست؛ زیرا در عالم برزخ، تکلیف و عمل مکلفانه که جزا را به همراه داشته باشد نیست؛ بلکه صعود بهشتیان در درجات بهشت، همان ظهور انس با قرآن در دنیاست.

حفص می‌گوید: «فما رأيت أحداً أشدَّ خوفاً علي نفسه من موسي بن جعفر - عليهما السلام - و لا ارجأ للناس منه و كانت قرائته حزناً فإذا قرء فكانه يخاطب انساناً» در خوف و رجا کسی را مانند موسی بن جعفر - علیه السلام - نیافتم و قرائت او با حزن آمیخته بود هنگامی که قرآن را قرائت می‌کرد گویا با کسی سخن می‌گفت و این ویژگی تلاوت با تدبیر و تفکر است که قاری متدبیر خود را گاهی «مخاطب» و گاهی «مخاطب» خداوند می‌یابد.

نحوه فراگیری قرآن در میان اصحاب پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - بدین گونه بیان شده است: «كانوا يأخذون من رسول الله - صلی الله علیه و آله و سلم - عشر آيات. فلا يأخذون في العشر الاخرى حتي يعلموا ما في هذه من العلم و العمل» آنان ده آیه از پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - فرا می‌گرفتند و تا بر علم و عمل به آن آگاه نمی‌گشتند، آیات بعدی را فرا نمی‌گرفتند.

#### ۷- درجه‌ای از نبوت

امیرالمؤمنین - علیه السلام - می‌فرماید: «من قرء القرآن فكأنما أدرجت النبوة بين جنبيه إلا أنه لا يُوحى إليه» آن کس که قرآن را قرائت کند، گویا نبوت در جان او داخل شده است، گر چه او وحیی دریافت نمی‌کند. قرائت قرآن شرایط خاصی دارد که با رعایت آنها چنین آثاری را همراه دارد، چنانکه قرائت در آیاتی مانند «اقرأ باسم ربك الذي خلق» و «اقرأ و ربك الأكرم» نیز خواندن صرف نیست.

پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - نیز می‌فرماید: «من قرء ثلث القرآن فكأنما أوتي ثلث النبوة و من قرء ثلثي القرآن فكأنما أوتي ثلثي النبوة و من قرء القرآن كله فكأنما أوتي تمام النبوة ثم يقال له: إقرأ و ارق بكل آية درجة. فيرقى في الجنة بكل آية درجة حتي يبلغ ما معه من القرآن ثم يقال له: اقبط فيقبض... فاذا في يده اليمنى الخلد و في الأخرى النعيم».

پس از صعود مؤمن در درجات بهشت حکم جاودانگی در بهشت را در دست راست خود و نعم الهی را در دست چپ خود می‌یابد و از این رو در دعای وضو می‌گوییم: «اللهم أعطني كتابي بيمينی و الخلد في الجنان بيساري...» خدایا نامه‌ی عمل را به دست راست من بده و جاودانی در بهشت را (نصیب کن).

#### ۸- عامل نورانیت

ابودر - رضوان الله علیه - از رسول اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - درخواست نصیحت کرد. آن حضرت فرمودند: تو را به تقوای الهی که سرآمد همه امور است سفارش می‌کنم. ابودر گفت: بیش از این مرا نصیحت کنید. آن حضرت فرمودند: بر تو باد به تلاوت قرآن و کثرت یاد خدا؛ زیرا تلاوت قرآن، عامل یاد تو در ملکوت و مایه نورانی شدن تو در زمین است: «أوصيك بتقوي الله فإنه رأس الأمر كله». قلت: زدني. قال: «عليك بتلاوة القرآن و ذكر الله كثيراً فإنه ذكر لك في السماء و نور لك في الأرض». قرآن که خود ذکر خداست و یکی از لقب‌های آن نیز «ذکر» است پیروان خود را در ملکوت بلند آوازه و در زمین نورانی می‌کند.

مطلوبیت تلاوت قرآن محدود به پنجاه آیه در روز نیست و آنچه در برخی روایات آمده که در هر روز پنجاه آیه تلاوت کنید بیان حدّ نهایی نیست؛ زیرا دست کم قرائت پنجاه آیت پس از نماز صبح مطلوب است؛ چنانکه حضرت امام رضا - علیه السلام - می‌فرماید: «ينبغي للرجل إذا أصبح أن يقرأ بعد التعقيب خمسين آية» سزاوار است برای انسان بعد از تعقیب نماز صبح پنجاه آیه از قرآن را تلاوت کند.

#### ۹- راه دستیابی به ثواب شاکران

پیامبر اکرم - صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ - می‌فرماید: «قال الله تبارك و تعالی: من شغله قراءة القرآن عن دعائي و مسئلتی، أعطيته أفضل ثواب الشاکرین» اگر اشتغال به قرائت قرآن، بنده مؤمن را از بازگویی خواسته‌هایش در پیشگاه الهی باز دارد، خدای سبحان، بدون در خواست، بهترین ثواب شاکران را به چنین بنده‌ای عطا می‌کند؛ همان گونه که خلیل حق، حضرت ابراهیم - علیه السّلام - در هنگام شنیدن «حَرْقُوهُ وَ انصُرُوا آلِهَتَكُمْ» بسوزانید او را و خدایان خود را یاری کنید، یا «فَالْقُوهُ فِي الْجَحِيمِ» پس او را در آتش بیندازید، از خدا چیزی طلب نکرد؛ چون می‌دانست که برآمدن حاجت او در نخواستن است: «حسبي من سؤالي علمه بحالي» همین که از احوال خبردارد نیاز به درخواست نیست.

#### ۱۰- عامل حشر با پیامبران

پیامبر اکرم - صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ - می‌فرماید: «إن أكرم العباد إلی الله بعد الأنبياء العلماء ثم حملة القرآن یخرجون من الدنیا كما یخرج الأنبياء و یحشرون من قبورهم مع الأنبياء و یمروّن علی الصراط مع الأنبياء و یأخذون ثواب الأنبياء. فطوبی لطالب العلم و حامل القرآن ممّا لهم عند الله من الکرامة و الشرف» گرامی‌ترین بندگان خدا پس از پیامبران دانشمندان هستند و سپس حاملان قرآن. عالمان و حاملان علم و عمل قرآن به گونه‌ای پیامبران از دنیا رخت برمی‌بندند و حشر آنان و عبورشان از صراط همراه پیامبران خواهد بود و از ثواب انبیا بهره‌مند می‌شوند. پس خوشا به حال جویندگان علم و حاملان قرآن که از کرامت و شرف الهی برخوردارند.

کسی که قرآن را فرا گیرد تا فقط در خطابه‌ها یا نگارش کتابها از آن بهره گیرد، معلوم می‌شود قرآن را برای تدبیر در آن و عمل به آن نخواست است و این دانش تجاری، حرفه‌ای بیش نیست و چنین علمی در اواخر عمر آدمی نیز به فراموشی سپرده می‌شود. گر چه این فراگیری نیز ثواب آشنایی با ظاهر قرآن را دارد؛ اما آن که قرآن را برای تدبیر و عمل فرا گیرد جایگاه دیگری دارد.

#### ۱۱- مایه خرمی و خوشحالی دلها

امیر المؤمنین - علیه السّلام - می‌فرماید: «و تعلموا القرآن فإنّه أحسن الحديث و تفقهوا فيه فإنّه ربيع القلوب و استشفوا بنوره فإنّه شفاء الصدور و أحسنوا تلاوته فإنّه أنفع القصص و إن العالم العامل بغیر علمه كالجاهل الحائر الذي لا یستقیق من جهله بل الحجة علیه أعظم و الحسرة علیه ألزم و هو عند الله ألوّم» قرآن را فرا گیرید که آن نیکوترین سخن است و به فهم عمیق آن دست یابید که آن مایه خرمی و خوشی دلهاست و از نور آن شفا بجویید که آن شفای بیماریهای روحی است و آن را نیکو تلاوت کنید که سودمندترین قصه‌هاست و کسی که به علم خویش عمل نکند، همانند نادان سرگردانی است که به هوش نمی‌گراید و چون عالم است، حجت بر او گرانتر و حسرت او بیش‌تر و ملامت و سرزنش او در پیشگاه خدای سبحان بیشتر است.

مراد از تفقه (تفقهوا) در قرآن کریم و روایات اهل بیت طهارت - علیهم السلام - آشنایی با فقه معروف که در مقابل کلام و فلسفه قرار دارد، نیست؛ همان گونه که واژه «حکمت» در قرآن و روایات، حکمت معروف، یعنی فلسفه نیست، بلکه بر فراگیری معارف اصول دین و معارف عقلی نیز «فقه» اطلاق می‌گردد و فهمیدن احکام حرام و حلال الهی نیز «حکمت» نامیده می‌شود. پس فقه که عبارت از فراگیری عمیق است به معنای مطلق آگاهی به معارف دین است و به معنای اصطلاحی آن نیست و گر نه لازم می‌آید که تنها يك سیزدهم قرآن که آیات الأحکام و مربوط به فروع فقه مصطلح و معروف است، دارای فقه باشد و مراد از تفقه در قرآن معرفت خصوص همان مقدار اندک باشد؛ در حالی که تمامی قرآن فقه است. البته اگر مسائل حقوقی، سیاسی، اجتماعی و مدنی را جزو فقه بدانیم، آیات فقهی رقم بیشتری پیدا می‌کند.

از قرار گرفتن شفا در نور قرآن (و استشفوا بنوره) بر می‌آید که جهل به قرآن نیز مانند به کار نیستن آن، بیماری است؛ جهل مانند رذایل اخلاقی دیگر، از بیماریهای قلبی است و قرآن کریم شفای این دردهاست: «و نُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ» «شِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ».

مراد از قلب در قرآن، همان لطیفه الهی، یعنی روح است، نه عضو گرداننده خون در بدن. سلامت و بیماری قلب جسمانی انسان، در محدوده دانش پزشکی است و ارتباطی با سلامت و بیماری قلب روحانی ندارد؛ ممکن است انسانی از سلامت کامل قلب جسمانی برخوردار باشد، اما نتواند نگاه خود را در برابر نامحرم مهار کند و در نتیجه قلب روحانی او بیمار باشد: «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ». همچنین کسی که گرایشهای ناروای سیاسی دارد بیمار دل است، گر چه از نظر طب مادی، قلبی سالم داشته باشد: «فَتَرَى الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يُسَارِعُونَ فِيهِمْ...».

قرآن کریم در کلام حضرت امیر المؤمنین - علیه السّلام - به عنوان «أحسن الحديث» و «أنفع القصص» معرفی و به نیکو تلاوت کردن آن، سفارش شده است. مراد از تلاوت نیکو، تنها آهنگ خوب نیست. فهم درست قرآن و عمل به آن نیز از درجات تلاوت نیکوست؛ زیرا امیر المؤمنین - علیه السّلام - در ادامه سخن خود می‌فرماید: عالم بی عمل همانند جاهل سرگردانی است که از

جهل خود به هوش نمی‌گراید و علم حجتی علیه عالم بی‌عمل و مایه حسرت و ملامت او نزد خدای سبحان خواهد بود. البته ترتیل و شمرده و با تائی تلاوت کردن و حدود تجوید را رعایت کردن، فیض خاص تلاوت نیک را به همراه دارد.

#### ۱۲- دریای بی‌کران معرفت

همچنین امیر المومنین - علیه السلام - می‌فرماید: «ثم أنزل عليه الكتاب نوراً لا تطفأ و سراجاً لا يخبو توقده و بحراً لا يُدرك قعره و منهاجاً لا يُضِلُّ نهجاً و شعاعاً لا يُظلم ضوءه... جعله الله رياً لعطش العلماء و ربيعاً لقلوب الفقهاء و محاجاً لطرق الصلحاء و دواءً ليس بعده داء و نوراً ليس معه ظلمة و حبلاً وثيقاً عروته و معقلاً منيعاً ذروته...» خدای سبحان کتابی آسمانی بر پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - فرو فرستاد و آن، نوری است که خاموشی ندارد و چراغی است که روشنایی آن زوال ناپذیر است و دریایی ژرف است که قعر آن به چنگ ادراک آدمی (بشر عادی) نمی‌افتد و راهی است که در آن گمراهی نیست و شعاعی است که روشنی آن تیرگی نگیرد.

#### اوصاف قرآن در نگاه معصومین (ع)

.. خداوند آن را فرو نشاننده تشنگی علمی دانشمندان و خزّمی دل‌های فقیهان و راه روشن سالکان صالح قرار داد. قرآن کریم دارویی است که پس از آن، بیماری نمی‌ماند و نوری است که هیچ گونه تیرگی در آن نیست و ریسمانی است که دستگیره آن مطمئن و پناهگاهی است که قله بلند آن مانع دشمن است.

#### ۱۳- یگانه عامل توانگری

پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - می‌فرماید: «القرآن غني لا غني دونه و لا فقر بعده» قرآن مایه توانگری است که جز در آن توانگری یافت نشود و هیچ فقری نیز پس از آن نیست. همچنین آن حضرت می‌فرماید: «من قرأ القرآن فرأى أن أحداً أعطي أفضل مما أعطي فقد حقر ما عظمه الله و عظم ما حقره الله» کسی که قرآن تلاوت کند و آنگاه ببیند بهره دیگران از او بیشتر است، او آنچه را خدا بزرگ شمرده (قرآن) حقیر پنداشته و آنچه را خدا حقیر دانسته (دنیا) او بزرگ پنداشته است.

نیز می‌فرماید: «لا ينبغي لحامل القرآن أن يظن أحداً أعطي أفضل مما أعطي لانه لو ملك الدنيا بأسرها لكان القرآن أفضل مما ملكه» برای حاملان قرآن سزاوار نیست که بهره دیگران را برتر از بهره قرآنی بدانند؛ زیرا اگر آدمی مالک سراسر گیتی نیز باشد، قرآن بر هر چه دارد برتر است.

منبع : besmelah.blogfa.com

آنچه تاکنون قید شد اعجاز ظاهری قرآن بود و در ادامه به اعجاز معنوی قرآن می‌پردازیم:

## اعجاز معنوی قرآن

طیف کثیری از مفسران و متکلمان در مسأله اعجاز قرآن، اعجاز بیانی و بلاغت و فصاحت آن را پررنگ کرده و در این باره کتاب‌ها و رساله‌ها تألیف کرده‌اند، و این تکرار و تأکید بر این مطلب موجب شده که ظاهر الفاظ اهمیت بیشتری پیدا کرده و این تلقی به وجود آید که برتری قرآن از سایر کتاب‌ها در فصاحت و بلاغت و به طور کلی در نظم الفاظ آن است.

در این نوشتار با ارائه گزارشی، تاریخچه این دیدگاه بیان و سپس با بیان نکاتی سعی شده از طرفی این دیدگاه که اصلی‌ترین و یا تنهاترین وجه اعجاز قرآن را اعجاز بیانی می‌داند، نقد کرده و از طرف دیگر با ارائه معیارهایی بیان شده که اعجاز قرآن ذاتاً ناظر به محتوای بی‌نظیر آن است و فصاحت و بلاغت، امی بودن آورنده آن و سایر وجوه دیگر مایه تأکید این اعجاز است. قائلان به قول اعجاز بیانی از این نکته غفلت کرده‌اند که خدای متعال و همچنین ائمه اطهار (ع) به هنگام توصیف قرآن، از فصاحت و بلاغت آن نمی‌گویند، بلکه آن چیزی که دخیل در تحذیش میدانند، این است که قرآن نور، رحمت، هدایت، حکمت،

موعظه، برهان و تبیان هر چیز است و هیچ اختلافی در آن نیست و مسأله بلاغت را به طور صریح و بعینه ذکر نفرموده-اند البته قرآن کریم از حیث فصاحت و بلاغت خارق العاده است و بشر از این حیث نیز نمی-تواند با قرآن برابری کند و مانند آن بیاورد. اما فصاحت و بلاغت، مربوط به ظاهر الفاظ و قالب معانی و معارف بلندی است که این کتاب آسمانی بدان موصوف است. این مطلب این ضرورت را می-طلبد که در خصوص جنبه‌های معنوی قرآن کریم، پژوهش-های بیشتری صورت گیرد.

## طرح مسئله

در فرهنگ اسلامی، قرآن کریم به عنوان مهم‌ترین معجزه رسول اکرم(ص) شناخته می‌شود. اگرچه اعجاز، تعبیر مورد استفاده قرآن نیست، اما در قرآن اشاراتی بر معجزه بودن آن وجود دارد. در قرآن کریم با تکیه بر الهی بودن این سخنان، آوردن مانند آن‌ها ناممکن شمرده شده است (البقره: ۲۳-۲۴)؛ که در فرهنگ اسلامی با اصطلاح تحدی شناخته شده است. به تعبیر دیگر در واقع به اثبات رساندن عجز منکران الهی بودن قرآن از چنین امری، اعجاز است.

موضوع تحدی نه تنها در عهد حیات رسول اکرم (ص)، بلکه فراتر از آن برهه‌ی زمانی نیز مورد توجه علمای اسلام قرار گرفته است. با توجه به ارتباط این مبحث با موضوعات علم کلام در باب نبوت، موضوع اعجاز قرآن به محافل و آثار کلامی راه یافته، و این امر موجب پدید آمدن اظهار نظرهای مختلف در مورد وجه یا وجوه اعجاز قرآن کریم شده است. در این میان برخی صاحب نظران بر تبیین یک وجه اعجاز پافشاری و بر اعجاز لفظی تأکید کرده اند. در این مقاله از نظریه‌هایی که ناظر به الفاظ و ظاهر قرآن است با عنوان کلی «اعجاز بیانی» یاد شده است.

برخی دیگر از قرآن پژوهان و دانشمندان اسلامی به ویژه در چند قرن اخیر علاوه بر اعجاز بیانی قرآن کریم، به اعجاز معنوی آن نیز پرداخته‌اند و در توضیح و تبیین وجوه اعجاز معنوی قرآن کریم نظرات مختلفی را مطرح کرده‌اند که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به «اعجاز قرآن در معارف عالی عقلی و الهی آن هم از یک فرد امی» (خوئی، ۱۳۸۴ش، ص ۴۸؛ معرفت، بی‌تا، ج ۴، صص ۱۳۵-۱۳۶)؛ «اعجاز قرآن در تشریع و قانون گذاری» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۶۰)؛ «اعجاز قرآن در برهان‌های عالی و متقن» (بلاغی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۱۱)؛ «اعجاز قرآن در ایجاد انقلاب اجتماعی» (حکیم، ۱۴۲۵، صص ۱۲۹-۱۳۰)؛ «اعجاز قرآن در استقامت بیان یا عدم اختلاف در قرآن» (خویی، ۱۳۸۴ش، ص ۵۷؛ بلاغی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۱۲)؛ «اعجاز علمی قرآن کریم» و «اعجاز تاریخی قرآن کریم» اشاره کرد.

در بحث تأکید بر اعجاز بیانی به عنوان بارزترین و اصلی‌ترین وجه اعجاز قرآن کریم چند نکته مطرح است: قول اعجاز بیانی قرآن چقدر از نظر خود آیات قرآنی و اقوال ائمه اطهار (ع) مورد تأیید است؟ همچنین سؤال این است که برای مخاطب امروزی قرآن - که علاوه بر داشتن حجاب زبان، فاصله زمانی زیاد از زمان نزول دارد، همچنین فرهنگش با مخاطبان اولیه قرآن از جهات مختلف و زیادی متفاوت است و همچنین در عصری زندگی می‌کند که علوم، چه انسانی یا علوم دیگر، به شدت و چندین برابر عصر نزول رشد کرده است؛ یا قول اعجاز بیانی قانع کننده است؟

انسان این سؤال را طرح می‌کند که بالاخره در جامعه کنونی ما قرآن چه چیزی دارد که هیچ کس نمی‌تواند مثل آن را بیاورد؟ به بیان بهتر آیا توانسته‌ایم از مباحث تنوری اعجاز قرآن، خود را رهایی داده و در عمل و در طول زندگی، اعجاز قرآن را برای خود ملموس و برای دیگران محسوس سازیم؟

## ۱. اعجاز بیانی قرآن کریم

مشهورترین و پرتعدادترین وجه مطرح شده تا به حال، اعجاز بیانی قرآن است، تا جایی که برخی تصور کرده‌اند اعجاز قرآن تنها در محور فصاحت و بلاغت است و منظور از آن عبارت است از سلاست کلام و ارتباط معانی با یکدیگر و حسن تنظیم کلمات و حروف و موافقت کلام با فطرت و نداشتن تکلف در افاده مقاصد و به آسانی وارد شدن معانی در خاطر و استعمال کردن الفاظی که شایسته افاده معانی مقصوده باشد (طیب، ۱۳۷۸ش، ج ۱، ص ۴۱)

یعنی قرآن یک معجزه ادبی است به طوری که فصیح بودن آن در حد اعلای فصاحت و بلیغ و رسا بودن آن نیز کامل است به طوری که در قبل و بعد از ظهور اسلام هیچ شعر یا خطبه و کلام عربی به پایه آن نرسیده است. این نظریه کاملاً ناظر به ظاهر قرآن و الفاظ آن است. مثلاً از اسلوب و نظم خاص قرآن که به سبکی جدید و نوین بوده، که نه نثری مانند آن یافت می‌شود و نه شعری به مانند آن، بلکه خود اسلوبی ویژه دارد که خارق العاده است؛ ضمن آنکه تمامی محاسن هر دو شکل مذکور، یعنی محاسن نثر و شعر را نیز داراست.

قرآن، گرچه کلامی الهی است، اما از جنس زبان رایج بشری، ولی عجیب و بدیع است؛ عقل‌ها را متحیر خود نموده و دل‌ها را به سوی خود جذب کرده است. عمرو بن بحرین محبوب معروف به جاحظ، ادیب و متکلم معتزلی از نخستین تبیین کنندگان این نظریه به شمار می‌رود. جاحظ این نظریه را در کتابی با عنوان «نظم القرآن» تبیین کرده که به طور خلاصه می‌شود گفت: جاحظ نظم و تألیف موجود در کلام قرآن را با نظم و تألیف دیگر آثار، دارای تفاوتی از دو نسخ دانسته و بر این اعتقاد بوده که بشر به طور طبیعی از آوردن مثل کلام قرآنی عاجز و ناتوان است (سیوطی، ۱۴۰۸ق، ج ۴، صص ۶-۷)

خطابی (۳۸۸ق) پس از آنکه به ذکر اقوال در بین وجوه اعجاز قرآن می‌پردازد، قول غالب علماء عصر خود را صحیح‌تر می‌داند که آن اعتقاد بر اعجاز بیانی قرآن است (خلف الله، ۱۹۹۱م، ص ۲۲). قاضی ابوبکر باقلانی در کتاب «اعجاز القرآن» خود به صراحت اظهار داشته که اعجاز قرآن متعلق به بیان آن است و قرآن در اعلی درجه از منازل بیان از تعدیل نظم و سلاست، زیبایی سخن، گوش‌نواز بودن آهنگ و روانی بر زبان قرار گرفته است (باقلانی، ۱۴۰۶ق، ص ۴۱۹)

ابوهلال عسکری می‌گوید: انسان اگر از علم فصاحت و بلاغت غافل باشد، هرگز قادر نیست اعجاز قرآن را با آن خصوصیات، از حسن تألیف و براعت ترکیب درک نماید (عسکری، ۱۹۷۱م، ص ۲۸). در ادامه راه جاحظ و ابوهلال، به عنوان نقطه عطفی باید از عبدالقادر جرجانی (۴۷۱ق) یاد کرد که با انگیزه تبیین اعجاز قرآن، راه تدوین علم بلاغت را پیموده است.

جرجانی پس از اصل قرار دادن نظریه نظم قرآن، جنبه‌های گوناگون زبان عربی را مورد بررسی قرار داده و در این میان، بر این نکته تأکید داشته که اعجاز قرآنی به وجوه بلاغت باز می‌گردد (جرجانی، ۱۳۳۱ق، ص ۷۴). فخر رازی (۶۰۶ق) صاحب «التفسیر الکبیر» در مورد اعجاز قرآن معتقد است که قرآن کریم در اوج فصاحت و در برگزیده تمامی فنون کلام است (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۳۴۷)

زملکانی (۶۵۱ق) اعجاز قرآن را مربوط به تألیف خاص آن می‌داند، تألیفی که از نظر ترکیب و وزن از اعتدال برخوردار هستند و همین‌طور مرگبات آن از نظر معنی در سطح عالی است. او می‌گوید نظم خاص قرآن، اعجاز منحصر و شامل تمامی سوره‌های قرآن می‌باشد (زملکانی، ۱۳۹۴ق، ص ۵۴)

محمد بن احمد قرطبی (د ۶۷۱ق) صاحب کتاب تفسیری «الجامع لاحکام القرآن» معتقد به وجوه دهگانه برای اعجاز قرآن است. از نظر او مهمترین آن‌ها که سه مورد اول است، اعجاز در نظم بدیع و نوین و اسلوب کلام و استواری آن است (قرطبی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۵۲-۵۴)

از نظر شیخ مفید (د ۴۱۳ق) بعد از صرفه، فصاحت و بلاغت خارق العاده قرآن اصلی‌ترین وجه اعجاز قرآن است (قطب راوندی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۹۸۱). همچنین علامه مجلسی نیز در بحارالانوار، قول شیخ مفید را در اعجاز قرآن چنین ذکر می‌کند: اعجاز قرآن در نظر جمهور علماء از عامه و خاصه و از جمله آن‌ها شیخ مفید، مربوط به فصاحت فوق العاده و بلاغت در حد اعلی قرآن است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۷، ص ۲۲۴)

شیخ طوسی (د ۴۶۰ق) به ذکر وجوه اعجاز قرآن مبادرت نموده و در نهایت قول به اعجاز بیانی قرآن را کامل‌تر می‌داند و می‌گوید: «اقوی الاقوال عندی قول من قال انما کان معجزاً خارقاً للعاده لاختصاصه بالفصاحه المفطره فی هذا النظم المخصوص دون الفصاحه بانفراده و دون النظم بانفراده و دون الصرفه» (طوسی، بی‌تا، ص ۱۷۳). از عبارات مذکور استفاده می‌شود که نظر نهایی شیخ طوسی، در اعجاز قرآن، اعتقاد بر اعجاز بیانی به همراه نظم مخصوص است و گرچه قول به صرفه را به ایشان نسبت داده‌اند و لکن ایشان آن را به عنوان یک نظریه مسلم نپذیرفته است (مودب، ۱۳۷۹ش، ص ۵۷)

قطب الدین راوندی (د ۵۷۳ق) در کتاب «الخرائج و الجرائح» ضمن نقل هفت رأی و نظر در مورد وجه اعجاز قرآن، مهمترین وجه اعجاز را بلاغت آن می‌داند (قطب راوندی، ۱۴۰۹ق، ص ۲۸۱-۲۹۸). علامه مجلسی (د ۱۱۱۱ق) در جلد ۱۷ بحارالانوار به ذکر وجوه اعجاز قرآن می‌پردازد و ضمن بیان نظر برخی از علماء در بحث اعجاز قرآن، مهمترین و شاخص‌ترین، اعجاز قرآن را در فصاحت و بلاغت آن می‌داند و می‌گوید: عموم علماء از عامه و خاصه بر آن هستند که اعجاز قرآن، به جهت فصاحت بالای قرآن و همین‌طور بلاغت اعلی آن است، آن چنان که فصحاء عرب و علماء زبان شناس، بر آن اعتراف دارند و آنان که احاطه کامل بر ساختار زبان دارند. همچنین از وجوه اعجاز قرآن، اشتغال بر اخبار غیبی نسبت به گذشته و آینده است، و همچنین دارا بودن قرآن بر مطالب دقیق علمی الهی، نسبت به مبدأ و معاد و دارا بودن قرآن از مکارم اخلاق و بیان حکمت‌های علمی و عملی و همچنین دوری قرآن از هرگونه ناسازگاری با توجه به گستردگی آن. ولیکن وجه اول، از همه سزاوارتر است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۷، ص ۲۲۴)

## ۲. نقد اعجاز بیانی قرآن

در ادامه، با بیان نکاتی در پی‌جویی این مقصود هستیم تا نقدی به کسانی که فائند تنهاترین و یا اصلی‌ترین وجه اعجاز قرآن کریم، اعجاز بیانی آن است، داشته باشیم و هم شاخص‌های تشخیص وجه یا وجوه اصلی اعجاز قرآن را تبیین نماییم.

قرآن مجید واکنش مخالفان و منکران را هنگام تلاوت قرآن این‌گونه بیان می‌کند: «وَإِذَا تُلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا قَالُوا قَدْ سَمِعْنَا لَوْ نَشَاءُ لَقُلْنَا مِثْلَ هَذَا إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ» (الأنفال: ۳۱) و هنگامی که آیات قرآن - که همه از جانب ماست - بر آنان تلاوت شود می‌گویند: شنیدیم و محتوای آن را دریافتیم. اگر ما هم می‌خواستیم، مانند این را می‌سرودیم، ولی ما اهل افسانه سرایی نیستیم و این چیزی جز افسانه‌هایی که پیشینیان ساخته‌اند، نیست. یا می‌گفتند: «إِنْ هَذَا إِلَّا قَوْلُ الْبَشَرِ» (المدثر: ۲۵)؛ «يَقُولُونَ إِنَّمَا يَعْلَمُهُ بَشَرٌ» (النحل: ۱۰۳). خدای متعال در جواب این اقوال، در پنج سوره مکی و مدنی، منکران رسالت و حقانیت قرآن را به آوردن ماندنی برای این کتاب وحیانی، تحدی کرده است. به رغم وحدت سیاق، گاهی به مجموعه قرآن، زمانی به ده سوره، یک سوره و یا حتی به کلامی چون قرآن، تحدی صورت پذیرفته است.

### ۲-۱. بررسی آیات تحدی

قرآن کریم، در پنج آیه، تحدی خود را بیان کرده است. جز یکی از این آیات - الاسراء/ ۸۸ -، بقیه خطاب به معاندان و منکران وحی و نبوت است. این آیات را به ترتیب نزول، عبارتند از:

۱. «قُلْ لِّئِنْ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجُنُّ عَلَى أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُوا بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا» (الاسراء: ۸۸)؛ بگو: اگر انس و جن گرد هم آیند بر این که مانند این قرآن را بیاورند، مانند آن را نخواهند آورد، هر چند یکدیگر را یاری دهند.
۲. «أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ...» (یونس: ۳۸)؛ آیا می‌گویند: محمد خود آن را ساخته و به خدا نسبت داده است؟ بگو: اگر در این ادعا راست می‌گویید، شما هم باید سوره‌ای مانند آن بیاورید... ۳. «أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُورٍ مِثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ...» (هود: ۱۳)؛ یا می‌گویند: محمد خود قرآن را بافته و آن را کلام خدا می‌نامد؟ اگر این ادعا را دارند، بگو: چنانچه راست می‌گویید، ده سوره ساختگی مانند آن بیاورید... ۴. «أَمْ يَقُولُونَ تَقَوَّلَهُ بَلْ لَا يُؤْمِنُونَ فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِثْلِهِ...» (الطور: ۳۳-۳۴)؛ بلکه می‌گویند: قرآن را محمد خود بافته است. نه، او چنین قدرتی ندارد؛ بلکه آنان ایمان نمی‌آورند؛ از این رو به چنین تهمنی روی می‌آورند. اگر راست می‌گویند که او قرآن را ساخته است باید سخنی مانند آن بیاورند، زیرا آنان هم مثل او بشرند و اهل سخن. ۵. «وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ...» (البقره: ۲۳)؛ و اگر در آسمانی بودن این قرآن که بر بنده خود محمد فرو فرستاده‌ایم تردید دارید و در این ادعا راست می‌گویید، سوره‌ای مانند آن بیاورید....

از توجه و دقت در این آیات چند نکته کلیدی برای تشخیص وجه اصلی اعجاز قرآن استخراج می‌شود که در ذیل بدان می‌پردازیم.

#### ۱-۲. مفهوم سوره در قرآن

با توجه به آیات پیش گفته کوچک‌ترین بخشی که قرآن به آن تحدی کرده است یا سوره است یا حدیث، و این نشان از معجزه نبودن یک واژه یا یک آیه تنهاست. آری واژگان و آیات، جزئی از اعجاز قرآن هستند، اما به تنهایی، کلامی معجز به شمار نمی‌روند.

کلمه «حدیث» در اصل و ریشه به معنی جدید است، ولی در عرف و اصطلاح، حدیث به معنی خبر و کلام است. ابن منظور می‌نویسد: «الحديث: الخبر يأتي على القليل والكثير» (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۱۳۳)

علامه طباطبائی حدیث را به معنی کلامی می‌داند که خبر و غرضی مهم و تام دارد. از این روی، تمامی تک تک آیات قرآن را مصداق حدیث نمی‌داند، چرا که خیلی از آیات قرآن کریم به تنهایی حامل غرض تام نیستند (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۰، ص ۱۶۷)

اما به نظر می‌رسد گرچه مفهوم حدیث بر یک جمله نیز صادق است و از این روی، به کلمات قصار ائمه (ع) نیز حدیث گفته می‌شود، اما تعبیر «حدیث مثله» شامل مقدار معتناهی از آیات است که آورنده آن بتواند ادعا کند مثل قرآن را آورده‌ام، ولی کمتر از آن به نظر بعید است. فاضل لنکرانی در توضیح حدیث در آیه شریفه می‌گوید که حدیث کمتر از یک سوره را شامل نمی‌شود چون هر یک از جملات قرآن در بردارنده یک معنا و مقصود خاص است و در چنین حالتی انسان توانایی آوردن جمله‌ای مشابه جملات قرآن را دارد (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۶ق، ص ۴۰) از این روی مصداق «حدیث» در این آیه می‌تواند همه قرآن، چند سوره، یک سوره و یا مقداری از یک سوره طولانی، مثلاً یک حزب از قرآن و... باشد.

با این توضیحات کمترین بخشی که قرآن به آن تحدی کرده است، سوره است. سوره در اصطلاح قطعه‌ای از کلام الهی است که محتوایی منسجم داشته باشد. اما در لغت معنای محوری ماده «سور»، هیجان همراه با ارتفاع و اعتلاست؛ چنانکه وقتی خشم انسان یا حیوانی به هیجان آمد، اوج گرفت و اثرش آشکار شد، می‌گویند: «سارَ غَضْبُهُ» و هنگامی که مار به خشم آمد و حمله کرد گفته میشود: «سارت الحیة» و به همین مناسبت به دیواری که بر روستا یا شهر احاطه دارد و همچنین سدّ بزرگی که مانع نفوذ بیگانه است، «سور» گفته میشود. (طریحی، ۱۳۷۵ش، ج ۳، ص: ۳۳۹) قطعه‌های مختلف کتاب الهی نیز بدین مناسبت به سوره موسوم شده که مانند سور شهر یا روستا مانع تهاجم مخالفان است و هر سوره در واقع، سوری است بین مؤمنان و کافران و محکم‌ترین توشه معنوی است که با آن، تعرض وسوسه‌انگیز مخالفان دفع و رفع میشود و هر سوره مظهر هیجان و اعتلا و ظهور خداوند در برابر معاندان است.

از این تحلیل لغوی بر می‌آید که هر بخش از آیات قرآن کریم ویژگی مزبور را داشته باشد، یک «سوره» است. البته مصداق کامل سوره همان قطعه‌ها و واحدهای مشخص و مشهور قرآنی است که در اصطلاح به سوره موسوم شده است.

در برخی آیات، واژه سوره بر سوره کامل اطلاق شده، مانند: «سُورَةُ أَنْزَلْنَاهَا وَ فَرَضْنَاهَا وَأَنْزَلْنَا فِيهَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ» (النور: ۱) که مراد از آن، سوره نور است، یا «أَمْ يَقُولُونَ اقْرَأْ قُلْ فَأَتُوا بِعَشْرِ سُوْرٍ مِثْلِهِ مُقْتِرَاتٍ وَ ادْعُوا مَنْ اسْتَعْظَمْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (هود: ۱۳) در برخی موارد نیز سوره، به دسته‌ای از آیات (گرچه کمتر از سوره اصطلاحی) گفته شده، مانند: «يَحْذَرُ الْمُنَافِقُونَ أَنْ تُنَزَّلَ عَلَيْهِمْ سُورَةٌ تُنَبِّئُهُمْ بِمَا فِي قُلُوبِهِمْ» (التوبة: ۶۴)، «وَ إِذَا أَنْزَلْتَ سُورَةً أَنْ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ جَاهِدُوا مَعَ رَسُولِهِ» (التوبة: ۸۶)، «يَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا لَوْلَا نُزِّلَتْ سُورَةٌ فَإِذَا أَنْزَلْتَ سُورَةً مُحْكَمَةً وَ ذَكَرَ فِيهَا الْقِتَالَ» (محمد: ۲۰) روشن است که در این موارد مراد، سوره کامل نیست، زیرا هراس منافقان و انتظار مؤمنان درباره نزول سوره تام و کامل نبود. در این موارد، مراد از سوره، دسته‌ای از آیات با ویژگی مزبور است (مصطفوی، ۱۳۶۰ش، ص ۲۵۸)

از طرف دیگر می‌دانیم که تنوین در عبارت «سُورَةٍ» تنوین وحدت است و معنایش این است که اگر یک سوره هم مثل سوره‌های قرآن بیاورید، کافی است. به عبارت دیگر مقصود جنس سوره است. یعنی اگرچه آن سوره، سوره‌ای مثل «کوثر» یا «توحید» باشد که گذشته از آن-که فاقد آیات تحدی است، بسیار کوتاه است، باز کافی است؛ زیرا اگر کسی بگوید من در سوره‌های قصار و کوچک قرآن تردید دارم، در جوابش نمی‌شود گفت که شما همانند سوره بقره و یونس و هود و اسراء بیاور (جوادی آملی، ۱۳۸۶ش، ص ۱۳۱)

فلذا تمامی سوره‌های قرآن تک به تک معجزه هستند و برای درک اعجاز قرآن کریم باید از سطح واژگان و آیات فراتر برویم و به دنبال فهم سوره، ده سوره و یا کل قرآن بود. همان امری که کمتر مورد توجه ماست. می‌توان مدعی شد که با اکتفا به نگاه آیه‌ای نمی‌توان قرآن را شناخت و اعجاز آن را وجدان کرد. بنابراین وجهی از اعجاز باید ارائه شود که حداقل در گرو فهم سوره باشد.

## ۲-۱-۲. مفهوم تحدی در قرآن

اگر تحدی‌های قرآن تنها در خصوص بلاغت و عظمت اسلوب آن بود، دیگر نباید از عرب تجاوز می‌کرد و تنها باید عرب را تحدی کند، که اهل زبان قرآنند، آنهم نه کردهای عرب، که زبان شکسته‌ای دارند، بلکه عرب‌های خالص جاهلیت و آن‌ها که هم جاهلیت و هم اسلام را درک کرده‌اند، آن هم قبل از آنکه زبانشان با زبان دیگر اختلاط پیدا کرده و فاسد شده باشد. حال آنکه می‌بینیم سخنی از عرب آن هم با این قید و شرط‌ها به میان نیاورده و در عوض روی سخن به جن و انس کرده است، پس معلوم می‌شود معجزه بودنش تنها از نظر اسلوب کلام نیست (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۶۰)

آیه ۸۸ اسراء ظهور در این دارد که به تمامی خصوصیات قرآن و صفات کمالی که از نظر لفظ و معنا دارد، تحدی شده، نه تنها به فصاحت و بلاغت لفظ آن، زیرا اگر منظور معجزه بودن لفظ آن بود، دیگر معنا نداشت که همه جن و انس را دخالت دهد، بلکه باید میفرمود: اگر همه عرب جمع شوند نمیتوانند به مثل آن بیاورند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۳، ص ۲۰۱)

سباق آیات تحدی شاهد بر این است که تحدی به همه خصوصیات قرآن و آن صفات کمال و فضیلتی است که قرآن دارد و امتیازات قرآن در دو خصوصیت فصاحت و بلاغت خلاصه نمیشود چرا که قرآن مشتمل است بر تمام معارف الهی و جوامع شرایع، چه در باب عبادات، چه قوانین مدنی، چه سیاسی، چه اقتصادی، چه قضایی، چه اخلاق کریمه و آداب نیکو، چه قصص انبیاء و امت‌های گذشته، ملاحم، چه در باب اوصاف ملائکه و جن و آسمان و زمین، چه در باب حکمت و موعظت و وعده و تهدید و چه در باب اخبار مربوط به آغاز و انجام خلقت. همچنین قرآن مشتمل است بر قوت حجت و عظمت بیان و نور و هدایت، آن هم بدون اینکه در تمامی این باب‌های مختلف یک سخنش مخالف با سخن دیگرش باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۰، ص ۶۵)

قرآن در همه تحدی‌هایش به طور مطلق تحدی کرده و فرموده: اگر شک دارید که این قرآن از ناحیه خدای تعالی است، سوره‌ای مثل آن بیاورید و نفرموده از چه جهت مثل آن باشد، نه مقید به فصاحت کرده و نه به بلاغت و نه به قیدی دیگر (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۰، ص ۶۵-۶۶)

## ۲-۲. بررسی ویژگی‌های قرآن

از عبارت «بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ»، فهمیده می‌شود که قرآن برای تحدی سوره‌ای مثل و مانند و شبیه خودش را می‌خواهد. فلذا اول باید مشخص شود که قرآن چه ویژگی‌های دارد تا سپس از مخالف و منکر خود بخواهد که کلامی مثل آن را بیاورد. برای معرفی قرآن بهترین فرد در درجه‌ی اول، خود قرآن و سپس حضرات معصومین (ع) هستند.

فلذا در ادامه به معرفی و توضیح بخشی از اسامی و اوصافی که در خود قرآن و کلام معصومین (ع) برای معرفی قرآن استعمال شده است، می‌پردازیم؛ تا مشخص شود مهمترین ویژگی‌های قرآن کریم که خدا در تحدی مثل آن را خواسته چیست، که در این صورت وجه یا وجوه اصلی تحدی و اعجاز هم مشخص می‌شود.

## ۲-۲-۱. قرآن از منظر قرآن

مفسر بزرگ قرن ششم، جمال الدین ابوالفتوح رازی در مقدمه تفسیر خود، ۴۳ نام برای قرآن آورده است (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۸) که بیشتر جنبه وصفی دارد. طبرسی نیز در تفسیر خود به نام‌های قرآن، فرقان، کتاب و ذکر اکتفا کرده است (طبرسی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۳). بدرالدین زرکشی نقل می‌کند که حزالی کتابی در این زمینه نوشته و بیش از نود اسم یا وصف برای قرآن یاد آور شده است (زرکشی، ۱۹۵۷م، ج ۱، ص ۲۷۳)

این عناوین و اوصاف را به دسته‌های مختلفی می‌توان تقسیم کرد که ما در اینجا به اختصار چند دسته را ذکر می‌کنیم.

## ۲-۲-۱-۱. عناوین دلالت‌کننده بر صحت محتوا و اتقان مضامین و روشنی مفاهیم قرآن

مفاهیمی که قوای فکری و عقلانی انسان را تغذیه می‌کند و حق را از باطل جدا می‌کند و در نهایت منجر به نجات انسان می‌شود. مانند:

(الف) علم: خداوند متعال از آن روی کتاب خود را به «علم» توصیف کرده است که علوم کتاب‌های آسمانی پیشین در آن گرد آمده و مباحثش به علم و یقین بیان شده و مردم با عنایت به علم روشنی که در آن بیان گردیده است، می‌توانند به مدارج ایمان راه یابند چنانکه می‌فرماید: «وَلِئِنْ أَتَبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ» (البقره: ۱۲۰)

(ب) فرقان: این تک واژه، شش بار در قرآن کریم آمده است. بیشتر مفسران را عقیده بر آن است که قرآن را از آن روی به فرقان نامیده‌اند که بین حق و باطل جدایی می‌افکند و فیصله می‌دهد چنانکه خدای متعالی فرموده است: «تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا» (الفرقان: ۱)

(ج) فصل: خدای متعالی می‌فرماید: «إِنَّهُ لَقَوْلُ فَصْلٍ وَمَا هُوَ بِالْهَزْلِ» (الطارق: ۱۳-۱۴). علامه طباطبایی در معنای آیه چنین می‌گوید: قرآن سخنی جدا سازنده بین حق و باطل است و کلامی جدی و خالی از هزل است. آنچه را قرآن ثابت می‌کند، حق محض است که شکی در آن نیست و چون حق است، هیچ باطلی نمیتواند آن را باطل سازد و هر باطلی در صدد ابطال آن بر آید، بدون تردید باطل است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۰، ص ۲۶۱)

(د) قِیمِیت و غیر ذی عوج: در قرآن آمده است: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَى عَبْدِهِ الْكِتَابَ وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا قِیمًا» (الکھف: ۱). عوج به کسره عین، کجی‌هایی است که با فکر و بصیرت تشخیص داده میشوند، مانند انحراف و انحطاطی که در زمین مسطح است که تنها متخصصان میتوانند آن را تشخیص دهند و نیز مانند انحراف در دین و زندگی (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ماده عوج) توصیف کتاب به وصف قِیمِیت به خاطر این است که متضمن دین قِیم است، دینی که قائم به مصالح عالم بشری - مصالح دنیایی و چه آخرتی - است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۳، ص ۲۳۷)

۲-۲-۱-۲. عناوین دلالت کننده بر روشننگری قرآن نسبت به همه مراحل کمال یا ابعاد انسان

یعنی اوصافی که هم در مرحله شناخت، فکر و عقل را هدایت کرده و بینش صحیح و یقینی به انسان می‌بخشد و هم به دل، روشنی و آگاهی داده و آن را برای گرایش و پذیرش حق مهیا می‌سازد و هم روحی را در سیر صعودی، قدم به قدم همراهی و راهنمایی می‌کند تا درجات عالی کمال را یکی پس از دیگری طی کند و به هدف نهایی برسد.

(الف) هدایت: در قرآن آمده است: «وَأَنَّا لَمَّا سَمِعْنَا الْهُدَىٰ آمَنَّا بِهِ» (الجن: ۱۳). مفسران در وجه تسمیه آن گفته‌اند: چون قرآن به حقّ رهنمون می‌شود و برای به سر منزل مقصود که همانا سعادت واقعی در دنیا و آخرت است، به منزله رهنما است.

(ب) نور: قرآن کریم از آن روی نور نامیده می‌شود که با آن می‌توان از اسرار پرده برداشت و در پرتو آن، راه‌های ظلمانی را با اطمینان پیمود و در حقیقت به مثابه چراغی است برای بشر در راهی که برای رسیدن به نیکبختی فرا روی خود دارد، چنانکه خدای متعالی می‌فرماید: «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا» (النساء: ۱۷۴)

(ج) بیان و تبیین: خدای متعالی می‌فرماید: «هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَ مَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ» (آل عمران: ۱۳۸). راغب می‌گوید: وسیله تبیین و روشن کردن چیزی را بیان نامیده‌اند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۵۸) علامه طباطبایی ذیل آیه «وَ أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ» (النحل: ۸۹)، می‌گوید: چون قرآن کریم کتاب هدایت برای عموم مردم است و جز این کار و شأنی ندارد، لذا ظاهراً مراد از «لِّكُلِّ شَيْءٍ» همه آن چیزهایی است که برگشتش به هدایت باشد از قبیل معارف حقیقی مربوط به مبدأ و معاد و اخلاق فاضله و شرایع الهی و قصص و مواظبی که مردم در اهتداء و راه یافتنشان به آن محتاجند و قرآن تبیان همه این‌هاست.

۳-۲-۲. عناوین بیدارکننده از غفلت

عناوینی که دلالت بر این ویژگی قرآن دارد که دل را بیدار نموده و از غفلت و ناهشیاری خارج و برای پذیرش حق آماده می‌کند (مصباح یزدی، ۱۳۷۶ش، ص ۶۹)، مانند: «أَنَا أَنْزَلْنَاهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَرَحْمَةً وَ ذِكْرَىٰ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ» (عنکبوت: ۵۱)، «مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَىٰ إِلَّا تَذَكُّرٌ لِّمَن يَخْشَىٰ» (طه: ۲-۳)، «وَ لَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ آيَاتٍ مُّبِينَاتٍ وَ مَثَلًا مِّنَ الَّذِينَ خَلَوْا مِن قَبْلِكُمْ وَ مَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ» (نور: ۳۴)

۴-۲-۱. اوصاف دلالت‌کننده بر عظمت و پر خیر و برکت بودن و حکیم بودن آن

اوصافی که دلالت بر عظمت و اهمیت و کثرت فواید و پر خیر و برکت بودن و بلند مرتبه بودن و حکیم بودن آن، مانند: «عظیم، قول ثقیل، کریم، مجید، مبارک، احسن الحديث، علی، عزیز و حکیم»

۲-۲-۲. قرآن در منظر معصومین(ع)

از آنجا که خدای متعالی می‌فرماید: «لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ» (الواقعه: ۷۹) و همچنین امام باقر (ع) فرمودند: «إِنَّمَا يَعْرِفُ الْقُرْآنَ مَنْ خُوطِبَ بِهِ» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۸، ص ۳۱۲)، حضرات معصومین (ع) از مخاطبان تَام و اصلی قرآن کریم‌اند و آگاه‌ترین افراد به قرآن بوده و هستند. بنابراین بعد از خدای متعالی سزاوارترین افرادی که برای شناخت قرآن و بیان اعجاز قرآن می‌توان به آن‌ها رجوع کرد، ایشانند به اختصار سخنان هر یک از ایشان را در این بحث ذکر می‌کنیم.

پیامبر گرامی اسلام (ص) در توصیف قرآن و اعجاز آن می‌فرماید: «و قرآن راهنمایی است که به بهترین راه‌ها راهنمایی کند، و کتابی است که در آنست تفصیل و بیان و تحصیل (به دست آوردن حقائق) و آنست جداکننده (میان حق و باطل) مزاج و سرسری نیست برای آن ظاهری است و باطنی، پس ظاهرش حکم و دستور است و باطنش علم و دانش، ظاهرش جلوه و زیبایی دارد و باطنی ژرف و عمیق است...» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۵۹۹)؛ امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرماید: «آگاه باشید! همانا این قرآن پند دهنده‌ای است که نمی‌فریبد، و هدایت‌کننده‌ای است که گمراه نمیسازد، و سخنگویی است که هرگز دروغ نمی‌گوید. کسی با قرآن همنشین نشد مگر آن که بر او افزود یا از او کاست، در هدایت او افزود و از کور دلی و گمراهیاش کاست. آگاه باشید کسی با داشتن قرآن، نیازی ندارد و بدون قرآن بی‌نیاز نخواهد بود. پس درمان خود را از قرآن بخواهید، و در سختیها از قرآن یاری بطلبید، که در قرآن درمان بزرگترین بیماریها یعنی کفر و نفاق و سرکشی و گمراهی است...» (سید رضی، خطبه ۱۷۶)؛ حضرت زهرا (س) در خطبه‌ای پس از رحلت حضرت رسول (ص) در جمع اصحاب می‌فرماید: «خدا را در دست شما عهدی (کتابی) است که برای شما فرستاد، و باقی گذاشته‌ای که در میان شما نهاد، یعنی قرآن، که بصیرت آموزی‌های آن آشکار است و مقاصد عمیق آن روشن و برهانی است که ظواهر آن نمودار است، همواره همگان را به گوش فرادادن فرا میخواند، و پیروان خود را به رضوان الهی میرساند، و تابعان خویش را به نجات و رستگاری» (ابن بابویه، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۴۸)؛ امام سجاد (ع) می‌فرماید: «خدایا! مرا به ختم کردن قرآن یاری کردی، کتابی که آن را همچون روشنی فرو فرستادی... و فروغی ساختی که در پرتو آن از تاریکی‌های گمراهی و نادانی بیرون می‌آیم، و نور هدایتی قرار دادی که روشننگری آن هیچ گاه از میان نمی‌رود، و نشانه نجاتی که هر کس به روش آن رود گمراه نخواهد شد...» (صحیفه سجاده، ۱۳۵۳ش، ص ۲۶۵-۲۶۴، دعای ۴۲)؛ امام صادق (ع) می‌فرماید: «پیامبر خدا فرمودند: قرآن هدایتی است نجات دهنده از گمراهی و روشننگری است بازدارنده از کوری (و ناآگاهی)، و نگهداری است از لغزش، و فروغی است در تاریکی...» (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱، ص ۵)

کاملاً واضح و روشن است که هم در خود قرآن و هم در احادیث ائمه طاهرين (ع) مهمترین بخش اعجاز قرآن جنبه‌های محتوایی و معنوی قرآن است و نه شکل و ساختار ظاهری آن. می‌فرمایند قرآن کتاب هدایت، نور، فضیلت، شفاء، برهان، نجات بخش، بصیرت بخش است و به جنبه‌های لفظی و ظاهری کلام خیلی کم اشاره شده است.

### ۲-۳. تدبر در قرآن

خدای متعالی در آیه «الَّذِينَ اتَّبَعَتْهُمْ إِلَهَآبُ يُتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَٰئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ» (بقره: ۱۲۱)؛ ایمان آورندگان به قرآن را کسانی معرفی می‌کند که حق تلاوت قرآن را ادا می‌کنند و حق تلاوت قرآن یعنی خواندن همراه با تدبر در معانی و فکر و تعقل و آمادگی برای تأثیرپذیری (جوادی آملی، ۱۳۸۶ ش، ص ۲۳۷)

همچنین در کریمه دیگری می‌فرماید: «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا» (النسا: ۸۲)؛ این آیه نشان می‌دهد که قرآن مظهر هماهنگی اعجازین است و راه درک این هماهنگی، «تدبر در قرآن» است.

همچنین در آیات دیگری داریم: «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَ لِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ» (ص: ۲۹)؛ این قرآن کتابی گرانقدر و پر خیر و برکت است که آن را به سوی تو فرستادیم تا همگان در آیات آن تدبر کنند، پس هدایت‌پذیران راهیاب شوند و عنادپیشگان، عذری بر گمراهی خویش نیابند و تا صاحبان خرد به دلایل حق توجه کنند و به سوی آن هدایت گردند. این کریمه، تدبر در قرآن را غایت انزال این کتاب مبارک و زمینه‌ساز تذکر خردمندان دانسته است.

پیامبر اسلام (ص) و اهل بیت (ع) او نیز هماهنگ با وحی، همگان را به تدبر در قرآن فراخوانده‌اند. پیامبر اسلام (ص)، معاذ بن جبل را به تقوای الهی و تدبر در قرآن توصیه فرمودند (دیلمی، ۱۴۱۲ ق، ج ۱، ص ۷۳). سفارش به تدبر در کنار توصیه به تقوای الهی در این روایت، حاکی از اهمیت بالای انجام این وظیفه است. امیرالمومنین (ع) فرموده‌اند: آگاه باشید، فایده‌ای در قرائت بدون تدبر نیست (کلینی، ۱۳۶۵ ش، ج ۱، ص ۳۶). بر اساس این روایت نورانی، تدبر، وصف لازم قرائت ثمربخش قرآن کریم است و قرائت سودمند بدون تدبر محقق نمی‌شود. گفتنی است که این حدیث، بر تمام روایات مربوط به قرائت قرآن حاکم است و همه آن‌ها را به لزوم تدبر، مقید می‌کند.

امثال این روایت نورانی نشان می‌دهد که تدبر، سیره مستمره معصومان (ع) است.

### ۲-۳-۱. مفهوم‌شناسی تدبر

آیات الهی و بیانات نورانی معصومان (ع) در خصوص تدبر، هر حق‌جویی را در مقام فهم معنی آن قرار می‌دهد. از این رو، بیانی کوتاه در این باره، زبینه ادامه نوشتار خواهد بود.

تعریف صحیح تدبر در قرآن، مبتنی بر شناسایی مفهوم لغوی تدبر و آن نیز در گرو بررسی معنی ماده و هیأت این واژه در قرآن و منابع لغوی است. ریشه واژه تدبر، «دَبَرَ» و در لغت به معنی پشت و پشت سر اشیاء است (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۳، ص ۱۷۳). این ماده ۴۴ بار و به ۱۱ صورت، در قرآن کریم استعمال شده و معنی پیش گفته، با همه موارد مطابق است. (عبدالباقی، ۱۳۸۴ ش، ماده دبر) همچنین تدبر بر وزن تَفَعَّل و این هیأت برای مطاوعه تفعیل است (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۳، ص ۱۷۶).

در کتب لغت در معنای تدبیر آمده: «و أما التدبیر، تصییر الشیء ذا عاقبة بأن يكون الشیء على عاقبة حسنة و نتیجة مطلوبة...» معنی التدبیر بالنسبة إلى الله تعالى معلوم و تدبیره تعالى عبارة عن تنظیم أمور العالم و ترتیبه و جعل الأمور على أحسن نظام و اتقن صنع منتج (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۳، ص ۱۷۵)؛ و اما تدبیر، عاقبت‌دار کردن چیزی است، به این معنی که عاقبتی نیکو و نتیجه‌ای مطلوب داشته باشد... معنی تدبیر نسبت به خدای متعالی، تنظیم امور عالم و ترتیب آن و قرار دادن امور بر بهترین نظام و متقن‌ترین ساختار منتج است.

بنابراین ریشه لغوی و ساختار لفظی تدبیر، اقتضا می‌کند که آن را به معنی پشت سر هم چین حکیمانه بدانیم که استعملات قرآنی نیز آن را تأیید می‌کند: «يُدَبِّرُ الْأُمْرَ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ» (الرعد: ۲). علامه طباطبایی (ره) ذیل این آیه می‌فرماید: «التدبیر هو الإتيان بالشیء عقب الشی و یراد به ترتیب الأشياء المتعددة المختلفة و نظمها بوضع كلشی فی موضعه الخاص بحيث یلحق بكل منها ما یقصد به من الغرض و الفائدة...» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۱، ص ۲۸۹)؛ تدبیر، آوردن چیزی به دنبال چیز دیگر است و مراد از آن ترتیب دادن اشیاء متعدد مختلف پشت سر یکدیگر است، به گونه‌ای که هر شیء در جایگاه خاص خود قرار گیرد و غرض و فایده و مقصود، بر آن مترتب شود.

حال که معنی تدبیر دانسته شد، می‌توان معنی تدبیر را نیز تشخیص داد: «و أما التدبیر فهو تفعل لمطاوعة التفعیل فحقیقة معناه حصول مفهوم التدبیر و اختیار ذالک المفهوم...» (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۳، ص ۱۷۶)؛ و اما تدبیر، پس آن تفعل برای مطاوعة تفعیل است، پس حقیقت معنی آن حصول مفهوم تدبیر و اختیار آن مفهوم است.

آری ریشه لغوی و ساختار لفظی تدبیر، ایجاب می‌کند که آن را پذیرش (مطاوعه) و چینش حکیمانه (تدبیر) بدانیم. برخی بدون جمع‌بندی صحیح از ماده و هیأت، تدبیر را اینگونه معنی کرده‌اند: «التدبیر أن تنظر إلى ما تؤول إليه عاقبته و التدبیر التفكير فيه» (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۲۷۳؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۲۹۹)؛ تدبیر در کار، نظر کردن در آخر و عاقبت آن و تدبیر، تفکر در آن است.

روشن است که در این بیان، مفهوم ماده در اصل معنی دخالت داده نشده است. با توجه به آنچه گذشت، می‌توان گفت که تدبیر قرآن، پذیرش تدبیر آن است. آری کلام خدا یا هر کلام دیگری، محصول تدبیر حروف و کلمات و عبارات و جملات در کنار یکدیگر است. متکلم، کلمات را تدبیر می‌کند (پشت سر هم می‌چیند) و جملات را پدید می‌آورد، جملات را تدبیر می‌کند و پاراگراف‌ها را ایجاد می‌کند. مخاطب این متکلم، باید تدبیر او را بفهمد، یعنی باید تدبیر کند، بدین معنی که چینش کلمات را دریابد تا به مفهوم جملات نائل شود. چینش جملات را دریابد تا به مفهوم پاراگراف‌ها دست پیدا کند و الی آخر.

بر همین اساس، تدبیر خدا در قرآن، چینش واژگان برای به دست آمدن آیات، چینش آیات برای به دست آمدن سوره‌ها و چینش سوره‌ها برای سامان دادن کل قرآن کریم است. این تدبیر الهی در قرآن، تدبیر مخاطبان قرآن را طلب می‌کند و آن، درک چینش واژگان برای فهم آیات، چینش آیات برای فهم سوره‌ها و در نهایت، تشخیص حکمت چینش سوره‌ها برای فهم کل قرآن است. با این توضیحات، باز هم واضح است که منظور از اعجاز قرآن کریم جنبه محتوایی و معنوی آن است تا ظاهر الفاظ.

### ۳. اعجاز معنوی قرآن

قرآن کریم انسان را سالک مقصد ابدی می‌داند و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ» (الانشقاق: ۶) و دانسته است که سلوک بدون راه، همزاد، رهبر، راهنما و... امکان‌پذیر نیست. از طرف دیگر می‌دانیم که غیر از ذات اقدس خداوند، احدی شایسته هدایت انسان نخواهد بود. زیرا او ذاتاً مهتدی است و موجودات دیگر ذاتاً مهتدی نبوده و نیازمند به هدایت

هستند و بدون هدایت خدای متعالی نمی‌توانند دیگران را هدایت کنند. بنابراین حق هدایت منحصرأ از آن خداوند است (جوادی آملی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۲۸۸)

در قرآن آمده است: «أَقَمْتُ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يَتَّبِعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَى» (یونس: ۳۵)؛ پس آیا کسی که پدیده‌های جهان هستی را به اهدافشان راه می‌نماید، سزاوارتر است که از او پیروی شود یا آن کسی که خود راه درست را نمی‌یابد مگر این که او را راه نمایند. در این میان قرآن کریم برنامه هدایتی خداوند است که او نازل کرده است برای هدایت کل بشریت و این رسالت مکرراً در قرآن تصریح شده است: «الْقُرْآنُ هُدًى لِلنَّاسِ» (البقره: ۱۸۵). از طرفی چون قرآن کریم از تمام علل اعتلاء برخوردار است، نحوه‌ی رهبری آن، بهترین و متقن‌ترین هدایت است چنانکه خود تصریح می‌دارد: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ» (الاسراء: ۹)

به خاطر همین می‌بینیم که گاه از نقش هدایتگری قرآن کریم سخن به میان آمده و از مخالفان خواسته شده است که اگر کتابی بهتر برای هدایت سراغ دارند، بنمایند (معموری، ۱۳۸۳، ج ۱۳، ص ۶۰۰) «قُلْ فَأْتُوا بِكِتَابٍ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ هُوَ أَهْدَى مِنْهُمَا أَتَّبِعُهُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (قصص: ۴۹).

روشن است که اگر وجه اعجاز قرآن صرفاً فصاحت و بلاغت آن بود، بایستی می‌فرمود: اگر راست می‌گویید، کتابی بیاورید که فصیحتر و بلیغتر از این کتاب باشد. (پهلوان، ۱۳۸۲، صص ۷-۱۵)

### ۱-۳. مفهوم معجزه در قرآن

کلمه «اعجاز» در لغت به معنی بوجود آوردن عجز و ناتوانی در دیگری است (مصطفوی، ۱۳۶۰ ش، ج ۸، ص ۳۷). و در اصطلاح عبارت است از اینکه، شخصی که ادعای منصبی از منصب‌های الهی می‌کند، باید جهت گواه بر صدق گفتارش عملی را انجام دهد که دیگران از انجام دادن آن عاجزند؛ چون آن عمل به ظاهر بر خلاف قوانین خلقت و خارج از مسیر عادی و طبیعی است. انجام دادن چنین عملی را اعجاز و خود عمل را معجزه می‌نامند (خویی، ۱۳۸۴ ش، ص ۴۹)

اما واژه اعجاز در قرآن کریم در این معنا استعمال نشده است و به جای آن، از واژه‌های دیگری همچون آیه، بینه، برهان و سلطان استفاده شده است. از این مطلب برمی‌آید که معیارهای قرآن برای از جانب خدا بودن این موارد است که مورد پذیرش مخاطبان عصر نزول بوده که در قرآن بکار رفته است. مثلاً درباره نه معجزه‌ای که به موسی (ع) داده شده، اینگونه تعبیر می‌کند: «وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى تِسْعَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ...» (الاسراء: ۱۰۱)، درباره ناقة صالح می‌فرماید: «وَوَيْلٌ لِلْكَافِرِينَ مِنْ نَارِ الْجَهَنَّمَ وَتِلْكَ آيَةُ الْيَوْمِ الْآخِرَةِ» (هود: ۶۴)؛ همچنین درخواست قوم عاد از هود برای آوردن معجزه را بدینگونه بیان می‌کند: «قَالُوا يَا هُودُ مَا جِئْتَنَا بِبَيِّنَةٍ» (هود: ۵۳)؛ نیز بعد از توضیح دادن دو مورد از معجزات حضرت موسی می‌فرماید: «فَذَانِكَ بُرْهَانَانِ مِنْ رَبِّكَ إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَأَهُ» (القصص: ۳۲)؛ همچنین درباره موسی می‌فرماید: «وَفِي مُوسَى إِذْ أَرْسَلْنَاهُ إِلَى فِرْعَوْنَ بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ» (الذاریات: ۳۸).

تفاوت معجزه با آیه و بینه در آن است که معجزه به معنی ناتوان ساختن و از پای درآوردن است، اما آیه و بینه به معنی نشانه و دلیل است و هدف از ارائه آنها «از پای درآوردن» نیست، بلکه مقصود، عرضه شاهد، ارائه گواهی بر صدق دعوی نبوت، دلالت افراد به ذوالآیه، و هدایت آنها به عبادت حق تعالی است. آنان که از قلبی پاک و حق‌پذیر برخوردارند، هرگز به مبارزه با راستی برنمی‌خیزند تا پیامبران در برابرشان به اعجاز متوسل شوند و منکوبشان سازند (پهلوان، ۱۳۸۲، صص ۷-۱۵) فلذا می‌شود گفت که کاربرد معجزه اساساً برای ارائه دعوت و اثبات حقایق آن نبوده، بلکه در رتبه دوم و هنگام برخورد با موانع از آن استفاده شده است. لذا معجزه وسیله دفاعی بشمار می‌رود نه وسیله تبلیغی محض (معرفت، ۱۳۸۴ ش، ص ۲۹۵)

## نتیجه گیری

نتایجی که از این نوشتار حاصل می‌شود عبارتند از:

- اعجاز بیانی تنها یکی از وجوه اعجاز قرآن کریم است که مفسران و متکلمان متعرض آن شده‌اند و نمی‌توان گفت که وجه اصلی قرآن کریم است.

- با عنایت به آیات قرآن کریم و روایات جنبه‌های معنوی و محتوایی اعجاز قرآن کریم، بر جنبه‌های ظاهری و صوری و لفظی و بلاغی آن برتری کلی دارد.

- در کلام معصومین (ع) به جنبه‌های معنوی و هدایتی قرآن عنایت و توجه ویژه و زیادی شده است تا به جنبه‌های صوری و ظاهری و بلاغی قرآن کریم.

- یکی از بهترین و کارآمدترین راه‌ها برای پی بردن به اعجاز قرآن کریم نگاه تدبری یا همان نگاه مجموعی و منسجم به قرآن کریم است.

منبع: miracleofquran.org